

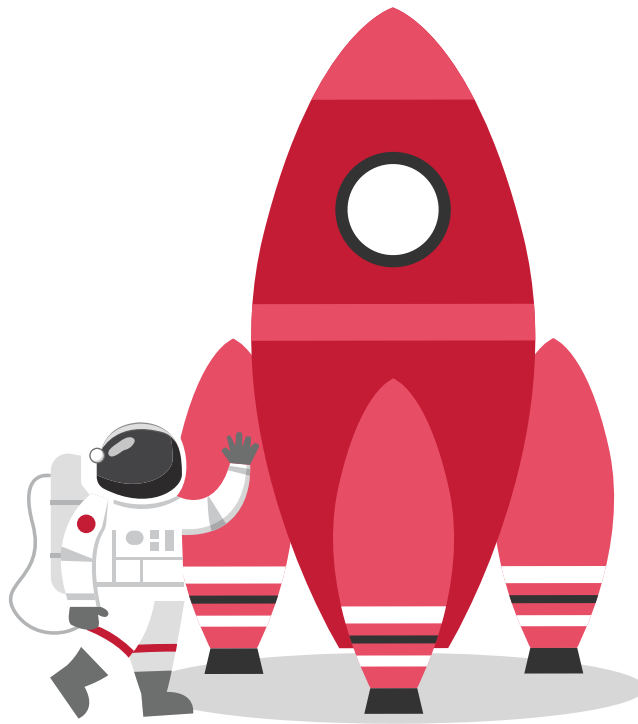


سیب ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# دستگرمی نسخه ۲۰

## ادبیات فارسی ۳



دانلود اپ سیب ترش

سیب ترش در صفحات مجازی

 SIBTORSH  SIBTORSH.OFFICIAL



سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی ایران

مهديه فتحي

پزشكي ايران



سعید آهنگر

پزشكي ايران



سمیرا فیضی‌زاد

پزشكي ايران



محمد سعید ملک‌شاهی

پزشكي ايران



سهیل خاطری

پزشكي ايران



سباپرتوی

پزشكي ايران



متین حقداده

پزشكي ايران



سید محمد یاسین سجادی

پزشكي ايران



یگانه تقوی

پزشكي ايران



سحر شهرستمي دره مرادی

پزشكي ايران



فاطمه حسین نژاد منصورى

پزشكي ايران



مهديس نوربخش

پزشكي ايران



زهرا محمودی

پزشكي ايران



ابوالفضل فاضلی نسب

پزشكي ايران



محمد حسین پور میرزائی

پزشكي ايران



آتنا نقی‌زاده

پزشكي ايران



محمد رحمانی

پزشكي ايران



غزل ایلانلو

پزشكي ايران



شهرزاد فرشته‌صنيعی

داروسازی ايران



نيکی زينعلی

دندانپزشكي ايران



علیرضا غلامی

پزشكي ايران



محمد وحید غضنفری

پزشكي ايران



مريه زارعی

پزشكي ايران



پویا زندیان

پزشكي ايران



ابوالفضل راعي

پزشكي ايران



محمد جواد احمدی

پزشكي ايران



علی اصغر کرامتی

پزشكي ايران



نجوا فرهادزاده

پزشكي ايران



محمد حسین تقوی

پزشكي ايران



آرمان محمدیان

پزشكي ايران





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی ایران

مهشادشکروی

پزشکی ایران



آرین اسلامی

پزشکی ایران



زهرا هادی‌لو

پزشکی ایران



سعیده‌سیدی

پزشکی ایران



امیر قدیری عربزاده

پزشکی ایران



مهرداد افشار

پزشکی ایران



محدثه‌علیزاده

پزشکی ایران



نگار حسینی

پزشکی ایران



عطیه حسینی

پزشکی ایران



زینب فرزین‌فرد

پزشکی ایران



نگارشهبازپور

پزشکی ایران



شیدا اشعбانی

پزشکی ایران



آرزو قربانی

پزشکی ایران



علیرضا علیجانی

پزشکی ایران



یاشارامینی

پزشکی ایران



فاطمه سادات حسینی

داروسازی ایران



نوید میرمصطفایی

پزشکی ایران



امیررضا اقتصاد

پزشکی ایران



محمد رضا حیدری‌فر

فیزیوتراپی ایران



فاطمه نویدکیا

فیزیوتراپی ایران



بهاره دانش‌پسند

فیزیوتراپی ایران



یاسمین عطایی

پزشکی ایران



سینا حقیقی

پزشکی ایران



مهری نیازی

فیزیوتراپی ایران



نرگس حسن‌آبادی

فیزیوتراپی ایران



امیرمحمد حدیری

پزشکی ایران



نوید میرمصطفایی

پزشکی ایران



محمد حسین پورمیرزائی

پزشکی ایران



عرفان شعبی

داروسازی ایران



متین عالی‌فر

پزشکی ایران





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های از افتخارات و رتبه برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی شهیدبهبشتی

مسعود هوس‌کار  
پزشکی شهیدبهبشتی



نگادر یکنودی  
پزشکی شهیدبهبشتی



یکتا خراسانی  
پزشکی شهیدبهبشتی



سید حبیب بابائی  
پزشکی شهیدبهبشتی



آرمان دانشی‌کهنی  
پزشکی شهیدبهبشتی



رضوان فتوحی‌اردکانی  
پزشکی شهیدبهبشتی



نگار حاجی‌محمدی  
پزشکی شهیدبهبشتی



هلپار رضائی  
پزشکی شهیدبهبشتی



مهسا خوش‌نظر  
پزشکی شهیدبهبشتی



بهاره رضائی  
پزشکی شهیدبهبشتی



رسول مومی‌وند  
پزشکی شهیدبهبشتی



فاطمه نظری  
پزشکی شهیدبهبشتی



حسن خواجهی  
پزشکی شهیدبهبشتی



زهرا راجبی  
پزشکی شهیدبهبشتی



محمد امین لطفی  
پزشکی شهیدبهبشتی



پارسا پرهیزگار  
داروسازی شهیدبهبشتی



صبا دمیرچی  
داروسازی شهیدبهبشتی



ریحانه افشاری  
داروسازی شهیدبهبشتی



مهدی علیرضایی  
پزشکی شهیدبهبشتی



رومینا طهماسبی  
فیزیوتراپی شهیدبهبشتی



محمد حسینی  
فیزیوتراپی شهیدبهبشتی



محمد مهدی انصاری  
پزشکی شهیدبهبشتی



میلا خالیدیان  
پزشکی شهیدبهبشتی



هانی سوری  
پزشکی شهیدبهبشتی



رضا قربان‌زاده  
پزشکی شهیدبهبشتی



علی محمدزاده  
پزشکی شهیدبهبشتی



هیرو شیخی  
پزشکی شهیدبهبشتی



سیده زهرا امت‌محمدی  
پزشکی شهیدبهبشتی



ابوالفضل صدوقیان  
پزشکی شهیدبهبشتی



عسل خورسند  
پزشکی شهیدبهبشتی



امیرحسین محمدخانلو  
پزشکی شهیدبهبشتی



شهداد جودکی  
پزشکی شهیدبهبشتی



علی توکلی  
پزشکی شهیدبهبشتی



زینب قربان‌یان قهرودی  
پزشکی شهیدبهبشتی



محمد امین حسینی  
پزشکی شهیدبهبشتی



امیررضا قابابائی  
پزشکی شهیدبهبشتی



فاطمه ذوالفقاری  
پزشکی شهیدبهبشتی



مهدیه بهارلو  
پزشکی شهیدبهبشتی



محمد حسینی  
پزشکی شهیدبهبشتی





سبب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سبب‌ترش

## علوم پزشکی شهیدبهبشتی

زینب کاوسی‌آزاد  
پزشکی شهیدبهبشتی



سارامحمدپور  
پزشکی شهیدبهبشتی



امیدرضعالی‌زاده  
پزشکی شهیدبهبشتی



فاطمه‌عادلی  
پزشکی شهیدبهبشتی



یلدا توکلی  
پزشکی شهیدبهبشتی



کارن حسینی  
پزشکی شهیدبهبشتی



علی‌معماری  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



مریم‌احمدی  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



سمیرارحیمی  
پزشکی شهیدبهبشتی



فاطمه‌موسوی  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



عرفان‌قاضی  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



مهیا زارع  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



محمدحسین‌محظوظی  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



نازنین صابری‌نژاد  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



علی‌باقری  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



سیاه‌موی‌شیرزاد  
داروسازی شهیدبهبشتی



آریا سلطانی‌نژاد  
داروسازی شهیدبهبشتی



مریم‌صادق‌پور  
داروسازی شهیدبهبشتی



فائقه‌فندرسکی  
داروسازی شهیدبهبشتی



نیکی‌خسروی  
فیزیوتراپی شهیدبهبشتی



فاطمه‌ساجدی  
داروسازی شهیدبهبشتی



ریحانه‌پوری‌افر  
فیزیوتراپی شهیدبهبشتی



نیلوفرصیری  
داروسازی شهیدبهبشتی



شاهرخ‌رضاپور  
داروسازی شهیدبهبشتی



عرفان‌رستمی  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



سینان‌عمتی  
فیزیوتراپی شهیدبهبشتی



مریم‌پارسا  
فیزیوتراپی شهیدبهبشتی



احسان‌ابراهیمی  
دندان پزشکی شهیدبهبشتی



محمدامین‌محمدی‌اصل  
پزشکی شهیدبهبشتی



محمدجسیم‌گلزاریان  
پزشکی شهیدبهبشتی



رضوان فتوحی‌اردکانی  
پزشکی شهیدبهبشتی



فریدین‌مرادی  
پزشکی شهیدبهبشتی



مبین‌نوربخش  
پزشکی شهیدبهبشتی





مدیر آموزشی: دکتر احمد رضا ورمزیار

نسخه ۲۰: سوالات دست گرمی

سیب ترش: بزرگترین مرکز آنلاین کنکوری

فارسی ۳: مٹ آب خوردن ۲۰ بگیر

مدیر دپارتمان فارسی: کوروش اردشیری

## فصل یکم: ادبیات تعلیمی

درس ۱: شکر نعمت واژگان

۱- جدول زیر را کامل کنید.

واژه	هم‌آوا	مترادف
غربت		

۲- برای واژه‌های مشخص شده در مصراع زیر، یک هم‌خانواده، یک مترادف و یک متضاد بنویسید.

همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بی‌پوشی

۳- معنی لغات و ترکیبات مشخص شده را بنویسید.

**الف**

صَفَوَت آدمیان و تتمه دور زمان.

دستور زبان

۴- نقش کلمات مشخص شده را در متن زیر تشخیص دهید.

«فَرَاش باد صبا را گفته تا فرش زَمَرْدین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.»

۵- در عبارت زیر نوع حذف را مشخص کنید.

طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت

۶- درباره تفاوت معنایی و کاربرد حرف «را» در عبارت‌های زیر توضیح دهید.

الف) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

ب) از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟

پ) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.

آرایه‌های ادبی

۷- در بیت زیر «مجاز» را بیابید و بنویسید مجاز از چیست.

«عاشقان کشتگان معشوق اند  
بر نیاید ز کشتگان آواز»



### قرابت معنایی

۸- جمله «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد»، با کدام بخش از بیت زیر ارتباط مفهومی دارد؟  
 همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بگاهی، همه کمی تو فزایی  
 ۱ ۲ ۳ ۴

### معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۹- معنی عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.

**الف**

عشق به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.

**ب**

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

**پ**

مزینان را بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند و هنوز بر همان مهر و نشان است که بود.

**ت**

کز این دو یکی گر شود نابه‌کار

از آن پس که خواند مرا شهریار؟!

**ث**

شیرمرد عرصه ناوردهای هول / ۰۰۰ / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود

**ج**

صد هزاران سایه جاوید، تو

گم شده بینی ز یک خورشید، تو

۱۰- معنی هریک از عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

**الف**

تو مشت درشت روزگاری

از گردش قرن‌ها پس افکند

**ب**

از دست و زبان که برآید

کز عهده شکرش به در آید

**پ**

بخند؛ زیرا خنده تو

برای دستان من شمشیری است آخته



**ت** ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریار است. در خرد و بینش، او را همتایی نیست.

**ث** یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.

**ج** سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

**چ** حالا دیگر مصطفی در خوش‌زبانی، نوک جمع را چیده است.

۱۱ - معنی ابیات و عبارات زیر را به ثر روان بنویسید.

**الف** از شنیدن اسم شهر، قند در دلم آب می‌شد.

**ب** هرکه بی‌روزی است روزش دیر شد.

**پ** تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

**ت** وصول به حُسن ممکن نشود آلا به واسطهٔ عشق.

**ث** مهمان‌ها سخت در محذور گیر کرده، تکلیف خود را نمی‌دانند.

**ج** سعی کردم که پا جای پای شما بگذارم؛ مثل برق و باد خودم را به سنگر برسانم.

**چ** برکش ز سر این سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند

**ح** ز خورشید و از آب و از باد و خاک نگردد تبه نام و گفتار پاک

**خ** وانیامد در جهان زین راه کس نیست از فرسنگ آن آگاه کس

**د** به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت، صد کاروان





۱۲ - معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

**الف**

هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید، مفرّح ذات

**ب**

هر کسی از ظنّ خود شد یار من      از درون من نجست اسرار من

**پ**

ور ایدون که زین کار هستم گناه      جهان‌آفرینم ندارد نگاه

**ت**

آدمی به هر جا می‌رود گمان می‌کند به غایت‌القصوای مقصود خود رسیده است.

**ث**

وانیامد در جهان زین راه کس      نیست از فرسنگ آن آگاه کس

۱۳ - معنی هریک از ابیات و عبارتهای زیر را به نثر روان بنویسید.

**الف**

نالهُ مرغ اسیر این همه بهر وطن است      مسلک مرغ گرفتار قفس هم‌چو من است

**ب**

کرم بین و لطف خداوندگار      گنه بنده کرده است و او شرمسار

**پ**

بخند: زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته

**ت**

وا نیامد در جهان زین راه، کس      نیست از فرسنگ آن آگاه کس

**ث**

کرانه‌های فرات، خط از کرانه رود تیبر می‌خواندند.

**ج**

بدان گه که شد پیش کاووس باز      فرود آمد از باره، بردش نماز

**چ**

خودتان را بزیند به ناخوشی و بگویند طیب قدغن کرده؛ از تخت‌خواب پایین نیایید.

۱۴ - ابیات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

**الف**

تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

۱۵ - اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

**الف**

همه ببیشتی تو بگاهی، همه کمی تو فزایی

**ب**

به یاران گفت کز خاکی و آبی ندیدم کس بدین حاضر جوابی

۱۶ - عبارات و اشعار زیر را به نثر روان امروزی بنویسید.

**الف**

همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم

**ب**

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

۱۷ - ابیات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

**الف**

به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

۱۸ - با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو پیوشی همه ببیشتی تو بگاهی همه کمی تو فزایی  
لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»

**الف**

مفهوم آیه «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلَّ مِنْ تَشَاءٍ» در کدام مصراع به چشم می‌خورد؟

۱۹ - معنی عبارات زیر را بنویسید.

**الف**

دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

۲۰ - در بیت زیر کدام کلمات مفهوم نمادین دارند؟ مفهوم هریک را بنویسید.

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد



## درس ۲: مست و هشیار و ازگان

۲۱ - معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

**الف**

تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

**ب**

گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

**پ**

پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند تثار کند.

**ت**

کزین کوه آتش نیایم تپش

۲۲ - با توجه به معنای داده شده، معادل مناسب را انتخاب کنید.

**الف**

پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد:

واعظ  زاهد

**ب**

همیشه پیوسته، می:

مداوم  استقرار

**پ**

ذات، وجود:

ذی  وجه

۲۳ - در میان گروه کلمات زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

«سرای والی - داروغه و نگهبان - قرامت و تاوان - حد و مجازات - واعظ و نصیحت‌گو - تزویر و دورویی»

۲۴ - غلط‌های املائی به‌کاررفته در ترکیب‌های زیر را بیابید و اصلاح کنید.

**الف**

ثواب و خطا: .....

**ب**

آجز و ضعیف: .....

**پ**

زوالجلال و الاکرام: .....

**ت**

مطمئن و متعهد: .....

**ث**

منذر نظر: .....

**ج**

قریق بحر خدا: .....

۲۵- در موارد زیر نادرستیهای املایی را بیابید و تصحیح کنید.**الف**

گفت: «می‌باید تو را تا خانه‌ غازی برم»

**ب**

گفت: «از بحر غرامت جامه‌ات بیرون کُتم»

**پ**

نیامد بیش پرسیدن ثوابش

**ت**

یک دم غریق بهر خدا شو گمان مبر

دستور زبان

۲۶- فعل‌های مشخص‌شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

همی گرد رزم اندر آمد به ابر

الف) بشد تیز رهام با خود و گبرکه کاری نکردیم و شد روزگار

ب) چه خوش گفت با کودک آموزگار

دوستی کی آخر آمد و دوستان را چه شد؟

پ) یاری اندر کس نمی‌بینم یاران چه شد

۲۷- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی»«خواب و خورت ز مرتبه‌ خویش دور کرد**الف**

در قسمت‌های مشخص‌شده کدام آرایه‌ ادبی به کار رفته است؟

**ب**نقش دستوری ضمیر «ت» را در «خواب و خورت» مشخص کنید.

۲۸- با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

از پای تا سرت همه نور خدا شود

در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود



## الف

تفاوت معنایی و کاربردی واژه «چو» را در سه بیت بنویسید.

## ب

در بیت دوم یک ترکیب اضافی مشخص کنید.

### آرایه‌های ادبی

۲۹- در هر یک از بیت‌های زیر «کنایه‌ها» را مشخص کنید و مفهوم آنها را بنویسید.

## الف

خواب و خورت ز مرتبه خویشت دور کرد / آن گه رسی به خویشت که بی‌خواب و خور شوی

## ب

محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت / مست گفت ای دوست، این پیراهن است افسار نیست

### قربت معنایی

۳۰- ارتباط مفهومی ابیات زیر را توضیح دهید.

- گفت مست: «ای محتسب بگذار و رو
- گفت: «از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم»
- گفت: «از برهنه کی توان بردن گرو؟»
- گفت: «پوسیده است جز نقشی ز پود و تار نیست»

### معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۳۱- مصراع دوم بیت زیر، بر چه موضوعی تأکید دارد؟

گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بی‌خود شدی / گفت: «ای بیهوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست»

۳۲- سروده زیر را از نظر شیوه گفت‌وگو، با متن درس «مست و هُشیار» مقایسه کنید؛ سپس بنویسید این نوع گفت‌وگو در اصطلاح ادبی چه نام دارد؟

بگفت از دار مُلک آشنایی	نخستین بار گفتش کز کجایی؟
بگفت انده خرد و جان فروشد	بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند؟
بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست	بگفتا جان فروشی در ادب نیست
بگفت از دل تو می‌گویی من از جان	بگفت از دل شدی عاشق بدین سان؟
بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک	بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟
بگفت این، کی کند بیچاره فرهاد؟	بگفت او آن من شد زو مکن یاد
نیامد بیش پرسیدن صوابش	چو عاجز گشت خسرو در جوابش
ندیدم کس بدین حاضر جوابی	به یاران گفت کز خاکی و آبی

نظامی

۳۳- مفهوم هریک از ابیات زیر را بنویسید.



**الف**

گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی برم      گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست

**ب**

گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان      گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست

**پ**

گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم      گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست:

**ت**

گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را      گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست

۳۴- معنی ابیات زیر را بنویسید.

**الف**

گفت: نزدیک است والی را سرای آنجا شویم      گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست

**ب**

گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان      گفت: کار شرع کار درهم و دینار نیست

## فصل دوم: ادبیات پایداری

درس ۳: آزادی و اژگان

۳۵- در بیت واژه «همت» به چه معناست؟

همت اگر سلسله جنبان شود

مور تواند که سلیمان شود

(۱) عزم      (۲) مقاومت

(۴) دعای خیر

(۳) توجه از صمیم قلب به خدا

۳۶- در کدام گزینه واژه‌ای وجود دارد که بیانگر مفهوم واژه «طرف» است؟

(الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق      بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

(ب) برخیز تا یک سو نهیم این دلق ازرق فام را      بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را



۳۷- در کدام بیت‌های درس «آزادی»، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

۳۸- در بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت» نوع جمله‌ها را از نظر «بلاغی و عادی» مشخص کنید.

۳۹- در مصراع اول بیت «آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است» به ترتیب، نقش‌های «مسند» و «نهاد» را مشخص کنید.

۴۰- در بیت «آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است» به ترتیب نقش دستوری واژه‌های «این» و «او» را مشخص کنید.

۴۱- در بیت «خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحرزن است» نقش دستوری واژه‌های «خانه» را به ترتیب بنویسید.

۴۲- در بیت «همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است» زمان فعل‌ها به ترتیب کدام است؟

۴۳- در مصراع اول بیت «نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گفتار قفس هم چو من است» به ترتیب، نقش دستوری واژه‌های «مرغ» و «وطن» چیست؟

## آرایه‌های ادبی

۴۴- کدام یک از ترکیب‌های مشخص‌شده، مجاز است؟ مفهوم آن را بنویسید.  
«نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گفتار قفس هم چو من است»

۴۵- آرایه درست را از داخل کمانک برگزینید.

**الف** تو قلب فسرده زمینی / از درد ورم نموده یک چند (ایهام - جناس)

**ب** خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحرزن است (متناقض‌نما - تضاد)

**پ** دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو (تشخیص - حس آمیزی)

۴۶- با توجه به بیت زیر «تشبیه» و «کنایه» را در مصراع اول مشخص کنید.  
در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت



۴۷- در بیت زیر «استعاره» و «تشخیص» را مشخص کنید.

ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند

۴۸- آرایه متناسب با هریک از ابیات زیر را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

**الف**

محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست (اسلوب معادله - سجع)

**ب**

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (استعاره - تلمیح)

**پ**

این فصل، فصل من و توست، فصل شکوفایی ما / برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو (تضاد - تکرار)

**ت**

سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهر خندانش گریان شدند (مجاز - تشخیص)

۴۹- با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملت‌تی که مردم صاحب‌قلم نداشت  
در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت  
با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

**الف**

«افتادن نام از قلم» کنایه از چیست؟

**ب**

واژه «جامعه» در معنای حقیقی است یا مجازی؟ توضیح دهید.

**پ**

در بیت سوم یک جناس ناهمسان (ناقص) نشان دهید.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۵۰- شاعر در بیت «در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملت‌تی که مردم صاحب قلم نداشت»، ادامه حیات ملت‌ها را در گرو چه موضوعی می‌داند؟

۵۱- معنی و مفهوم هر یک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.



**الف**

نان را از من بگیر، اگر می‌خواهی، هوا را از من بگیر، اما خنده‌ات را نه.

**ب**

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب‌قلم نداشت

**پ**

چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند

**ت**

شش دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود.

**ث**

در عشق قدم نهادن، کسی را مسلّم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند.

۵۲- سروده زیر را می‌توان نمایانگر کدام صفت برجسته گوینده آن دانست؟

«با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی‌ست ما را فراغتی‌ست که جمشید جم نداشت»

۵۳- معنی و مفهوم هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

**الف**

آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ملّت امروز یقین کرد که او اهرمن است

**ب**

همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

**پ**

جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

**ت**

خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران گُتش آن خانه که بیت‌الْحَزَن است

**ث**

فکری ای هم‌وطنان، در ره آزادی خویش بنمایید که هر کس نکند، مثل من است

**ج**

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت



چ

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملّتی که مردم صاحب‌قلم نداشت

تاریخ ادبیات

۵۴- غزل اجتماعی در چه دوره‌ای رواج یافت؟

درس ۵: دماوندیه واژگان

۵۵- معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید:

الف

تو مُشت درشت روزگاری

از گردش قرن‌ها پس افکند

ب

برکش ز سر این سپید معجر

بنشین به یکی کبود اورند

پ

بگرای چو اژدهای گرزه

بخروش چو شرزه شیر ارغند

ت

تا درد و ورم فرو نشیند

کافور بر آن ضُماَد کردند

۵۶- در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... نادرستی املائی دیده می‌شود.

۱) بچه‌ها هم انگار از دست آن ذّله شده بودند و تکبیر می‌گفتند.

۲) تنها و تنها برای تعلیم گرفتن، شبه شما را در میان تاریکی تعقیب می‌کردم.

۳) عمق گودال آن‌قدر نبود که بتواند جسّهٔ آدمی را در خود بگیرد.

۴) به سمت خاکریز می‌رفتند و آخرین رمغ‌هایشان را در آخرین فشنگ‌هایشان می‌ریختند.

۵۷- از متن درس «دماوندیه»، چهار ترکیب وصفی که اهمّیت املائی داشته باشند، بیابید و بنویسید.

۵۸- در بیت‌های زیر، «غلط‌های املائی» را مشخص کنید و شکل صحیح آنها را بنویسید.

الف

صریر ملک، عطا داد کردگار تو را

به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد

**ب**

چنان آمد اسپ و قبای سوار

که گفתי ثمن داشت اندر کنار

دستور زبان

۵۹- در بیت‌های زیر، ترکیب‌های اضافی را مشخص کنید.

الف) تو مشتِ درشتِ روزگاری  
ب) زین بی‌خردانِ سغله‌بستان

از گردشِ قرن‌ها پس افکند  
دادِ دل مردمِ خردمند

۶۰- با توجه به بیت به سوالات زیر پاسخ دهید.

«تا چشم بشر نبیندت روی  
بنهفته به ابرِ چهر دل‌بند»

**الف**

واژه «روی» با کدام واژه نقش دستوری یکسان دارد.

**ب**

واژه «ت» در «نبیندت»، با واژه ..... (بشر / ابر) نقش دستوری یکسان دارد.

۶۱- نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

**الف**عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.**ب**سرانجام گفت ایمن از هردوان

نگردد مرا دل، نه روشن روان

**پ**تا چشم بشر نبیندت روی

بنهفته به ابر، چهر دل‌بند

آرایه‌های ادبی

۶۲- در هر یک از موارد زیر آرایه نوشته‌شده در مقابل هر بیت را نشان داده و توضیح دهید.

**الف**

از سیم به سر یکی گله‌خود

ز آهن به میان یکی کمر بند (استعاره)

**ب**

تو قلب فسرده‌ی زمینی

از درد، ورم نموده یک چند (تشبیه)



۶۳- در کدام یک از بیت‌های زیر آرایه «حسن‌تعلیل» وجود دارد؟ دلیل خود را بنویسید.

- الف) تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر، چهر دل‌بند  
ب) برگن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند

۶۴- در کدام بیت‌های درس «دماوندیه» آرایه «حسن‌تعلیل» به‌کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

۶۵- در هر یک از ابیات زیر، آرایه مقابل آن را مشخص کنید.

- ۱- تا واره‌ی از دم ستوران وین مردم نحس دیو مانند (تشبیه)  
۲- بگرای چو اژدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارغند (جناس)  
۳- ای مشتی زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند (تشخیص)

### معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۶۶- در بیت «پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان شنو یکی پند» مقصود شاعر را از «آتش درون» و «سوخته جان» بنویسید.

۶۷- با توجه به بیت زیر از «دماوندیه»، منظور از بخش‌های مشخص شده چیست؟

- ای مادر سر سپید بشنو این پند سیاه‌بخت فرزند

۶۸- درباره فضا و حس و حال حاکم بر متن «جاسوسی که الاغ بودا» به اختصار بنویسید.

۶۹- ابیات زیر را به نثر روان معنا کنید:

- «چون گشت زمین ز جور گردون بنواخت ز خشم بر فلک مشتی  
سرد و سیه و خموش و آوند، آن مشتی تویی تو ای دماوند»

۷۰- عبارات و اشعار زیر را به نثر روان امروزی بنویسید.

### الف

- از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمر بند

۷۱- ابیات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند  
پنهان مکن آتش درون را زین سوخته‌جان شنو یکی پند

چرا شاعر دماوند را «دیو سپید» دانسته است؟

### الف

منظور از «دماوند» و «سوخته‌جان» چیست؟

### ب



## فصل سوم: ادبیات غنایی

### درس ۶: نی نامه واژگان

۷۲- معنی و مفهوم واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(الف) نی حریف هر که از یاری برید

(ب) پرده‌هایش پرده‌های ما درید

(ج) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست

### دستور زبان

۷۳- در ابیات زیر چند فعل موجود است؟ مشخص کنید.

«هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش  
تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست»

۷۴- بیت «روزها گر رفت گو رو باک نیست / تو بمان ای آن‌که جز تو پاک نیست» ..... (پنج / شش / هفت) جمله دارد.

۷۵- در کدام گزینه، معطوف وجود دارد؟ آن را مشخص کنید.

(الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد

(ب) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟

۷۶- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق  
آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد»

۷۷- با توجه به ابیات به پرسش‌ها پاسخ دهید.

(الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد

(ب) من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم

**الف** در کدام بیت جناس تام وجود دارد؟

**ب** نقش دستوری «آتش» را در دو مصراع بیت اول بنویسید.

**پ** مولوی در بیت اول برای چه کسی آرزوی نابودی دارد؟

**ت** منظور از بدحالان و خوش‌حالان چیست؟



ث

بیت دوم کدام ویژگی نی را بیان می‌کند؟

۷۸- با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

«آتش عشق است کاندَر نی فتاد جوشش عشق است کاندَر می فتاد»

الف

«اندر» چه نوع کلمه‌ای است؟

ب

نقش دستوری قسمت‌های مشخص شده چیست؟

پ

بیت چند جمله دارد؟

## آرایه‌های ادبی

۷۹- بیت‌های زیر را از نظر کاربرد آرایه جناس (همسان) تام بررسی کنید.

الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد  
ب) نی، حریف هر که از یاری بُرید پرده‌هایش پرده‌های ما درید

۸۰- قافیه در کدام گزینه، جناس ندارد؟

الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق  
ب) سِرِّ من از ناله من دور نیست  
پ) آتش است این بانگ نای و نیست باد  
تا بگویم شرح درد اشتیاق  
لیک چشم و گوش را آن نور نیست  
هرکه این آتش ندارد، نیست باد

## قرابت معنایی

۸۱- کدام یک از ابیات زیر، به سخن مشهور، «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ» اشاره دارد؟

الف) کز نیستان تا مرا ببریده‌اند در نفریم مرد و زن نالیده‌اند  
ب) هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

۸۲- کدام بیت‌ها نزدیکی و اشتراک معنایی دارند؟ توضیح دهید.

الف) زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست  
ب) در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز هر کسی برحسب فکر گمانی دارد  
ج) روزها گر رفت گو رو باک نیست تو بمان ای آن‌که چون تو پاک نیست

۸۳- مفهوم مشترک ابیات زیر چیست؟

الف) هرکسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من  
ب) در ره عشق نشد کس به یقین، محرم راز هرکسی بر حسب فکر، گمانی دارد



۸۴- کدام بیت به تأثیر دوگانه «نی» اشاره دارد؟

- الف) همچو نی زهری و تریاقی که دید  
ب) نی حریف هرکه از یاری برید  
پرده‌هایش پرده‌های ما درید

۸۵- کدام ابیات با «کُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ» تناسب دارند؟

- الف) مادر فرزند جویان وی است  
ب) دل تو را در کوی اهل دل کشد  
ج) دل قطره‌ای ز شب‌نم دریای عشق اوست  
اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است  
تن تو را در حبس آب و گل کشد  
کز راه دیده باز به دریا همی رود

۸۶- مفهوم «دشوار و پرخطر بودن راه عشق» از کدام‌یک از بیت‌ها دریافت می‌شود؟

- الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق  
ب) نی حدیث راه پرخون می‌کند  
پ) نی حریف هرکه از یاری برید  
تا بگویم شرح درد اشتیاق  
قصه عشق مجنون می‌کند  
پرده‌هایش پرده‌های ما درید

#### معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۸۷- در بیت زیر، منظور از «نیستان» چیست؟

- الف) «کز نیستان تا مرا ببریده‌اند»  
ب) «در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»

۸۸- معنی هریک از موارد زیر را به تشریح روان بنویسید.

لیک چشم و گوش را آن نور نیست

سَرِّ مَنْ مِنْ نَالَهُ مَنْ دَوْرَ نَيْسْتِ

مرغان جملگی شیدا شدند؛ بهانه‌ها یک سو نهادند.

پ (عشق جاودانی) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند.

۸۹- در مثنوی «نی‌نامه»، مقصود مولوی، از «نی» و «نیستان» چیست؟

- الف) من به هر جمعیتی نالان شدم  
ب) هر کسی از ظن خود شد یار من  
ج) آتش عشق است کاندر نی فتاد  
د) در نیاباد حال پخته هیچ خام  
جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم  
از درون من نجست اسرار من  
جوشش عشق است کاندر می فتاد  
پس سخن کوتاه باید والسلام

۹۰- مفهوم ابیات زیر را بنویسید.



۹۱ - مفهوم عبارت زیر چیست؟

«چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند مرا از خود یاد نیاید.»

۹۲ - هر یک از مفاهیم زیر، در کدام بیت دیده می‌شود؟

• اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق:

• مهم‌تر بودن عشق از همه چیز حتی عمر:

الف) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد	هر که بی روزی است روزش دیر شد
ب) نی حدیث راه پر خون می‌کند	قصه‌های عشق مجنون می‌کند
پ) روزها گر رفت، گو رو باک نیست	تو بمان ای آن که جز تو پاک نیست
ت) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست	مَر زبان را مشتری جز گوش نیست

۹۳ - منظور از مصراع اول بیت زیر چیست؟

نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند

۹۴ - معنی ابیات زیر را به نثر ساده بنویسید.

**الف**

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

**ب**

نی حریف هر که از یاری برید / پرده‌هایش پرده‌های ما درید

**پ**

مکر او معکوس و او سرزیر شد / روزگارش برد و روزش دیر شد

**ت**

بی‌گاه شد بی‌گاه خورشید اندر و چاه شد / خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد

**ث**

عشق بر فرش بنشانند گدا و شاه را

۹۵ - ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

**الف**

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق

**ب**

من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم

**پ**

سر من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست

**ت**

هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من





**ث** در غم ما روزها بی‌گناه شد / روزها با سوزها همراه شد

۹۶ - مفاهیم کلی هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید.

**الف** هرکه جز ماهی، ز آبش سیر شد / هرکه بی‌روزی است، روزش دیر شد

**ب** کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟

۹۷ - پیام بیت‌های زیر را بنویسید.

**الف** در نیابد حال پخته هیچ خام

پس سخن کوتاه باید و السلام

**ب** در غم ما روزها بیگانه شد

روزها با سوزها همراه شد

**پ** نی حدیث راه پرخون می‌کند

قصه‌های عشق مجنون می‌کند

**ت** آتش عشق است کاندر نی فتاد

جوشش عشق است کاندر می فتاد

**ث** سر من از ناله من دور نیست

لیک چشم و گوش را آن نور نیست

**ج** من به هر جمعیتی نالان شدم

جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم

**چ** بشنو از نی چون حکایت می‌کند

و ز جدایی‌ها شکایت می‌کند

۹۸ - در بیت «نی حریف هر که از یاری برید / پرده‌هایش پرده‌های ما درید» منظور از «حریف» چیست؟ مفهوم کلی بیت را بنویسید.



## درس ۷: در حقیقت عشق واژگان

۹۹ - معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) این نعمهٔ محبت، بعد از من و تو ماند.

ب) تو عاشق و محبّ مایی، و ما معشوق و حبيب توایم.

ج) عاشقی، بی‌خودی و بی‌راهی باشد.

۱۰۰ - معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

### الف

عشق به همه جایی ماوا نکند.

### ب

لابد هر چه به واسطهٔ آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان.

### پ

تو عاشق و محبّ مایی و ما معشوق و حبيب توایم.

۱۰۱ - در هر یک از موارد زیر کدام کلمات «معادل معنایی» یکدیگرند؟

### الف

بیم آن است کز غم عشقت

سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد.

سر برآرد دلم به شیدایی

### ب

درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم

ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است و لابد هر چه به واسطهٔ آن به خدا رسند، فرض باشد.

۱۰۲ - معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

### الف

سر برآرد دلم به شیدایی

### ب

لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست.

### دستور زبان

۱۰۳ - نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را در جملهٔ زیر، بنویسید.

«او بندهٔ خود را عاشق خود کند، آن‌گاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محبّ مایی.»



- ۱۰۴ - در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می‌شود.
- ۱) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.
  - ۲) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایهٔ نردبان نسازد.
  - ۳) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفهٔ شعر خود می‌گرداند.
  - ۴) آتش عشق او را چنان گرداند که همهٔ جهان، آتش بیند.

۱۰۵ - در جملهٔ زیر نقش کلمات مشخص شده چیست؟  
عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.

۱۰۶ - با استفاده از مصدر «پنداشتن» یک جمله با مفعول و مسند بسازید.

### آرایه‌های ادبی

۱۰۷ - آرایه‌های «تشبیه، تشخیص و کنایه» را در عبارات زیر بیابید.

- الف) عشق، هرکسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.
- ب) آنگاه که آتش عشق، او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند.
- ج) هر جا که عشق باشد، جز او، رخت، دیگری ننهد.

۱۰۸ - در عبارت زیر «کنایه‌ها» را مشخص کنید.

در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند. عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری ننهد. هر جا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداند.

۱۰۹ - در عبارت زیر وجود کدام واژه‌ها باعث پدید آمدن آرایهٔ «سجع» شده است؟  
«بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی جمال است و یکی کمال و هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند.»

### قرابت معنایی

۱۱۰ - شفیعی کدکنی، در کدام بیت شعر «صبح ستاره باران»، از شاعری پیشین تأثیر گرفته است؟ توضیح دهید.

۱۱۱ - مفهوم مشترک موارد زیر را بنویسید.

- در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست
- با جان بودن به عشق در سامان نیست
- من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم
- حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو

### معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۱۲ - با توجه به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. عشق خاص‌تر از محبت است و محبت خاص‌تر از معرفت است. به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایهٔ نردبان نسازد.»

**الف**

سهروردی شرط دستیابی به عالم عشق را چه می‌داند؟

**ب**

نهایت محبت چه نام دارد؟

۱۱۳ - شعر «صبح ستاره باران» را با متن درس «نی‌نامه»، از نظر لحن و آهنگ خوانش مقایسه کنید.

۱۱۴ - معنی و مفهوم قسمت‌های مشخص‌شده را بنویسید.

**الف**به سوزی ده کلامم را روایی/ کز آن گرمی کند آتش گدایی**ب**عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت دیگری نهد.**پ**این نخستین بار شاید بود/ کان کلید گنج مروارید او گم شد.

۱۱۵ - معنای ساده و روان ابیات زیر را بنویسید.

**الف**

گفتی: «به روزگار ان مهری نشسته» گفتم: «بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگار ان»

**ب**

پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند دیوار زندگی را زین گونه یادگاران

**پ**

ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران بیداری ستاره در چشم جویباران

**ت**

آیینۀ نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران

۱۱۶ - عبارت‌های زیر را معنی کنید.

**الف**

قندیل زیبای پروین سر زد.

**ب**

سودای عشق از زیرکی جهان، بهتر ارزد



**پ**

چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید؛ از تو چون یاد کنم؟!

۱۱۷ - مفهوم مشترک عبارت و بیت زیر را بنویسید.

الف) حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب.

بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است

ب) در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند.

من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم جان برای چون تویی اگر که لایقم بگو

تاریخ ادبیات

۱۱۸ - نام پدیدآورنده هریک از آثار زیر را بنویسید.

**الف**

هوا را از من بگیر خندهات را نه:

**ب**

سانتاماریا:

**پ**

فی حقیقة العشق:

**ت**

کویر:

شعر خوانی: صبح ستاره باران

۱۱۹ - کدام گزینه بیت زیر را کامل می‌کند؟

تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران

۱) پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند

۲) وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند

۱۲۰ - بیت زیر را کامل کنید.

ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران

۱۲۱ - بیت‌های زیر را کامل کنید.

**الف**

آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل

**ب**

باز آ که در هوایت خاموشی جنونم

.....

۱۲۲ - بیت زیر را کامل کنید.

آیینۀ نگاهت، پیوند صبح و ساحل

.....

## فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

**درس ۸: از پاریز تا پاریس واژگان**

۱۲۳ - با توجه به روابط معنایی بین کلمات (ترادف، تناسب، تضمّن) نوع ارتباط واژگان هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

الف) طیلسان - جامه      ب) اتراق - مسافر      پ) استبعاد - دوری

۱۲۴ - در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

۱) سیصد تومان پول مجموعاً تهیّه کرده بودم و این، مخارج غریب شش ماه من بود.

۲) گفتم حواله سیصد تومان برای تهران لازم دارم. او گفت پول را بده. خجالت دهاتی مانع شد بگویم شما که هستید؟

۳) از جانب او فاتحه‌ای برای این نویسنده بزرگ طلب کنم.

۴) از بیم عقب جزیره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.

۱۲۵ - غلط‌های املایی را مشخص کرده و اصلاح کنید.

کسی را فراق از چنین خلق دیدن      مسلّم بود کو قناعت بورزد

گر فراقت نکشد جان به وصالت بدهم      تو گرو بردی اگر جفت و اگر تاق آید

دیگری گر همه احسان کند از من بخل است      وز تو متبوع بود گر همه احراق (سوختن) آید

۱۲۶ - املای نادرست واژگان را بیابید و شکل درست آنها را بنویسید.

**الف**

آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس به این علم عددیین مصلحت‌اندیش آلود و من آن شب، پس از

گشت‌وگزار در گردشگاه آسمان فرود آمدم.

**ب**

آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نضاره آسمان رفته بودم.

**پ**

حتی درختش، غارش، کوهش، هر سخره سنگش و سنگ‌ریزه‌هایش، آیات وحی را بر لب دارد.

**ت**

تابستان وصال، درست به‌هنگام، امیدبخش و گرم و نوازشگر می‌آمد و ما را از قربت زندان شهر به میهن و دامن گسترمان، کویر

می‌برد.



**ث** نزدیک هشتاد سال پیش، مردی فیلسوف و فقیه که در حوضهٔ درس مرحوم حاجی ملاهادی اسرار مقامی بلند و شخصیتی نمایان داشت، به این ده آمد.

### دستور زبان

۱۲۷ - نوع «وابستهٔ وابسته» را در گروه‌های اسمی زیر تعیین کنید.

(الف) اسیر این جهان (ب) هفت فرسخ راه

۱۲۸ - با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند

**الف** نقش دستوری واژهٔ «بغداد» چیست؟

**ب** یک ترکیب اضافی در بیت بیابید و بنویسید.

**پ** یک پیوند وابسته‌ساز در بیت بیابید و بنویسید.

۱۲۹ - نقش دستوری کلمات مشخص‌شده را در مقابل آنها بنویسید.

**الف** دسته‌گلی تازه در کنار بنایی یادبود نهاده بودند.

**ب** نقاش و طراح، همان توصیفات ویکتور هوگو را نقاشی کرده‌اند.

**پ** آیین طریق از نفس پیر مغان یافت

آن خضر که فرخنده پیاش نام نهادند

**ت** خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند

۱۳۰ - در کدام گزینه «متمیز» وجود دارد؟ آن را مشخص کنید.

(۱) پنجاه متر ارتفاع (۲) بانک اعتبارات ایران (۳) قدرت قلم نویسنده (۴) گیرایی سخن او



## آرایه‌های ادبی

۱۳۱ - کنایهٔ بیت زیر را بررسی کنید.  
خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند

۱۳۲ - مجاز را در موارد زیر بیابید و معنای مجازی هر یک را بنویسید.

### الف

آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده‌پی‌اش نام نهادند

### ب

یک روز دنیایی به روم چشم داشت.

### پ

متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.

## درس ۹: کویر وازگان

۱۳۳ - در نوشتهٔ زیر، مفهوم کنایی قسمت‌های مشخص‌شده را، به‌ترتیب، بنویسید.  
«بعد از حکیم اسرار، همهٔ چشم‌ها به او بود که حوزهٔ حکمت را او گرم نگاه دارد.»

۱۳۴ - واژهٔ مناسب هر یک از عبارات را انتخاب کنید.

### الف

درختی خودرو و وحشی که در برخی نقاط کوهستانی ایران می‌روید، پستهٔ وحشی:  گز  بن

### ب

نام کوهی در منطقهٔ ونک از توابع شهرستان سمیرم استان اصفهان:  کمانه  کهر

### پ

محلی که در آن تدریس کنند؛ موضع درس گفتن:  غرفه  مدرس

### ت

منطقه‌ای که تابستان‌های بسیار گرم و زمستان‌های معتدل دارد:  گرمسیر  سمیرم

### ث

گروهی از مردم هم‌تژاد که فرهنگ و اقتصاد مشترک دارند:  ایل  جمعیت

## دستور زبان

۱۳۵ - در نوشتهٔ زیر، نوع وابستهٔ وابستهٔ مشخص‌شده را تعیین کنید.  
بر بالای آن، با خط بسیار روشن، دو سطر مطلب زیبا نوشته شده بود.





۱۳۶ - در نمونه‌های زیر، نوع وابسته و وابسته مشخص شده را بنویسید.  
الف) برنامه کدام سفر؟ (ب) دوست بسیار مهربان

۱۳۷ - از بین چهار بخش مشخص شده در متن زیر، نقش‌های تبعی «معطوف» و «بدل» را بیابید.  
تابستان وصال، نوازشگر می‌آمد و ما را از غربت زندان شهر به میهن آزاد و دامن‌گسترمان، کویر می‌برد ... در کویر گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم. آسمان، تفرجگاه مردم کویر است.

۱۳۸ - نقش دستوری کلمات مشخص شده در عبارت زیر را بنویسید.  
«دست‌فروشان و دوره‌گردان شهر، بساط شیرینی و حلوا در راه ایل می‌گسترده‌اند.»

۱۳۹ - «وابسته و وابسته» و نوع آن را در موارد زیر نشان دهید.

**الف** آخرین فیلسوف از سلسله حکمای بزرگ اسلام

**ب** برجسته‌ترین شاگرد حوزه ادیب بزرگ

**پ** زیر غرفه بلند آسمانش

**ت** ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند

**ث** قلب آن کویر بی‌فریاد

**ج** نگاه‌های لوکس مردم آسفالت‌نشین شهر

### آرایه‌های ادبی

۱۴۰ - مفهوم کنایات زیر را بنویسید.

الف) بر همان مهر و نشان است:

ب) مزه‌اش را زیر دندان دارم:

ج) قند در دلم آب می‌شد:

د) اسم و رسم داشتند:

ه) حلقه به درها کوفتم:

و) آب خوش از گلویش پائین نمی‌رود:

۱۴۱ - آرایه‌های عبارت: «چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید، از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کوه سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر برمی‌دارد.» چیست؟



## قرابت معنایی

۱۴۲ - مفهوم مشترک عبارات: «آب جیحون فرو نشست، ریگ آموی پرنیان شد، بوی جوی مولیان مدهوشم کرد ... پا به رکاب گذاشتم و ... به سوی بخارا بال و پرگشودم، بخارای من ایل من بود.» چیست؟

## معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۴۳ - با توجه به سروده «در کفها کاسه زیبایی / بر لبها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می‌بر با پای دگر» چرا شاعر دانایی را نکوهش می‌کند؟

۱۴۴ - عبارت «نالهای گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم، ناله‌های آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست» یادآور کدام موضوع مشهور است؟

۱۴۵ - نویسنده وضعیت خود را در عبارت زیر، چگونه توصیف می‌کند؟  
«شاهین تیزبالِ افق‌ها بودم. زنبوری طفیلی شدم و به گنجی پناه بردم.»

۱۴۶ - نویسنده در عبارت زیر، پدرش را چگونه توصیف می‌کند؟ (ذکر دو مورد کافی است).  
«پس از ماه‌ها انتظار یک روز سر و کلاهش پیدا شد. شناختنی نبود. شکنجه دیده بود. فقط از صدایش تشخیص دادیم که پدر است. همان پدری که ایلخانی قشقایی بر سفره رنگینش می‌نشست. همان پدری که گله‌های رنگارنگ و ریز و درشت داشت و فرش‌های گران‌بهای چادرش زبازد ایل و قبیله بود.»

۱۴۷ - مفهوم عبارت: «از زندگی و مردم کناره گرفت و این فلسفه انسان ماندن در روزگاری است که زندگی سخت آلوده است و انسان ماندن سخت دشوار.» چیست؟

۱۴۸ - معنی روان عبارت را بنویسید.

## الف

تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرد و فراخ‌تر بتوانند زیست.

۱۴۹ - منظور نویسنده از عبارت: «قبلاً رضاخان بود و بعداً هم رضاخان شد.» چیست؟

۱۵۰ - با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظاره آسمان رفته بودم. گرم تماشا در این دریای سبز معلق، آن شب نیز ماه با تلالو پرشکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سر زد و آن جاده روشن و خیال انگیزی که گویی، یک راست به ابدیت می‌پیوندد: «شاهراه علی»، «راه مکه!»

## الف

«دریای سبز معلق» و «گل‌های الماس» به ترتیب استعاره از چیست؟



**ب** منظور از عبارت مشخص شده چیست؟

۱۵۱ - با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها، پاسخ دهید.

«تاریخ بیهق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوای مزینان یاد می‌کند. در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی روستایی و شهری باز بود و استادان بزرگ حکمت و فقه و ادب، نه در «ادارات» که در غُرفه‌های مساجد یا مَدَرَس‌های مدارس می‌نشستند.»

**الف** دو ویژگی مردم مزینان را ذکر کنید.

**ب** نویسنده کدام تفاوت میان علم‌آموزی گذشته و امروز را بیان کرده است؟

۱۵۲ - عبارات و اشعار زیر را به تثر روان معنی کنید.

**الف** هم بر انگارهٔ عشق آبادش ساخته‌اند.

**ب** شاگرد بود که می‌گشت و می‌سنجید و بالآخره می‌یافت و سر می‌سپرد.

**پ** گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن، مرغان الماس‌پر، ستارگان زیبا و خاموش، تکتک از غیب سر می‌زنند.

**ت** مرّهٔ آن شیرینی‌های باد و باران‌خورده را هنوز زیر دندان دارم.

**ث** از شنیدن اسم شهر قند در دلم آب می‌شد.

**ج** شاهین تیزبال افق‌ها بودم. زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.

**چ** پا به رکاب گذاشتم و به سوی زندگی روان شدم و به سوی بخارا بال و پر گشودم.

۱۵۳ - مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

**الف** پس از عزیمت رضاشاه - که قبلاً رضاخان بود و بعداً هم رضاخان شد - همهٔ تبعیدی‌ها رها شدند و به ایل و عشیره بازگشتند.

**ب** آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و گرم تماشای این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس‌پر، خاموش، تکتک از غیب سر می‌زنند، بودم.



۱۵۴ - با توجه به جمله زیر:

«نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی!»

الف) چرا نویسنده با خواندن نامه برادر خود، داستان تاریخی امیر سامانی را به یاد می‌آورد؟  
ب) اشاره به شعر و چنگ رودکی، بیانگر کدام ویژگی شعر است؟

## فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

درس ۱: فصل شکوفایی واژگان

۱۵۵ - برای هر یک از مفاهیم و معانی آمده، یک واژه انتخاب کنید.

الف) حدّ فاصل میان دو چیز: □ دوزخ □ برزخ

ب) انتظار و توقع امری از چیزی یا کسی داشتن: □ چشم‌داشت □ داعیه

۱۵۶ - واژه مشخص شده را معنی کنید.

گشاده‌دستی را از بوستان و پالیز بیاموز.

۱۵۷ - در متن درس «فصل شکوفایی»، واژه‌ای بیابید که هم‌آوای آن در زبان فارسی وجود دارد؟

دستور زبان

۱۵۸ - انواع «و» (ربط، عطف) را در بیت آخر درس «فصل شکوفایی» مشخص کنید.

۱۵۹ - بیت زیر، چندجزئی است؟ اجزای اصلی آن را مشخص کنید.

«آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟!»

۱۶۰ - بخش حذف شده را در عبارتهای زیر مشخص کرده و نوع حذف را بنویسید.

**الف** سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می‌کند و ابرگوهر. خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتابزده را نوازشگری درمان‌بخش دردها.

۱۶۱ - نقش قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

**الف** دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

**ب** دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ



**پ** در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

**ت** من گل به دستت می‌دهم، من آب و دانه ... / می‌کارمت در چشم‌ها گل نقش امید / می‌بارمت بر دیده‌ها باران خورشید

۱۶۲ - با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو  
دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو

**الف** در ابیات بالا جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

**ب** در بیت دوم، نوع «و» مشخص شده، عطف است یا ربط؟

۱۶۳ - نهاد را در بیت: «آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟!» مشخص کنید.

#### آرایه‌های ادبی

۱۶۴ - در ابیات و عبارات زیر «تشبیه و استعاره» را مشخص کنید.

**الف** دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو

**ب** چون رود امیدوارم بی تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا جای قرار من و تو

**پ** این فصل، فصل من و دوست فصل شکوفایی ما / برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو

**ت** با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

**ث** پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند. تو می‌بایست همانند با درختان بارور، بخشنده‌گی و ایثار

را سراپا دستی باشی.



۱۶۵ - دربارهٔ ارتباط موضوعی هریک از سروده‌های زیر با متن درس «فصل شکوفایی» توضیح دهید.

(الف) ز خورشید و از آب و از باد و خاک نگردد تبه نام و گفتار پاک «فردوسی»

(ب) ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه! / من گل به دستت می‌دهم، من آب و دانه ... / می‌کارمت در چشم‌ها گل نقش امید / می‌بارمت بر دیده‌ها باران خورشید «سیاوش کسرایی»

۱۶۶ - مفهوم کدام عبارت در مقابل آن درست آمده است؟

(۱) از طبیعت آموختم که همانند درختان بارور - بی‌آنکه زبان به کمترین داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر کرامت باشم (بخشش بی‌منت)

(۲) با هر تابستان از میوه‌های شیرین و سایهٔ دلپذیر خستگان راه را میزبانی کریم باش. (مهمان‌نوازی و تحمل)

(۳) پاداش هر زخمهٔ سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند (توصیه به پاداش دادن به دیگران)

۱۶۷ - هر یک از مفاهیم زیر به کدام بیت یا عبارت مربوط است؟

«نیکنامی - درویش‌نوازی - بخشندگی و ایثار - بخشش بی‌منت»

(الف) از طبیعت آموختم که همانند درختان بارور - بی‌آنکه زبان به کمترین داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر کرامت باشم.

(ب) سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می‌کند و ابر، گوهر.

(ج) به هر تابستان از میوه‌های شیرین و سایهٔ دلپذیر خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب‌زده را نوازشگری درمان‌بخش دردها.

(د) با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

۱۶۸ - کدام بیت با عبارت: «با هر تابستان از میوه‌های شیرین و سایهٔ دلپذیر، خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب‌زده

را نوازشگری درمان‌بخش دردها.» قرابت مفهومی دارد؟

الف - آن مرد که باشد گه بخشایش و بخشش سوی همگان سود و سوی خویش زیان اوست

ب - ای صاحب کرامت شکرانهٔ سلامت روزی تفقّدی کن درویش بی‌نوا را

ج - خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است

۱۶۹ - با توجه به عبارت: «نه همین مهربانی را به مهر که پاداش هر زخمهٔ سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند.»

۱ - مفهوم «پاداش هر زخمهٔ سنگی را میوه ایثار کردن» چیست؟

۲ - «زخمهٔ سنگی» و «میوه» نماد و نشانه چه چیزهایی هستند؟

۳ - یک مورد وابستهٔ وابسته مشخص کنید و نوع آن را بنویسید؟

۴ - مفهوم کلی عبارت چیست؟

۱۷۰ - در عبارت زیر، مقصود از «پای فرسودگان آفتاب‌زده» چیست و هدف کلی نویسنده از این عبارت چیست؟

«خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب‌زده را نوازشگری درمان‌بخش دردها.»



۱۷۱ - در بیت زیر، منظور از «غربت باغ» و «یک چمن داغ» چیست؟  
«دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت آیینهدار من و توست»

۱۷۲ - مفهوم مشترک سروده‌های زیر چیست؟

- ز خورشید و از آب و از باد و خاک
- با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم
- نگردد تبه نام و گفتار پاک
- در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

#### معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۷۳ - در بیت زیر:

چون رود امیدوارم، بی‌تابم و بی‌قرارم  
الف) «دریا» چه مفهومی را می‌رساند؟  
من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو  
ب) مقصود نهایی مصراع دوم چیست؟

۱۷۴ - مفهوم عبارت‌های مشخص‌شده را در ابیات زیر بنویسید.

۱- با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

۲- این فصل، فصل من و توست فصل شکوفایی ما برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو

۱۷۵ - چرا شاعر در بیت زیر، مخاطب را به «باران» دعوت می‌کند و باران نماد چیست؟

«غرق غباریم و غربت با من بیا سمت باران صد جویبار است اینجا در انتظار من و تو»

۱۷۶ - عبارت‌های زیر را به ثر روان معنی کنید.

**الف** من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی‌آنکه زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر، کرامت باشم و سراپا گشاده‌دستی.

**ب** با هر تابستان از میوه‌های شیرین و سایه دل‌پذیر، خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب‌زده را نوازشگری درمان‌بخش دردها.

۱۷۷ - با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو  
غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو

**الف** منظور شاعر از «دیروز» و «امروز» چیست؟

**ب** «غرق غباریم» چه مفهومی را می‌رساند؟



**پ** «باران» اشاره به چه چیزی دارد؟

۱۷۸ - هر یک از عبارتهای زیر به چه چیزی توصیه می‌کند؟

**الف** تیرانا! من از طبیعت آموختم که سراسر، کرامت باشم، بی‌هیچ‌گونه چشم‌داشتی به سپاسگزاری یا آفرین.

**ب** نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو، میوه‌ای چند شیرین ایثار کند.

**پ** همینم از آفریدگار سپاسگزاری بس که بدین سعادت‌م رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده‌مردم را از خویشتن بتی نسازم.

۱۷۹ - معنی و مفهوم بیت زیر را بنویسید.

این فصل، فصل من و توست فصل شکوفایی ما  
برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو

۱۸۰ - مقصود نهایی شاعر، از بیت زیر چیست؟

آنجا در آن برزخ سرد در کوچه‌های غم و درد  
غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو

### درس ۱۱: آن شب عزیز واژگان

۱۸۱ - با توجه به دو بیت زیر، به سوالات پاسخ دهید.

«کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت»	با زخم نشان سرفرازی نگرفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت»
---	--

**الف** شاعر چه رابطه‌ای میان «زخم» و «نشان» برقرار کرده است؟

**ب** مفهوم کنایی «حیثیت مرگ را به بازی نگرفت» را بنویسید.

**پ** در مصراع دوم بیت دوم، یک استعاره پیدا کنید.

۱۸۲ - روابط معنایی (تضاد، تناسب، تضمّن) را در هر یک از موارد زیر بررسی کنید.

الف) تل و گودال      ب) مسلسل و دوشکا      پ) رگبار و تیربار

۱۸۳ - واژه‌های مشخص‌شده را معنی کنید.

**الف** از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله، غریب نیست.





**ب** حزین‌ترین و عاشقانه‌ترین لحنی بود که شنیده بودم.

**پ** انهدام تیربار، کار من بوده است.

۱۸۴ - معادل معنایی واژه‌های داخل کمانک را در عبارتهای زیر پیدا کنید. (یک کلمه اضافه است).  
 «سربند - جای خلوت - عجیب - التماس - خسته - پناهگاه»  
 الف) از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.  
 ب) بچه‌ها هم انگار از دست آن ذله شده بودند.  
 پ) بر بالای تل خاکی ایستاده بودید، چفیه بر گردن و کلت در کمر.  
 ت) فاصله بچه‌های بی‌حفاظ، لحظه به لحظه با خاکریز کمتر می‌شد.  
 ث) جای دنجی بود برای خلوت کردن با خدا.

۱۸۵ - هر یک از موارد زیر را بررسی کنید و در صورت داشتن نادرستی املائی، شکل صحیح واژه را در مقابل آن بنویسید.

**الف** آن قدر نشستیم تا نخاسته به خواب رفتم. سر و صداها و هیاهو مرا از خواب پراند. (.....)

**ب** صدای مهیب توپخانه، صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود حزم کرد. (.....)

**پ** بچه‌ها هم که انگار از دست آن ذله شده بودند، تکبیر گفتند. (.....)

**ت** ماه آمده به دیدن خورشید صبح زود خورشید رفته است، سر شب، سراق ماه (.....)

**ث** (ث) یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ای روزه مجسم گودال قتلگاه (.....)

۱۸۶ - در گروه کلمات زیر نادرستیهای املائی را بیابید و تصحیح کنید.

«مُصر بودن - سراغ گرفتن - ثلث سوم - حمایل کردن - کز کردن - جذب دیدار - خبر قابل ارض - عجیب و قریب - طفره رفتن - متقاعد کردن - دریغ داشتن - شبه و سایه - زمزمه لطیف - جته آدم - حزین و عاشقانه - مززه کردن»

### دستور زبان

۱۸۷ - زمان فعل‌های به‌کار رفته در عبارات زیر را بنویسید.

الف) چند نفری زمان حمله را از شما پرسیدند. خسته بودند. شب قبل خوابیده بودند. باران بی‌امان باریده بود و سنگرها را آب برداشته بود.

ب) شما دوباره یا مهدی گفتید اما این بار جگرخراش‌تر، نتوانستید ایستاده بمانید، به خود پیچیدید و تا من بگیرمتان، به زمین افتاده بودید.



۱۸۸ - در کدام بیت، جمله «غیر ساده» دیده نمی‌شود؟ جمله‌ها را بررسی کنید.  
 الف) یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ای روضه مجسم گودال قتلگاه  
 ب) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق رگ گردنت گواه  
 ج) دارد اسارت تو به زینب اشارتی از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه

۱۸۹ - «وابسته‌های وابسته» را در ترکیب‌های زیر مشخص کنید.

«دیباچه‌ی خاطرات شیرین - دو تا تکبیر - شامه قوی شما - انهدام آن تیربار - صدای مهیب آن - صدای کودکانه کلاش - یک کربلا شکوه - گرد قاب عکستان - آن شب عزیز»

۱۹۰ - «وابسته‌های وابسته» را در عبارتهای زیر نشان دهید و نوع هریک را بنویسید.

الف) از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.  
 ب) بر بالای تل خاکی ایستاده‌اید و برای بچه‌ها صحبت می‌کنید.  
 ج) از رد صدای شما باید پیدایتان می‌کردم و راه تنگ و باریک بود و پیشی گرفتن از بچه‌ها سخت مشکل.

۱۹۱ - در متن زیر، ضمائر متصل (پیوسته) را مشخص کنید و نقش دستوری آنها را بنویسید.

«افتخارم این است که خودم با پای لنگ، شما را به خط رساندم و بیهوش شدم و حالا دل خوشی‌ام به این است که هر روز صبح با این یک پا و دو عماما به اینجا بیایم، گرد قاب عکستان را پاک کنم و سنگتان را بشویم، گلدانتان را آب بدهم و خاطراتم را با شما مرور کنم.»

۱۹۲ - در هریک از عبارتهای زیر، «حذف» را پیدا کرده و نوع آن را بنویسید.

الف) دعای کمیل می‌خواندید از حفظ هم؛ پیدا بود که از حفظ می‌خوانید.

ب) تیر انگار خورده بود به جناق سینه‌تان به زیر قلبتان و بچه‌ها دورتان جمع شدند.

پ) شما دوباره «یا مهدی» گفتید. این بار جگر خراش‌تر. نتوانستید ایستاده بمانید.

۱۹۳ - در عبارت «عشقم به این بود که حرفتان را بشنوم. الان هم دوستتان دارم؛ بیشتر از همیشه.»:

الف) جمله پیرو یا وابسته را مشخص کنید.

ب) نقش ضمیر متصل (پیوسته) را در جمله سوم بنویسید.

۱۹۴ - برای کاربرد هریک از ضمائر زیر، جمله‌ای مناسب از متن درس «آن شب عزیز» بیابید؛ سپس مرجع ضمیرها را مشخص کنید.

ضمیر پیوسته (متصل):

ضمیر گسسته (جدا):



۱۹۵ - آرایه «حس آمیزی» را در عبارتهای زیر مشخص کنید.

**الف**

«اگر شما را پیدا نمی‌کردم، ناکام می‌ماندم. از رد صدای شما می‌بایست پیدایتان می‌کرد.»

**ب**

از شامۀ قوی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.

**پ**

بها نه می‌آوردید و طفره می‌رفتید ولی اصرارهای من بوی التماس می‌داد شما را متقاعد کرد.

۱۹۶ - در هر یک از موارد زیر، قسمت مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟ مفهوم آن را بنویسید.

**الف**

معلوم است که دیدید ولی اینکه همان دم شناخته باشیم، مطمئن نیستم.

**ب**

زمزمۀ لطیف و سبک و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد.

**پ**

خورشید، بی‌حفاظ نشسته به روی خاک؟

یا ماه، بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟

**ت**

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

۱۹۷ - با توجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«زمزمۀ لطیف و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد. کجا می‌توانست مخفیگاه من باشد، در زمانی که ماه داشت سربلند از پشت ابرهای تیره بیرون می‌آمد؟»

**الف**

کدام واژه دارای آرایه «تشخیص» است؟

**ب**

در کدام قسمت، آرایه «حس آمیزی» دیده می‌شود؟



۱۹۸ - آرایه های ادبی به کار رفته در ستون «ب»، به کدام یک از بیت های ستون «الف» مربوط می شود؟ (در ستون «ب» یک مورد اضافی است.)

ستون «ب»	ستون «الف»
۱) ایهام	الف) با این نسیم سحرخیز، بر خیز اگر جان سپردیم / در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو
۲) استعاره	ب) کاوس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند
۳) حس آمیزی	ج) نه در شیراز و نه در شهر گنجه / نظامی می شوم در قصر شیرین
۴) جناس تام	

### قرابت معنایی

۱۹۹ - سروده زیر با کدام عبارت مناسبت دارد؟

هر سال چو نوبهار خرم  
تا باز کند به روی عالم  
از لاله دهد به سبزه زیور  
ای دوست، مرا به خاطر آور!

۱) خودتان می دانید که من بیش از همه مُصِر بودم در شنیدن حرف های شما. همیشه این طور بوده.

۲) آن قدر جذب دیدار شما شده بودم که فراموش کردم برای رساندن پیغام به گردان شما آمده ام.

۳) قبل از اینکه بگویم: «آقای موسوی، من ...». شما آغوش گشودید و گفتید: «به به! سلام علیکم احمد جان موحدی!» تعجب کردم از اینکه اسم و فامیلم را هنوز از یاد نبرده اید.

۴) حالا دل خوشی ام به این است که هر روز صبح، گرد قاب عکستان را پاک کنم و خاطراتم را با شما مرور بکنم.

۲۰۰ - سروده های زیر را از نظر محتوا بررسی کنید و درباره ارتباط هریک از آنها با متن درس «آن شب عزیز» به اختصار توضیح دهید.

### الف

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت  
زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت

با زخم نشان سرفرازی نگرفت  
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

سید حسن حسینی

### ب

برای وصف میدان های پر مین  
نه در شیراز و نه در شهر گنجه

برای وصف خال و زلف چین چین  
«نظامی» می شوم در «قصر شیرین»

علی سهامی



## معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۲۰۱ - در شعر زیر، شاعر دلیل بیدار شدن هر ساله نوبهار را چه می‌داند؟  
هر سال چو نوبهار خرم  
بیدار شود ز خواب نوشین  
تا باز کند به روی عالم  
دیبچه خاطرات شیرین  
از لاله دهد به سبزه زیور  
ای دوست مرا به خاطر آور

۲۰۲ - برای خوانش مناسب شعر «شکوه چشمان تو»، بهتر است ترکیبی از کدام انواع لحن را به کار گیریم؟

۲۰۳ - عبارات زیر را به تتر روان معنی کنید.

**الف** آفتاب، چشم‌هایتان را می‌زد.

**ب** دلم را گرم کرد، از جا کنده شدم و به سمت شما دویدم.

**پ** خبر قابل عرض نداشتم

**ت** گودالی که از کنجکاوای گلوله توپ در خاک فراهم آمده بود.

۲۰۴ - فضا سازی، در کدام قسمت از متن درس «آن شب عزیز»، نقش مؤثری در پیشبرد داستان داشته است؟

## تاریخ ادبیات

۲۰۵ - نویسنده کتاب «ساتاماریا» کیست؟

۲۰۶ - نام صاحب هریک از آثار داده شده را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

**الف** غزلواره‌ها (شکسپیر / پابلو نرودا)

**ب** ساتاماریا (مهرداد اوستا / سید مهدی شجاعی)

## شعر خوانی: شکوه چشمان تو

۲۰۷ - مصراع اول بیت زیر را بنویسید.

در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه .....

۲۰۸ - ابیات زیر را به شکلی درست کامل کنید.



**الف**

بود لبریز از عشقت وجودم؛ مِهِن ای مِهِن

.....

**ب**

دارد اسارت تو به زینب اشارتی

.....

۲۰۹ - مصراع دوم بیت زیر را بنویسید.

ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد

.....

۲۱۰ - سروده زیر را کامل کنید.

**الف**

آه این سر بریده ماه است در پگاه؟

.....

**ب**

خورشید، بی‌حفاظ، نشست به روی خاک؟

.....

**پ**

ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود

.....

**ت**

ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد

.....

**ث**

از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟

.....

**ج**

ای مُسَلِمِ شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟

.....

**چ**

ای روضه مجسم گودال قتلگاه

.....

۲۱۱ - مصراع‌های ناقص را کامل کنید.



الف

لبریز زندگی است نفس‌های آخرت

.....

ب

یا ماه بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟

.....

پ

یوسف، بگو که هیچ نیاید برون ز چاه

.....

۲۱۲- واژه‌های زیر را در یک بیت مرتب کنید.

کشیده - به - زینب - راه - اسارت - کیست - دارد - از - اشتیاق - تو - که - چشم - اشارتی

## فصل ششم: ادبیات حماسی

### درس ۱۲: گذر سیاوش از آتش واژگان

۲۱۳- روابط معنایی بین جفت واژه‌های زیر را مشخص کنید.

«مرد و پدر - ماه و خورشید - گل و بلبل - باد و مباد - وصال و فراق - اقرار و انکار - کرم و بخشش - هزاره و غریو - عظمت و شکوه - سیر و پیاز.»

۲۱۴- بنویسید با کدام یک از روش‌های «قراردادن واژه در جمله» و «توجه به روابط معنایی واژگان» می‌توان به معنای واژه «اندیشه» در بیت‌های زیر پی برد؟

الف) چو شب تیره گردد، شبیخون کنیم	ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم (فردوسی)
ب) غلام عشق شو، کاندیشه این است	همه صاحب‌دلان را پیشه این است (نظامی)
پ) چو بشنید خسرو از آن شاد گشت	روانش ز اندیشه آزاد گشت (فردوسی)

۲۱۵- املاي درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) پیرمرد از داخل (کاذبیه - کازییه) روی میز یک پاکت کهنه برداشت.

ب) غرق غباریم و (غربت - قربت) با من بیا سمت باران

ج) از این تنگ (خوار - خار) است اگر بگذرم

۲۱۶- در متن زیر غلط‌های املایی را بیابید و اصلاح کنید.

«یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تتاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه قربت گرفتند.»



۲۱۷- در بیت زیر، نقش دستوری ضمیر پیوسته «ش» را بنویسید.  
«چو بشیند خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت»

۲۱۸- با توجه به جمله زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.  
«سیاوش، فرزند کاووس، شاه کیانی است که رستم به او رسم پهلوانی می‌آموزد.»

**الف** کدام گروه اسمی، نقش دستوری «مفعول» دارد؟

**ب** یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی بیابید و بنویسید.

**پ** گروه اسمی «شاه کیانی» مسند است یا بدل؟

۲۱۹- در بیت‌های زیر «ترکیب‌های وصفی و اضافی» را مشخص کنید.  
«به نیروی یزدان نیکی دهش کزین کوه آتش نیام تپش»  
«سراسر همه دشت بریان شدند بر آن چهر خندانش گریان شدند»

۲۲۰- نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.  
الف) به نیروی یزدان نیکی‌دهش  
ب) بنده حلقه به گوش ار ننوازی برود  
کزین کوه آتش نیام تپش  
لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش

۲۲۱- نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.  
الف) ور ایدون که زین کار هستم گناه  
ب) چنان آمد اسپ و قبای سوار  
ج) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی  
جهان آفرینم ندارد نگاه  
که گفتم سمن داشت اندر کنار  
بباید زدن سنگ را بر سبوی

۲۲۲- با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.  
کزین دو یکی گر شود نابه‌کار از آن پس که خواند مرا شهریار؟  
همان به کزین زشت‌کردار، دل بشویم کنم چاره دل گسل

**الف** «شهریار» چه نقشی دارد؟

**ب** در بیت دوم کدام واژه حذف شده است؟ نوع حذف را بنویسید.





۲۲۳ - اجزای اصلی جمله‌ها را در بیت زیر، نشان دهید.

رخ شاه کاووس پر شرم دید سخن گفتنش با پسر نرم دید

### آرایه‌های ادبی

۲۲۴ - آرایهٔ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

#### الف

هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است (حس‌آمیزی / پارادوکس)

#### ب

محرم این هوش جز بی‌هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست (اسلوب معادله / تلمیح)

#### پ

تو قلب فسردهٔ زمینی از درد ورم نموده یک چند (جناس / حسن تعلیل)

#### ت

سیاوش سیه را به‌تندی بتاخت نشد تنگدل، جنگ آتش بساخت (مجاز / تشخیص)

۲۲۵ - در هر یک از موارد زیر کنایه و مفهوم آن را مشخص کنید.

#### الف

بیامد دوصد مرد آتش‌فروز دمیدند گفتی شب آمد به روز

#### ب

یکی دشت با دیدگان پر ز خون که تا او کی آید ز آتش برون

۲۲۶ - آرایهٔ ادبی مقابل هر بیت را در آن مشخص کنید.

#### الف

چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند (استعاره)

#### ب

اگر کوه آتش بود بسپریم ازین تنگ، خوار است اگر بگذرم (تشبیه)



پ

به دستور فرمود تا ساروان

هیون آرد از دشت، صد کاروان (جناس ناهمسان)

۲۲۷ - مفهوم «کنایه‌ها» را در ابیات زیر بنویسید.

الف

سرانجام گفت ایمن از هر دوان

نه گردد، مرا دل، نه روشن روان

ب

همان به کزین زشت کردار، دل

بشویم کنم چاره دل گسل

پ

سراسر همه دشت بریان شدند

بر آن چهر خندانش گریان شدند

۲۲۸ - در هر یک از بیت‌های ردیف اول کدام‌یک از آرایه‌های ردیف دوم به کار رفته است؟

ردیف دوم	ردیف اول
حسن‌تعلیل	۱) پیامد دو صد مرد آتش فروز / دمیدند گفتی شب آمد به روز
تلمیح	۲) آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است
اغراق	۳) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل بند

قرابت معنایی

۲۲۹ - عبارت زیر با کدام ابیات نزدیکی معنایی دارد؟

«گرد آمدن خلق موجب پادشاهی است.»

الف- رعیت چو ببخند و سلطان درخت

ب- شاه را از رعیت است اسباب

ج- از رعیت شهی که سایه ربود

د- درخت ای پسر باشد از بیخ سخت

ه- کام دریا ز جوی یابد آب

و- بن دیوار کند و بام اندود

۲۳۰ - بیت « اگر کوه آتش بود بسپرم / از این تنگ خوار است اگر بگذرم » با کدام بیت‌های زیر ارتباط معنایی دارد؟

الف- گریز از کفش در دهان نهنگ

ب- چو دی رفت و فردا نیامد به دست

ج- تو پاک آمدی بر حذر باش پاک

د- که مردن به از زندگانی به ننگ

ه- حساب از همین یک نفس کن که هست

و- که ننگ است ناپاک رفتن به خاک

مَث آب خوردن ۲۰ غیر



۲۳۱ - با توجه به بیت‌های زیر، دلیل نگرانی کاووس درباره زن و فرزندش چیست؟  
 «پر اندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه نیک‌پی  
 کزین دو یکی گر شود نابکار / از آن پس که خواند مرا شهریار؟»

۲۳۲ - در کدام‌یک از ابیات زیر، زمینه قهرمانی حماسه، بارز است؟  
 (۱) سیاوش سیه را به تندی بتاخت  
 نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت  
 (۲) پراکنده کافور بر خویشتن  
 چنان چون بود رسم و ساز کفن  
 (۳) بدان گاه سوگند پرمايه شاه  
 چنین بود آیین و این بود راه  
 (۴) سراسر همه دشت بریان شدند  
 بر آن چهر خندانش گریان شدند

۲۳۳ - بیت زیر بر چه مفهومی تأکید دارد؟  
 «چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود»

۲۳۴ - معنی و مفهوم بیت زیر را به تثر روان بنویسید.  
 چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو

۲۳۵ - برای هر یک از زمینه‌های حماسه، بیت متناسب از متن درس «گذر سیاوش از آتش» بیابید.  
 قهرمانی:  
 خرق عادت:  
 ملی:

۲۳۶ - بیت «چنان آمد اسپ و قباي سوار / که گفتي سمن داشت اندر کنار» در توصیف کدام شخصیت است؟

۲۳۷ - مفهوم کدام گزینه‌ها نادرست بیان شده است؟ اصلاح کنید؟  
 الف- کزین کوه آتش نیابم تپش: ترس و نگرانی از کوه آتش ندارم.  
 ب- چو او را بدیدند برخاست غو/ که آمد از آتش برون شاه نو: شاه شدن (ولیعهدی) سیاوش ثابت شد.  
 ج- فرود آمد از باره بردش نماز: از قلعه پایین آمد و نماز خواند.  
 د- ببايد زدن سنگ را بر سبوی: آزمایش کردن و امتحان کردن.

۲۳۸ - از عبارت «خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند» چه مفهومی دریافت نمی‌شود؟  
 الف- مرگ مردم      ب- ظلم ظالم      ج- حيله‌گری      د- مهاجرت مردم

۲۳۹ - اشعار و عبارات زیر را به فارسی روان بنویسید.



## الف

نهادند بر دشت، هیزم دو کوه  
جهانی نظاره شده هم‌گروه

## ب

ور ایدون که زین کار هستم گناه  
جهان آفرینم ندارد نگاه

## پ

دست تناول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده.

## ت

پادشاهی که طرح ظلم افکند  
پای دیوار مُلکِ خویش بکند

۲۴۰ - مفهوم کلی هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

## الف

به نیروی یزدان نیکی‌دهش  
کزین کوه آتش نیابم تپش

## ب

سیاوش سیه را به تندی بتاخت  
نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت

## پ

ز هر سو زبانه همی برکشید  
کسی خُود و اسپ سیاوش ندید

## ت

یکی دشت با دیدگان پر ز خون  
که تا او کی آید ز آتش برون

۲۴۱ - در بیت زیر منظور از «آیین» چیست؟

بدان‌گاه سوگند پُرمایه شاه  
چنین بود آیین و این بود راه

۲۴۲ - بیت زیر، بیانگر کدام «زمینه حماسه» است؟

چنین است سوگند چرخ بلند  
که بر بی‌گناهان نیاید گزند»

درس ۱۳: خوان هشتم واژگان

۲۴۳ - در گروه کلمه‌های زیر، دو مورد نادرستی املایی وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید.

آذرم و حیا - خار و بی‌ارزش - سورت سرمای دی - زهر شمشیر و سنان



۲۴۴- در گروه کلمه‌های زیر، غلط‌املایی را بیابید؛ درست هر کدام را بنویسید.  
گرامت و تاوان - اطراق و در جایی ماندن - چریغ آفتاب - چاه قدر ناجوانمردان - آذر م و حیا - گزند و آسیب - عساره تاک

۲۴۵- غلط‌های املایی متن زیر را اصلاح کنید.  
«اندکی استاد و خامش ماند / پس هماوای خروش خشم، / با صدایی مرتعش، لحنی رجزمانند و دردآلود، / خواند: / آه، / دیگر اکنون آن،  
عماد تکیه و امید ایرانشهر، شیرمرد عرصه ناوردهای حول، / پور ذال زر جهان پهلو، / آن خداوند و سوار رخس بی‌مانند، / آنکه هرگز - چون  
کلید گنج مروارید - گم نمی‌شد از لبش لبخند، / خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان، / خواه روز جنگ و خرده بحر کین سوگند»

۲۴۶- در هر یک از موارد زیر نادرستی املایی را یافته و تصحیح کنید.

(الف) قَصَه است این، قَصَه، آری غَصَه درد است / شعر نیست

(ب) این ایار مهر و کین مرد و نامرد است

(پ) شیرمرد عرصه ناوردهای حول / پور زال زر، جهان پهلو

(ت) چاه قدر ناجوانمردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان

۲۴۷- در گروه کلمات زیر نادرستی‌های املایی را بیابید و تصحیح کنید.

«صورت و تندی - چوب‌دستی متشامانند - هریوه خوب و پاک‌آیین - صدای مرتعش - لحن رجزمانند - گرد سچستانی - شمشیر و سنان - حيله و  
تذویر - تاق و بی‌همتا - ضجه و زاری - کمند شصت‌خم»

#### دستور زبان

۲۴۸- در سروده «رخس بی‌مانند، با هزارش یادبود خوب خوابیده است»،

در گروه اسمی «هزارش یادبود خوب»، هسته گروه اسمی را تعیین کنید.

**الف**

در گروه «رخس بی‌مانند»، نوع وابسته پسین را بنویسید.

**ب**

۲۴۹- در سروده «تهمتن، گرد سچستانی / کوه کوهان، مرد مردستان / رستم دستان / در تگ تاریک ژرف چاه پهناور / کشته هر سو بر کف  
و دیواره‌هایش نیزه و خنجر... / در بن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود»:

نوع نخستین نقش تبعی را بنویسید.

**الف**

«و» در جمله پایانی، حرف عطف است یا ربط؟

**ب**

نشانه «ان» در واژه مشخص شده، مفهوم «شبهات» دارد یا «جمع»؟

**پ**



۲۵۰- در متن زیر، گروه‌های اسمی و وابسته‌های پیشین و پسین را مشخص کنید.

- هفت‌خوان را زادسرو مرو،

یا به قولی «ماخ‌سالار» آن گرامی مرد،

آن هریوه خوب و پاک‌آیین - روایت کرد؛

خوان هشتم را

من روایت می‌کنم اکنون...

۲۵۱- نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

«آن‌که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی‌شد از لبش لبخند»

«نباستی بگوید هیچ / بس که بی‌شرمانه و پست است این تزویر»

۲۵۲- نقش دستوری واژگان مشخص‌شده را بنویسید.

«گان کمند شصت خم خویش بگشاید / بیندازد به بالا، بر درختی، گیره‌ای، سنگی / و فراز آید»

۲۵۳- نوع وابسته‌های پیشین و پسین را در گروه‌های اسمی مشخص‌شده بنویسید.

«کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر»

**الف** هر سو

**ب** دیواره‌هایش

۲۵۴- نوع (ک) را در عبارتهای زیر بنویسید.

الف) صحنه میدانک خود را تند و گاه آرام می‌پیمود.

ب) گفت در دل: رخس! طفلک رخس!

آرایه‌های ادبی

۲۵۵- در سروده «مرد نقال - آن صدایش گرم / نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم - راه

میرفت و سخن می‌گفت»،

**الف** در ترکیب «صدایش گرم»، کدام آرایه ادبی وجود دارد؟

**ب** واژه‌های «نای» و «دم» کدام آرایه ادبی را ایجاد کرده است؟



۲۵۶- در ترکیب‌های اضافی زیر «تشبیه‌ها» را مشخص کنید.

«کلید گنج مروارید - حدیث آشنا - چاهسار گوش - چاه غدر - چاه پستان - گلیم تیره‌بختی - قصه درد - آتشین پیغام - کتاب عشق - مدف عنایت - بنات نبات - پرده زمردین - مهد زمین»

۲۵۷- با توجه به منظومه زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«آن خداوند و سوار رخس بی‌مانند / آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی‌شد از لبش لبخند ... طعمه دام و دهان خوان هشتم بود.»

**الف**

«خداوند» به چه معنی است؟

**ب**

کلید گنج مروارید چه مفهومی دارد؟

**پ**

مروارید «استعاره» از چیست؟

۲۵۸- در هر بند فقط «تشبیه‌های» به‌کار رفته را بیابید.

**الف**

آری اکنون تهمتن با رخس غیرت‌مند / در بن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود.

**ب**

همگنان خاموش، / گرد بر گردش، به کردار مدف بر گرد مروارید، / پای تا سر گوش

**پ**

آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم / راه می‌رفت و سخن می‌گفت.

**ت**

شعر نیست، / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست.

**ث**

مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود

۲۵۹- مفهوم «کنایه‌های» به‌کار رفته در هریک از بندهای زیر را بنویسید.

**الف**

همگنان خاموش، / گرد بر گردش، به کردار مدف بر گرد مروارید، / پای تا سر گوش

**ب**

رخس خود را دید / بس که خورش رفته بود از تن، گویی از تن حس و هوشش رفته بود و داشت می‌خواست.

**پ**

گفت در دل: «رخس! طفلک رخس! / آه!» / این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.



می‌توانست او اگر می‌خواست / که شغاد نابرا در را بدوزد - همچنان که دوخت / با کمان و تیر / بر درختی که به زیرش ایستاده بود.

ت

همگان را خون گرمی بود / قهوه‌خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام

ث

۲۶۰ - در هریک از سروده‌های ستون اول، کدام‌یک از آرایه‌های ستون دوم دیده می‌شود؟ (یک بیت در ستون اول اضافی است.)

ستون دوم	ستون اول
ایهام	۱ محرم این هوش جز بیهوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست
اسلوب معادله	۲ بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد آن نابرا در بود / که درون چه نگه می‌کرد
حسن تعلیل	۳ رخ شاه کاووس پر شرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید
حسن آمیزی	۴ جامعه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن
	۵ تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلیند

۲۶۱ - آرایه مناسب هر بیت را از ستون «ب» انتخاب نمایید. (در ستون «ب» یک مورد اضافی است)

ستون ب	ستون الف
۱) اسلوب معادله	الف) دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی / مرداد مه و گاه دی اش نام نهادند
۲) تلمیح	ب) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
۳) جناس همسان	ج) بیامد دو صد مرد آتش فروز / دمیدند گفتی شب آمد به روز
۴) اغراق	د) خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها / روکش تابوت تختی‌هاست
۵) حسن تعلیل	

۲۶۲ - آرایه‌های «تشبیه و استعاره و کنایه» در کدام سطرها مشهود است؟

الف) مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود.

ب) صدای شوم و نامردانه‌اش در چاهسار گوش می‌پیچید

ج) آن که هرگز چون کلید گنج مروارید گم نمی‌شد از لبش لبخند

قرابت معنایی

۲۶۳ - درباره‌ی مناسبیت موضوعی متن درس «خوان هشتم» با بیت زیر توضیح دهید.

«یوسف، به این رها شدن از چاه دل نبند / این‌بار می‌برند که زندانیات کنند» (فاضل نظری)

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۲۶۴ - با توجه به سروده‌ی زیر، منظور شاعر از «شعر محض خوب و خالی» چیست؟

«قصه است این، قصه، آری قصه درد است / بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست»





۲۶۵- در سرودهٔ زیر، منظور شاعر از «حدیث آشنای نقال» چیست؟

«مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش چونان حدیث آشنایش گرم - / راه می‌رفت و سخن می‌گفت»

۲۶۶- در سرودهٔ «پهلوان هفت‌خوان اکنون / طعمهٔ دام و دهان خوان هشتم بود»، منظور از موارد مشخص‌شده را بنویسید.

۲۶۷- با توجه به سرودهٔ «شعر نیست؛ این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست»

**الف**

مقصود از «شعر محض خوب و خالی» چیست؟

**ب**

منظور شاعر از قسمت مشخص‌شده، چیست؟

۲۶۸- کدام‌یک از بیت‌های زیر بیانگر «خوان هشتم» است؟

- الف) در آن کویر سوخته آن خاک بی‌بهار / حتی علف اجازهٔ زیبا شدن نداشت  
ب) ای پریشان گوی مسکین پرده دیگر کن / پوردستان جان ز چاه نابردار در نخواهد برد  
ج) نشسته‌ام در انتظار این غبار بی‌سوار / دریغ کز شبی چنین سپیده سر نمی‌زند

۲۶۹- معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

**الف**

این گلیم تیره‌بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها / روکش تابوت تختی‌هاست.

**ب**

بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست.

**پ**

آن‌که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی‌شد از لبش لبخند / خواه روز صبح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند.

**ت**

به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید / من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن!

۲۷۰- معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

**الف**

تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی / فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن!

**ب**

اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار / به‌سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن!

**پ**

رخش آن طاق عزیز، آن تایی بی‌همتا، رخس رخشنده ... داشت می‌خوایید.



ت مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود

۲۷۱- باتوجه به منظومه زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

«این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی‌عیار و شعر محض و خوب و خالی نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست / این گلیم تیره‌بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها / روکش تابوت تختی‌هاست»

الف

«شعر محض نیست» یعنی چه؟

ب

منظور از «گلیم تیره‌بختی‌ها» چیست؟

پ

«خون داغ سهراب و سیاوش» چه مفهومی را القا می‌کند؟

ت

روکش تابوت تختی‌هاست چه مفهومی دارد؟

۲۷۲- بیت‌های زیر را کامل کنید.

الف) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود

.....

فدای نام تو بود و نبوده میهن ای میهن!

ب) .....

شعر خوانی: ای میهن

۲۷۳- مصرع اول بیت زیر را مرتب کنید.

به هر حالت که بودم با تو بودم؛ میهن ای میهن!

به هر زندان به هر مجلس به هر ماتم به هر شادی

۲۷۴- ابیات زیر را کامل کنید.

الف

تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن!

.....

ب

به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم

.....

پ

به سوی تو بُود روی سجودم، میهن ای میهن!

.....



۲۷۵ - هر یک از قسمت‌های خالی را کامل کنید.

الف) ..... به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن!

ب) ..... فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن!

## فصل هفتم: ادبیات داستانی

درس ۱۴: سی مرغ و سیمرغ و واژگان

۲۷۶ - معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

**الف**

من بیم آن داشتم که مورد عتاب معلّم واقع گردم.

**ب**

شیرمردی باید این ره را شگرف

۲۷۷ - معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

هدهد که پرنده دانایی بود و افسری بر سر داشت، گفت: «ای یاران، من بیشتر از همه شما جهان را گشته‌ام و از اطراف و اکناف گیتی آگاهم.»

۲۷۸ - در بیت زیر منظور از کلمات مشخص شده چیست؟

«بعد از این وادی توحید آیدت منزل تفرید و تجرید آیدت»

۲۷۹ - معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

**الف**

چون فرود آیی به وادی طلب

پیش از آن هر زمانی صد تعب

**ب**

بعد از این وادی استغنا بود

نه درو دعوی و نه معنا بود

**پ**

بعد از این وادی توحید آیدت

منزل تفرید و تجرید آیدت

**ت**

از روی مصاحبت مسافرت کردند.

**ث**

با ایشان از وجه زاد و توشه، گردهای بیش نبود.



ج هر کدام از ایشان به زاد بیشتر، بدین گرده خوردن اولی تر.

چ اشتر مقالات گرگ و روباه بر آن گونه شنید.

۲۸۰ - معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف مرغان جملگی شیدا و دلباخته گشتند.

ب هفت دوزخ همچو بخ افسرده ای است

پ باز یابد در حقیقت صدر خویش

۲۸۱ - غلط‌های املایی را در متن زیر بنویسید.

«اشتری و گرگی و روباهی از روی مساحت مسافرت کردند و با ایشان از وجه زاد و توشه، گرده‌ای بیش نبود. چون زمانی برفتند، بر لب آبی نشستند و میان ایشان از برای گرده مخاسمت رفت. تا آخرالعمر بر آن قرار گرفت که هر کدام از ایشان به زاد بیشتر، بدین گرده خوردن اولی‌تر. روباه گفت: «راست می‌گویی؛ من آن شب در آن موضع حاضر بودم و شما را چراغ فرا می‌داشتم و مادرت را اعانت می‌کردم!». اشتر چون مقالات ایشان را شنید گفت: هر که مرا ببیند، به حقیقت داند که از شما بسیار کلان‌ترم و جهان از شما زیادت دیده‌ام و بار بیشتر کشیده‌ام!»

۲۸۲ - در گروه کلمات زیر نادرستی‌های املایی را یافته و تصحیح کنید.

«سرزمین و اقلیم - اطراف و اکناف - کوه قاف - شیفته و سودایی - طاقت و تحمل - ذوال و نابودی - عذر و بهانه - عزم و اراده - قرعه زدن - از قضا و اتفاقاً - استقنا و بی‌نیازی - وجه زاد - دشمنی و مخاسمت - اعانت و یاری»

### دستور زبان

۲۸۳ - در جمله «سیمرغ در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، آشیان دارد»، کدام گروه اسمی نقش تبعی دارد؟ نام آن را بنویسید؟

۲۸۴ - نوع «را» در کدام بیت با بقیه ابیات، متفاوت است؟

الف) شیرمردی باید این ره را شگرف	زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف
ب) چون بود کاکلیم ما را شاه نیست؟	بیش از این بی‌شاه بودن راه نیست
پ) گفت ما را: هفت وادی در ره است	چون گذشتی هفت وادی، درگه است
ت) آب خوش بی‌تشنگی ناخوش بود	مرد سیراب آب خوش را منکر است

۲۸۵ - در عبارت زیر، چند فعل «اسنادی» وجود دارد؟ آنها را مشخص کنید.

همدهد که پرندۀ دانایی بود و افسری بر سر داشت، گفت: «ای یاران، من بیشتر از همه شما جهان را گشته‌ام و از اطراف و اکناف گیتی آگاهم.»



۲۸۶ - شیوه بلاغی را در بیت زیر بررسی کنید.

وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

۲۸۷ - نقش‌های «تبعی» را در مورد زیر مشخص کنید.

هدهد، پرنده دانا، افسری بر سر داشت، به دوستان و یاران خود گفت: من بیشتر از همه شما جهان را گشته‌ام و از اطراف و اکناف گیتی آگاهم، آگاه.

### آرایه‌های ادبی

۲۸۸ - مفهوم «کنایه‌های» به‌کاررفته را در عبارت زیر بنویسید.

«اما چون از خطرات راه اندکی بیشتر سخن به میان آورد، برخی از مرغان از همراهی باز ایستادند و زبان به پوزش گشودند. بلبل گفت: من گرفتار عشق گلم، با این عشق، چگونه می‌توانم در جست‌وجوی سیمرغ این سفر پُرخطر را بر خود هموار کنم؟»

۲۸۹ - در بیت زیر، کدام واژه در معنی مجازی به‌کار رفته است؟ معنی حقیقی و مجازی آن را بنویسید.

«هر یکی بینا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت صدر خویش»

۲۹۰ - کدام یک از ابیات زیر آرایه «متناقض‌نما» دارد؟

الف) آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟  
ب) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

۲۹۱ - در موارد زیر، چه تلمیح مشترکی دیده می‌شود؟

ز نیرنگ هوا و از فریب آرز خاقانی  
دلّت خُلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش  
طاووس نیز چنین عذر آورد که من مرغی بهشتی‌ام، روزگاری دراز در بهشت به سر برده‌ام، مار با من آشنا شد؛ آشنایی او سبب گردید که مرا از بهشت بیرون کنند.

۲۹۲ - آرایه ذکرشده در مقابل همه ابیات، به‌جز گزینه ..... درست است.

- |  |   |
|--|---|
| ۱) گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می‌روی | گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست (حسن تعلیل) |
| ۲) شانه می‌آید به کار زلف در آشفتگی      | آشنایان را در ایام پریشانی بپرس (اسلوب معادله)  |
| ۳) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی         | بباید زدن سنگ را بر سبوی (کنایه)                |
| ۴) عاشق آن باشد که چون آتش بود           | گرم‌رو سوزنده و سرکش بود (تشبیه)                |

۲۹۳ - آرایه‌های بیت زیر را بنویسید.

«هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است»



۲۹۴ - هریک از ابیات زیر، کدام وادی از هفت وادی «منطق الطیر» را به یاد می‌آورد؟  
 الف) مرد حیران چون رسد این جایگاه در تحیر مانده و گم کرده راه  
 ب) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

۲۹۵ - با توجه به هفت وادی عرفانی منطق الطیر، هریک از بیت‌های ردیف نخست، با کدام بیت در ردیف دوم، یادآور وادی مشترکی است؟ (در ردیف دوم، یک بیت اضافی است)

ردیف	نخست	ردیف	دوم
۱	روی‌ها چون زین بیابان درکنند جمله سر از یک گریبان برکنند	الف	هریکی بینا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت صدر خویش
۲	دل چه بندی در این سرای مجاز همت پست کی رسد به فراز؟	ب	چشم بگشا به گلستان و ببین جلوه آب صاف در گل و خار
		ج	مُلک اینجا بایدت انداختن مَلک اینجا بایدت درباختن

۲۹۶ - با توجه به «منطق الطیر» عطار، هریک از پرندگان زیر، نماد چه کسانی هستند؟  
 الف) بلبل: ب) هدهد:

۲۹۷ - معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.  
 نه بدو ره، نه شکیبایی از او صد هزاران خلق سودایی از او  
 «سلمان ساوجی»

۲۹۸ - بیت «صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو» را به فارسی روان معنا کنید.

۲۹۹ - مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

نی حدیث راه پرخون می‌کند شیرمردی باید این ره را شگرف  
 قصه‌های عشق مجنون می‌کند زانکه ره دور است و دریا ژرف

۳۰۰ - با توجه به متن زیر، «چین» نماد چیست؟

«سال‌ها پیش نیم‌شبی از کشور چین گذشت و پری از پرهایش بر آن سرزمین افتاد. آن پر چنان زیبا بود که هر که آن را دید نقشی از آن به خاطر سپرد.»

۳۰۱ - بیت زیر به کدام وادی اشاره دارد؟

«از من اثری نماند این عشق چیست؟ چون من همه معشوق شدم عاشق کیست؟»



۳۰۲- مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«مُلک اینجا بایدت انداختن»

مُلک اینجا بایدت در باختن»

۳۰۳- بیت زیر توصیف کدام وادی است؟

«هر چه زد توحید بر جانش رقم

جمله گم گردد از او گم نیز هم»

### درس ۱۶: کباب غاز و اژگان

۳۰۴- با توجه به عبارتهای زیر، معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

**الف**

در اداره با هم قطارها قرار و مدار گذاشته بودیم.

**ب**

تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر.

**پ**

یک دست دیگر ظرف و لوازم عاریه بگیریم.

**ت**

تک و پوزش کریه‌تر شده است.

**ث**

آثار شادی در وَجَناتش نمودار گردید.

**ج**

خواست از این بروز محبت و دل‌بستگی غیرمترقبه سپاسگزاری کند.

**چ**

من هر چه اصرار و تعارف می‌کنم تو بیشتر امتناع می‌ورزی.

**ح**

من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد.

**خ**

در همان بجوجه بخور بخور، صدای تلفن بلند شد.

**د**

مانند موشی که از خمره روغن بیرون کشیده باشند.

**ذ**

ارمیا و مصطفی دوباره میوهوت به سهراب نگاه می‌کردند.



۳۰۵- در متن زیر، واژه‌ای را که املای آن غلط است، بیابید و شکل درست آن را بنویسید.  
 «یکی از حضار که محفوظ گردیده بود، گفت: «ای واللّه، حقیقتاً استادی!» مصطفی به رسم تحقیر، چین به صورت انداخته ... همه حضار یک‌صدا تصدیق کردند. در این اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای امارت بلند شد.»

۳۰۶- در هریک از بندهای پنجم و یازدهم درس «کباب‌غاز»، سه واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

۳۰۷- در گروه واژگان زیر، دو نادرستی املایی به کار رفته است؛ درست آنها را بنویسید.  
 «ضجّه و شیون - بغولات و حبوبات - سریر و اورنگ - طیلسان و ردا - متاع و فرمانروا - مشایعت و بدرقه»

#### دستور زبان

۳۰۸- در هریک از جمله‌های مرکب زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

**الف** اگر امروز بیشتر از این به ما بخورانید، همین‌جا وبال جانت می‌گردیم.

**ب** جامه‌ای بود که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود.

۳۰۹- در عبارت زیر «وابسته وابسته» و نوع آن را مشخص کنید.  
 «خادم را دیدم قاب بر روی دست وارد شد و یک رأس غاز فربه و برشته در وسط میز گذاشت.»

۳۱۰- شاخص‌ها را در عبارت زیر مشخص کنید.  
 به قصد ابراز رضایتمندی، تعارف‌کنان گفتم: آقای مصطفی خان، نوش جان بفرمایید.

#### آرایه‌های ادبی

۳۱۱- مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

**الف** دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد.

**ب** از این بهانه‌تراشی‌هایش داشتم شاخ در می‌آوردم.

۳۱۲- مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) در بذله و لطیفه نوک جمع را چیده است.

ب) هنوز دستگیرش نشده بود که مقصود من چیست.





۳۱۳- مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

پشت دست داغ کردن:

سماق مکیدن:

چند مرده حلاج بودن:

۳۱۴- مفهوم کنایی «دود از کنده بلند می‌شود» چیست؟

۳۱۵- نویسندهٔ هریک از آثار ستون (الف) را از بین نام‌های ستون (ب) انتخاب کنید.

ردیف	(الف)	(ب)
۱	کباب غاز	ظهیری سمرقندی
۲	سندبادنامه	عطار نیشابوری
۳	ارمیا	رضا امیرخانی
۴	منطق الطیر	محمدعلی جمال‌زاده

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۳۱۶- در عبارت «می‌خواهم امروز نشان بدهی که چند مرده حلاجی و از زیر سنگ هم شده، یک عدد غاز خوب و تازه، به هر قیمتی شده برای ما پیدا کنی.»

(الف) یک کنایه با مفهوم «چقدر» توانمند بودن» وجود دارد. (درست است. / نادرست است).  
(ب) در مجموع، دو کنایه به کار رفته است. (درست است. / نادرست است).

۳۱۷- معنی عبارات زیر را به فارسی روان بنویسید.

**الف** مهمان‌ها سخت در محذور گیر کرده‌اند.

**ب** (نمی‌دانم) که مهار شتر را به کدام جانب می‌خواهم بکشم.

**پ** با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی به سر بریزم.»

**ت** در صرف کردن صیغهٔ «بَلَعْتَ» اهتمام تامی داشتند.

**ث** وقتی درست آن را در زوایا و خفایای خاطر و مخیله نشخوار کردم.

**ج** گویی جامه‌ای بود که درزی ازل به قامت زیبایی جناب ایشان دوخته است.



در اواخر عمر با بنده مألوف بودند و کاسه و کوزه یکی شده بودیم.

چ

تاریخ ادبیات

۳۱۸- نام پدیدآورنده هریک از آثار زیر را بنویسید.

الف

قصه‌های دوشنبه:

ب

ارمیا:

## فصل هشتم: ادبیات جهان

درس ۱۷: خنده‌ی تو واژگان

۳۱۹- در هریک از ابیات و عبارتهای زیر کدام واژه داخل کمانک از نظر املایی درست است؟

- ۱- دلم می‌خواهد بر بال‌های باد بنشینم و آنچه را پروردگار جهان پدید آورده زیر پا (گذارم - گزارم).
- ۲- در این سفر دورودراز، ستارگانی را می‌بینم که می‌خواهند بر سر منزل (غایی - قایی) خود برسند.
- ۳- برجسته‌ترین شاگرد (حوزه - حوضه) علمیه شیراز بود.
- ۴- اما (بقض - بغض) و اندوه، صدا را در گلویش شکست.

دستور زبان

۳۲۰- مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

الف) دیلمان: ب) خواهان:

۳۲۱- مفهوم «ان» را در هریک از ترکیب‌های زیر بنویسید.

الف) کوهان شتر ب) درفش کاویان

۳۲۲- با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«بخند؛ زیرا خنده تو/ برای دستان من، / شمشیری است آخته، / خنده تو، در پاییز/ در کناره دریا / موج کف‌آلوده‌اش را / باید برافرازد.»

الف

ترکیب «موج کف‌آلوده»، «وصفی» است یا «اضافی»؟

ب

نقش دستوری واژه «شمشیر» چیست؟



**پ** یک «گروه اسمی متممی» بنویسید.

**ت** کدام واژه داخل کمانک در مورد «زمان» دقیق فعل «بر فرازد» درست است؟ (مضارع التزامی - مضارع اخباری)

۳۲۳- مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

- ۱- بهاران: .....  
 ۲- خاوران: .....  
 ۳- بابکان: .....  
 ۴- خندان: .....

۳۲۴- مفهوم نشانه «ان» در عبارت «همگنان را خون گرمی بود» با کدام گزینه یکسان است؟  
 الف) گفت: «مستی زان سبب افتان و خیزان می‌روی» گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»  
 ب) سرانجام گفت ایمن از هر دوان نگردد مرا دل، نه روشن روان

۳۲۵- حرف ربط وابسته‌ساز و هم‌پایه‌ساز را در سروده زیر پیدا کنید.  
 نان را از من بگیر، اگر می‌خواهی،  
 هوا را از من بگیر، اما  
 خنده‌ات را نه.

### آرایه‌های ادبی

۳۲۶- در سروده «عشق من، / خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفت / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته»:

**الف** کاربرد «استعاره» را در قسمت مشخص شده توضیح دهید.

**ب** شاعر در بند پایانی از چه آرایه ادبی بهره برده است؟

۳۲۷- در هر یک از موارد زیر قسمت مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟ مفهوم آن را بنویسید.

**الف** الف) نان را از من بگیر اگر می‌خواهی، / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه.

**ب** عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفت.

**پ** تو ای کشتی تندرو خیال من، همین‌جا لنگر انداز.



## معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۳۲۸- درک و دریافت خود را از متن زیر بنویسید.

«و اگر دیدی، به ناگاه / خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است، / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته»

۳۲۹- با توجه به سروده «بخند؛ زیرا خنده تو برای دستان من شمشیری است آخته»، منظور از شمشیر آخته چیست؟

۳۳۰- درک و دریافت خود را از متن زیر بنویسید.

«و اگر دیدی، به ناگاه / خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است، / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته.»

۳۳۱- سروده‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر روان معنی کنید.

**الف**

عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفت.

**ب**

ستارگان را می‌بینم که راه هزاران ساله را در دل افلاک می‌پیمایند تا به سر منزل غایبی سفر خود برسند.

**پ**

می‌خواهم بدانجا روم که خداوند آن را سر حدّ دنیای خلقت قرار داده است و دیگر در آن، ذی‌حیاتی نفس نمی‌کشد.

**ت**

ای فکر دورپرواز من، بال‌های عقاب‌آسایت را از پرواز بازدار.

۳۳۲- درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

الف) عبارت «تو ای کشتی تندرو خیال من، همین‌جا لنگر انداز؛ زیرا برای تو بیش از این اجازه سفر نیست»، به ناتوانی انسان در شناخت هستی اشاره دارد.

ب) مفهوم بیت «دل‌م را داغ عشقی بر جبین نه / زبانه را بیانی آتشین ده»، طلب رهایی از عشق است.

## تاریخ ادبیات

۳۳۳- از بین آثار زیر، به ترتیب یک اثر از اخوان ثالث و یک اثر از سلمان هراتی بیابید.

از پاریز تا پاریس - دری به خانه خورشید - هوا را از من بگیر خنده‌ات را نه - در حیاط کوچک پاییز در زندان

## درس ۱۸: عشق جاودانی واژگان

۳۳۴- معنی واژگان مشخص‌شده زیر را بنویسید.

**الف**

به قدر کفایت متنّبه شده‌ای.



**ب** بر تخته سیاه این کلمات را با خطی جلی نوشت.

۳۳۵- با توجه به متن زیر، شکل درست واژه‌ای را که املای آن غلط است، بنویسید.  
 «[معلم] لباسی را که جز در روز توزیع جوایز یا در هنگامی که بازرس به مدرسه می‌آمد نمی‌پوشید، بر تن کرده بود. گذشته از آن، تمام اتاق درس را ابهت و شکوهی که مخصوص مواقع رسمی است، فرا گرفته بود اما آنچه بیشتر مایع شگفتی من گشت، آن بود که بر روی نیمکت‌هایی که در مواقع عادی خالی بود، جماعتی را از مردان دهکده دیدم که نشسته بودند.»

دستور زبان

۳۳۶- در سروده زیر یک «پیوند وابسته‌ساز» و یک «پیوند هم‌پایه‌ساز» مشخص کنید.  
 آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد، اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟

۳۳۷- با توجه به بیت «اگر لطف تو نبود پرتوانداز / کجا فکر و کجا گنجینه راز» کدام واژه بیت زیر، نقش دستوری یکسانی با واژه مشخص شده دارد؟  
 «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید، جای هیچ اکراه نیست»

۳۳۸- در اشعار زیر چه واژه‌هایی حذف شده‌اند؟ نوع حذف‌ها را بنویسید.  
 ۱- آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»  
 ۲- امروز خورشید در دشت، آیین‌دار من و تو

۳۳۹- در هر یک از موارد زیر فقط هسته گروه اسمی مشخص شده را بنویسید.

**الف** آیا اینها را نیز مجبور خواهند کرد که سرود خود را به زبان بیگانه بخوانند؟

**ب** باید حیات مدرسه و خاک وطن را وداع ابدی گوید.

**پ** در این اثنا وقت به آخر آمد.

**ت** هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست

**ث** ندارد راه فکر روشنایی

آرایه‌های ادبی

۳۴۰- دو نمونه آرایه «تشخیص» در متن درس «عشق جاودانی» بیابید.



۳۴۱- آرایهٔ بارز عبارت زیر را بیابید و نام آن را بنویسید.

«معلم را دیدم که بر کرسی خود نشست و سپس با همان صدای گرم اما سخت که هنگام ورود با من سخن گفته بود، گفت: فرزندان، این بار آخر است که من به شما درس می‌دهم.»

۳۴۲- کدام آرایهٔ ادبی در عبارت زیر مشهود است؟

«از سر مهر نظری بر من انداخت و با لطف و نرمی گفت: زود سر جایث بنشین؛ نزدیک بود درس را بی‌حضور تو شروع کنیم.»

۳۴۳- آرایه‌های ادبی «کنایه، مجاز و حس‌آمیزی» را در متن زیر نشان دهید.

هر خبر ملال‌انگیزی که برای ده می‌رسید، از اینجا منتشر می‌گشت. از این رو من - بی‌آنکه در آنجا توقفی کنم - با خود اندیشیدم که «باز چه خوابی دیده‌اند؟» ... معلم، از سر مهر نظری بر من انداخت و با لطف و نرمی گفت: «زود سر جایث بنشین.»

### قرابت معنایی

۳۴۴- شکسپیر در بند زیر چه ویژگی‌هایی را برای عشق جاودانی برمی‌شمارد؟

«این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجهی به گردوغبار و جراحات پیری دارد.»

۳۴۵- مضمون بیت زیر از کدام بخش از سرودهٔ شکسپیر در درس «عشق جاودانی» قابل‌دریافت است؟

یک قصهٔ بیش نیست غم عشق، وین عجب کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است  
(حافظ)

### معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۳۴۶- سرودهٔ زیر، بیانگر کدام ویژگی‌های عشق است؟

«چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»

۳۴۷- در عبارت زیر، «عشق جاودانی» چگونه توصیف می‌شود؟

«این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد.»

۳۴۸- عبارت زیر بیانگر اهمیت کدام بُعد از هویت ملی است؟

وقتی قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مه‌هور بیگانه گردد، تا وقتی که زبان خویش را همچنان حفظ کند، همچون کسی است که کلید زندان خویش را در دست داشته باشد.

۳۴۹- بیت‌های زیر را به نثر روان برگردانید.

هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست / دل افسرده غیر از آب و گل نیست

**ب**

به سوزی ده کلامم را روایی

کز آن گرمی کند آتش گدایی

**پ**

دلم را داغ عشقی بر جبین نه

زبانم را بیانی آتشین ده

**ت**

ندارد راه فکرم روشنایی

ز لطف پرتوی دارم گدایی

**ث**

اگر لطف تو نبود پرتوانداز

کجا فکر و کجا گنجینه راز

**ج**

به راه این امید پیچ در پیچ

مرا لطف تو می‌باید، دگر هیچ

تاریخ ادبیات

۳۵۰- نام پدیدآورنده هر یک از آثار زیر را بنویسید.

الف) قصه‌های دوشنبه:

ب) ارمیا:





سبب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سبب‌ترش

## علوم پزشکی شیراز

علیرضا احمدی‌شکور

پزشکی شیراز



مهديس رایان‌پور

پزشکی شیراز



رضا روان‌خواه

پزشکی شیراز



مهسان آرين‌نژاد

پزشکی شیراز



مهشيد حیدری سورشجانی

پزشکی شیراز



مصطفی‌کندوشی

پزشکی شیراز



محمد مهدی اجرائی

پزشکی شیراز



فاطمه‌صابری

پزشکی شیراز



رکسانا بهروز

پزشکی شیراز



احسان فرخی

پزشکی شیراز



محمد رضا سلاطی

پزشکی شیراز



نرگس حسنی

پزشکی شیراز



نرگس جهان‌بخشی

پزشکی شیراز



فاطمه‌زارعی

پزشکی شیراز



محمد مهدی محمدی

پزشکی شیراز



مرضیه افضلیان

پزشکی شیراز



مهدی کلانتری

پزشکی شیراز



فاطمه کریمی‌تفتی

پزشکی شیراز



مریم‌محمودی

دندانپزشکی شیراز



محمدیاسین بهبودی

دندانپزشکی شیراز



نوید قاسم‌زادگان‌چهرمی

دندانپزشکی شیراز



محمد مهدی یزدانی

دندانپزشکی شیراز



سینا ابراهیمیان

دندانپزشکی شیراز



محمد امین درخشان

دندانپزشکی شیراز



علیرضا شریفی

داروسازی شیراز



صادق سبجانی

داروسازی شیراز



فرانک شهرباری

داروسازی شیراز



الینا خاننر

پزشکی شیراز



زهرا روح‌الهی

پزشکی شیراز



محمد رضا جعفری

فیزیوتراپی شیراز



امیرآرش محمدی

پزشکی شیراز



امیرحسین‌خواجه

پزشکی شیراز



پارسا کاوسی

پزشکی شیراز







سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی شیراز

زینب‌مرادی

پزشکی شیراز



رضاطاهری

پزشکی شیراز



زینب‌نعیمی

پزشکی شیراز



فاطمه‌سلیمی

پزشکی شیراز



آتناهنر

پزشکی شیراز



اسالهی

پزشکی شیراز



مهدی عوض‌زاده

پزشکی شیراز



حسین‌مهدوی

پزشکی شیراز



ماهان محمودی

پزشکی شیراز



عسل‌کنگالی

پزشکی شیراز



رضا ورزندی‌مجرد

پزشکی شیراز



محمد مهدی رضاپور

پزشکی شیراز



ابوفاضل یاراحمدی

دندان پزشکی شیراز



عرشیاموسوی

پزشکی شیراز



علیرضا عدل‌آسا

پزشکی شیراز



درنادانیال

داروسازی شیراز



ملیکا‌عابدی

داروسازی شیراز



مهديه آل بویه

دندان پزشکی شیراز



مریم‌آزادی

دندانپزشکی شیراز



پانته آ سلمان پور

داروسازی شیراز



فاطمه‌آزادی

داروسازی شیراز



نغمه‌قبادی

دندانپزشکی شیراز



محمد رجبی

داروسازی شیراز



محمد رضانجفی

دندانپزشکی شیراز



هستی‌فلاح

پزشکی شیراز



عارفه‌حکومتی

داروسازی شیراز



ملیکا‌افسر

پزشکی شیراز



مهدی‌احمدی

دندان پزشکی آزادشیراز



مرتضی‌یوسفی

دندانپزشکی آزادشیراز



کتایون‌اکوان

دندانپزشکی آزادشیراز



سبحان‌ولییی

دندان پزشکی آزادشیراز



اشکان‌باسری

دندان پزشکی آزادشیراز



محمد امیدي

دندان پزشکی آزادشیراز





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی تبریز

فاطمه موسوی اصل  
پزشکی تبریز



طاهر حسن‌زاده  
پزشکی تبریز



عطقربانی  
پزشکی تبریز



اشکان محمودی  
پزشکی تبریز



کامیاب اسحق‌نژاد  
پزشکی تبریز



اسرا عوض هوشیاری  
پزشکی تبریز



امیرمهدی مردانی  
پزشکی تبریز



نگین گیوزاد  
پزشکی تبریز



زهرا کرمان‌هفتخوانی  
پزشکی تبریز



سوگل نجف نوهسی  
پزشکی تبریز



یلدا قانع‌زوارق  
پزشکی تبریز



کیمیاعطاری  
پزشکی تبریز



مهدی فرمانی خراجو  
پزشکی تبریز



اسماعیل سهراب‌زاده  
پزشکی تبریز



اسرانعلیندزاده  
پزشکی تبریز



ستاره‌آزادخواه  
پزشکی تبریز



امیرحسین صمدزاده  
پزشکی تبریز



نرگس قربانی‌فر  
پزشکی تبریز



سما رحیم‌زاده  
پزشکی تبریز



آیدین مرآتی  
پزشکی تبریز



محنانصیری  
پزشکی تبریز



محمد امین حکیمی  
پزشکی تبریز



حاناه حکیم قزاق‌خانلو  
پزشکی تبریز



رضاهامینی  
پزشکی تبریز



امیررضاعباسی  
داروسازی تبریز



ملیسا ندیمی بستان  
داروسازی تبریز



مبینا غلامی بهنق  
دندانپزشکی تبریز



حسین فصیحی  
دندانپزشکی تبریز



مهسا قلی‌زاده  
پزشکی تبریز



امیرمهدی نیازی  
فیزیوتراپی تبریز



آیدا حسین‌زاده  
فیزیوتراپی تبریز



محمد معین قناتی  
داروسازی تبریز



مهدی زینالی  
پزشکی تبریز



ساده‌زارع  
پزشکی تبریز



روزان رحیمی  
پزشکی تبریز



محمد مهدی علی‌رضالو  
پزشکی تبریز



امیرحسین حسین‌پور  
پزشکی تبریز



زهرا ابراهیمی  
پزشکی تبریز



مبینا نیک‌پو  
پزشکی تبریز



عرفان سیاح  
پزشکی تبریز



آیداسلحشور  
پزشکی تبریز



اسماعیل مصطفی‌باز  
پزشکی تبریز



آیلارسلحشور  
پزشکی تبریز



علی‌تورانی  
پزشکی تبریز



امیر رضاموسوی  
پزشکی تبریز



ایلیا امینی  
پزشکی تبریز



نیما اسدی  
پزشکی تبریز



حانیه حسین‌زاده  
پزشکی تبریز



هلیارضازاده  
پزشکی تبریز



امیررضا جلیل‌زاده  
پزشکی تبریز



محمد فرج  
پزشکی تبریز



الهام بخشی‌سرای  
پزشکی تبریز





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی تبریز

امیرطاهارسولی

پزشکی تبریز



مهدی‌جوادی

پزشکی تبریز



مهدی‌محتشمی

پزشکی تبریز



هستی‌رضی

پزشکی تبریز



رضارستمی

دندان پزشکی تبریز



مینا علی‌زادگان

دندان پزشکی تبریز



مهدی‌حبیبی

دندان پزشکی تبریز



مبین‌جنگی

دندان پزشکی تبریز



ابوالفضل‌ابطحی

داروسازی تبریز



حمیدرضاریحانی

داروسازی تبریز



فاطماعزیزی

داروسازی تبریز



محمد امین عارفخانی

دندان پزشکی تبریز



الیارموحدی

پزشکی تبریز



ابوالفضل‌عاشوری

فیزیوتراپی تبریز



رضا اسلامپور

فیزیوتراپی تبریز



محمد معاذی

داروسازی تبریز



عطیه‌صبوری

پزشکی تبریز



وحید مسعودفر

پزشکی تبریز



سیروان‌مرادی

پزشکی تبریز



یاسمین‌علیزاده

فیزیوتراپی تبریز



پارساژدیریان

پزشکی آزادتبریز



امیرمحمدعزیزخانی

پزشکی آزادتبریز



نویداحمدمولائی

پزشکی آزادتبریز



هیمن‌اخشیع

پزشکی تبریز



کوشاکلانتری

دندانپزشکی آزادتبریز



سید طاها چه‌رطاق

دندانپزشکی آزادتبریز



مهسا حضرت قلی‌زاده

پزشکی آزادتبریز



زهره اده‌زاد

پزشکی آزادتبریز



ایمان‌نوروزی

پزشکی آزادتبریز



حنانه‌ایمانی

پزشکی آزادتبریز



مهدیه‌اسکویی

پزشکی آزادتبریز



مهنا مرسلی

دندانپزشکی آزادتبریز



مبین‌مرندی

پزشکی آزادتبریز



معصومه‌میرونبکی

پزشکی آزادتبریز



الینا عبدی گنج‌آبادی

پزشکی آزادتبریز



علیرضا وصالی‌بهرام

پزشکی آزادتبریز





## پاسخنامه تشریحی

- ۱

واژه	هم‌آوا	مترادف
غربت	قربت	بیگانگی، دوری، تنهایی

- ۲

هم‌خانواده	مترادف	متضاد
غایب	نهان - پنهان	آشکار
عیوب	ایراد	حُسن

- ۳

### الف

صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز

۴ - فَرَاش: متمم / مضا: مضاف‌الیه / فرش: مفعول / زَمَدین: صفت / بهاری: صفت / بنات: مفعول

۵ - فعل «است» بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است.

۶ - الف) کان سوخته را جان شد ← فک اضافه است.

ب) ما را چه تحفه کرامت کردی ← حرف اضافه به معنای «برای»

پ) همه را رسیده ← حرف اضافه به معنای «به»

۷ - آواز مجاز از سخن و صدا

۸ - ۲ یا همه عیبی تو بیوشی

- ۹

### الف

عشق در هر جایی پناه نمی‌گیرد (عشق در دل هرکسی جای نمی‌گیرد) و به چشم هر کسی نمایان نمی‌شود.

یکی از عارفان در حال تفکر عارفانه و توجه به حق بود.

زمینان را به طرح و نقشه عشق آباد ساخته‌اند و از قدیم هیچ تغییری نکرده است. (هنوز به همان شکل و طرح قدیم است.)

که اگر یکی از این دو نفر (سودابه یا سیاوش) گناهکار شناخته شود، پس از آن کسی من را پادشاه نمی‌شمارد.

رستم، پهلوان میدان نبردهای هر اسناک، در چاه (دام مرگ) گرفتار شده بود.

در مرحله فنا (هفتم) همه پدیده‌هایی که سایه‌هایی بر چهره خداوند بودند، با آشکار شدن خورشید حق، از بین می‌روند و حق آشکار می‌شود.

- ۱۰

### الف

ای دماوند تو مشیت بزرگ روزگار هستی که هنوز پس از قرن‌ها به‌عنوان میراثی باقی مانده‌ای.

هیچ‌کس نمی‌تواند با رفتار و سخنانش از عهده شکرگزاری خداوند برآید.

بخند زیرا خنده و شادمانی تو، مانند شمشیری برکشیده در دستان من است (شادی تو سلاحی برای مبارزات من است).

ما پرندگان هم رهبر و پادشاهی داریم که در خرد و بینش، همانندی ندارد.

روزگاری همه مردم دنیا به ایتالیا توجه داشتند و از آن بیم داشتند.

سیاوش گفت ای پادشاه! تحمل دوزخ در برابر این تهمت برای من آسان‌تر است.

اکنون مصطفی در خوش‌صحبتی، بر جمع مسلط شده است.

- ۱۱

### الف

از شنیدن اسم شهر، لذت می‌بردم (خوشحال می‌شدم).

### ب

هرکس از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباه می‌شود.



پ

هسته خرمایی با پرورش و توجه او، نخلی بلند شده است.

ت

رسیدن به زیبایی، تنها به وسیله عشق، امکان پذیر است.

ث

مهمان‌ها به شدت گرفتار شده بودند و نمی‌دانستند چه کار کنند.

ج

سعی کردم دقیقاً از شما پیروی کنم؛ با سرعت خودم را به سنگ برسانم.

چ

این روسری سفید (برف) را از سرت بردار. بر تخت پادشاهی بنشین.

ح

هیچ‌یک از پدیده‌های جهان، آوازه نیک و گفتار پاک را نابود نمی‌کنند.

خ

کسی در جهان از این راه بازنگشته است؛ کسی از مسافت این راه، آگاه نیست.

د

به وزیر فرمان داد که شتربان، صد کاروان شتر درشت‌اندام از دشت بیاورد.

۱۲ -

الف

هر نفسی که پایین می‌رود (دم) یاری‌کننده زندگی است و هنگامی که بالا می‌آید (بازدم) شادی‌بخش وجود است.

ب

هرکس بنا بر گمان و پندار خود یار من شد و اسرار من را از درونم جست‌وجو نکرد.

پ

اگر اینچنین است که در این اتفاق من گناهکار هستم، خداوند جهان‌آفرین، من را [از آتش] حفظ نمی‌کند.

ت

انسان به هر جایگاهی که می‌رسد گمان می‌کند به کمال مطلوب خود رسیده است.

ث

در جهان کسی از این راه باز نگشته است و کسی از مسافت آن آگاهی ندارد.

۱۳ -

الف

ناله‌ها و شعرهای غم‌انگیز من شاعر برای دوری از وطن است و شیوه پرنده گرفتار نیز مثل من است که در دوری از وطن می‌نالدم.

ب

بخشش و مهربانی خداوند را ببین که چه قدر زیاد است؛ بنده گناه می‌کند و او از گناه بنده‌اش خجالت‌زده است.

پ

شاد باش؛ زیرا شادی و خنده تو برای من مانند شمشیری از غلاف برکشیده است. (به من توان مبارزه می‌بخشد)

ت

هیچ‌کس از راه رسیدن به سیمرغ (حق) برنگشته است و کسی از میزان مسافت آن آگاهی ندارد.

ث

کشورهای عراق و سوریه (دورترین کشورها) از فرمان روم (ایتالیا) اطاعت می‌کردند.

ج

وقتی سیاوش پیش کاووس رفت از اسب پیاده شد و تعظیم کرد.

چ

وانمود کنید که بیمار هستید، و بگویید پزشک ممنوع کرده و از رختخواب برنخیزید.

۱۴ -

الف

دانه خرمایی با پرورش (قدرت) خداوند درخت نخل بزرگی شده است.

۱۵ -

الف

همه کم و زیاد شدن‌ها به دست توست.

ب

به دوستان گفتم: از موجودات خشکی و دریا (در هیچ جای دنیا) کسی را به این حاضر جوابی ندیدم. (۵۰)

۱۶ -

الف

تنها به سوی تو رو می‌کنم و به سبب لطف و کرم تو، در تلاشم.

ب

ای قهرمان! پیش از این هیچ‌کسی مانند تو این چنین عجیب، مرگ را بی ارزش ندانسته است.

۱۷ -

الف

تصمیم داشتم وقتی که به قرب الهی و معنویات می‌رسم به‌عنوان هدیه دامنی برای باران پر کنم وقتی رسیدم لذات قرب الهی و معنویات چنان مرا از خود بیخود کرد که بی‌اختیار شدم.

۱۸ -

الف

همه پیشی تو بگاهی همه کمی تو فزایی



**الف**

خداوند به ابر بهاری دستور داده است تا گیاهان را در زمین پرورش دهد.

۲۰ - «مرغ سحر»: نماد مدعیان دروغین عاشقی؛ «پروانه»: نماد عاشقان راستین

**الف**

پوشیده، پنهان

**ب**

می فروش

**پ**

ضربه، ضربه زدن

**ت**

اضطراب ناشی از گرما و حرارت، گرمی و حرارت

**الف**

زاهد

**ب**

مدام

**پ**

وجه

۲۳ - کلمه «قرامت» نادرست و شکل صحیح آن «گرامت» است.

**الف**

ثواب = صواب

**ب**

آجز = عاجز

**پ**

زوالجلال = ذوالجلال

**ت**

مطمئن = مطمئن

**ث**

منذر = منظر

**ج**

قربق = غریق

**الف**

«غازی» نادرست و شکل صحیح آن «قاضی» است.

**ب**

«از بحر» نادرست و شکل صحیح آن «از بهر» است.

**پ**

«ثواب» نادرست و شکل صحیح آن «صواب» است.

**ت**

«بهر» نادرست و شکل صحیح آن «بهر» است.

۲۶ - الف) رفت (ب گذشت پ) فعل اسنادی شد = گشت

**الف**

خواب و خور: مجاز از مادیات / به خویش رسیدن: آگاه شدن / بی‌خواب و خور شدن: کنایه از کنار گذاشتن و وابستگی‌های دنیایی

**ب**

مفعول (خواب و خور، تو را ...)

**الف**

در بیت اول در معنای «مثل و مانند» به کار رفته و حرف اضافه است.

در بیت دوم و سوم در معنای «وقتی که» به کار رفته و حرف ربط است.

**ب**

نور خدا

**الف**

بی‌خواب و خور شدن کنایه از ترک تعلقات دنیایی

**ب**

گریبان گرفتن کنایه از درگیر شدن

۳۰ - هر دو بیت به زورگویی و رشوه‌خواری محتسبان اشاره دارند.



۳۱ - ملاک نفس عمل حرام است، نه میزان انجام و ارتکاب کم یا زیاد آن.

۳۲ - این نوع ادبی مناظره نام دارد.

مست و هشیار دارای پیام‌های اجتماعی است و مناظره خسرو با فرهاد به شیوه غنایی است. هر دو سروده در قالب مناظره است.

۳۳ -

**الف**

بی‌قانونی / غفلت حاکمان

**ب**

رشوه‌خواری محتسب / حرام بودن رشوه در دین

**پ**

بی‌قانونی (نبودن مرجع مشخص رسیدگی به جرائم) / فساد پنهانی حاکمان

**ت**

تهدید به مجازات شرعی / فراگیر بودن فساد در جامعه

۳۴ -

**الف**

(محتسب) گفت: خانه حاکم نزدیک است به آن‌جا برویم. (مست) گفت: از کجا معلوم که حاکم در میخانه نباشد؟

**ب**

(محتسب) گفت: به من پنهانی رشوه‌ای بده و خود را خلاص کن. (مست) گفت: حکم دین را با رشوه دادن نمی‌توان تغییر داد.

۳۵ - گزینه «۱» عزم

۳۶ - الف درست است.

واژه طرف؛ به معنی «کنار و کناره» است در گزینه «الف» این واژه ذکر شده است.

۳۷ - شعر آزادی:

بنمایید که هرکس [فکری] نکند، مثل من است: لفظی  
ز اشک ویران کنش آن خانه که [آن خانه] بیت‌الجزن است: لفظی  
بدر آن جامه که [آن جامه] ننگ تن و کم از کفن است: لفظی

بیت ۳: فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش  
بیت ۴: خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد  
بیت ۵: جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن  
شعر دفتر زمانه:

آری [دلم] نداشت غم که [دلم] غم بیش و کم نداشت: لفظی  
ما را فراغتی است که [آن فراغت را] جمشید جم نداشت: لفظی  
چون فرخی، [انصاف و عدل] موافق ثابت قدم نداشت: لفظی

بیت ۱: هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت  
بیت ۴: با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است  
بیت ۵: انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی

۳۸ - ۱ - هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت: جمله عادی

۲ - نداشت غم: جمله بلاغی

۳ - که غم بیش و کم نداشت: جمله عادی

۳۹ - در مصراع اول:

مستند: سلیمان

نهاد: (-) «ما»ی محذوف است به قرینه شناسه «ییم» در فعل «گردیم».

۴۰ - این: صفت اشاره است؛ زیرا به همراه مُلک (هسته گروه‌اسمی) آمده است.

او: نهاد جمله پایانی است: او اهرمن است .  
نهاد مستند فعل اسنادی

۴۱ - خانه‌ای (نهاد) کاو شود از دست اجانب آباد.

آن خانه (مفعول) را ز اشک ویران کن.

۴۲ - می‌طلبم: مضارع اخباری    ببرد: مضارع التزامی    است: مضارع (حال)

۴۳ - ناله مرغ : مضاف‌الیه  
مضاف‌الیه

بهر وطن ← برای وطن  
حرف اضافه متمم

۴۴ - مرغ اسیر در مصراع اول مجاز است. مجاز از شاعر

۴۵ -

**الف**

ابهام

**ب**

تضاد

**پ**

تشخیص

۴۶ - «دفتر زمانه»: تشبیه «زمانه»: مشبه؛ «دفتر»: مشبه‌به / «افتادن نام از قلم»: کنایه از فراموش شدن

۴۷ - خطاب به مشت: استعاره (تشخیص) / مشت زمین: اضافه استعاری (تشخیص) / مشت استعاره بر دماوند



۴۸ -

الف اسلوب معادله

ب

تلمیح

پ

تکرار

ت

مجاز

۴۹ -

الف فراموش شدن

ب

«جامعه» در معنای مجازی «مردم جامعه» به کار رفته است.

پ

«جام و جم»، «مال و ماه» جناس ناهمسان (ناقص)

۵۰ - داشتن مردم صاحب قلم.

۵۱ -

الف

اگر غذا و هوا (خوردن و نفس کشیدن) را از من بگیری مهم نیست، شادی و خندهات را از من نگیر.

ب

در گذر روزگار، ملتی که نویسنده و شاعر نداشته باشد، فراموش می‌شود.

پ

آسمان (سرنوشت) سوگند خورده است، که به بی‌گناهان آسیبی نمی‌رسد.

ت

همه حواسم به مصطفی است، که با بوی غاز از خود بی‌خود نشود و اختیارش را از دست ندهد.

ث

کسی می‌تواند در مسیر عشق وارد شود که خودش را نادیده گرفته باشد. و خود را فراموش کند.

۵۲ - بلندنظری یا مناعت طبع یا قناعت

۵۳ -

الف

کسی (محمدعلی شاه) را که در این کشور، پادشاه خود کردیم، مردم امروز یقین کردند که شیطان است نه پادشاه.

ب

از نسیم سحرگامی همت و یاری می‌خواهم که خبر من زندانی را به دوست آزاد و مبارزم بیرون از زندان ببرد.

پ

لباسی که به خاطر وطن، خون‌آلود نشود، آن را پاره کن چون از کفن هم بی‌ارزش‌تر است. (اگر کسی خود را در راه وطن فدا نکند، وجود او بی‌ارزش است).

ت

کشوری که به دست بیگانگان آباد شود، به حالش گریه کن و با اشک ویرانش کن چون آن کشور عزاخانه است نه جای زندگی.

ث

ای هم‌وطنان برای آزادی خود کاری بکنید برای اینکه هرکس به فکر آزادی نباشد، بیرون از زندان هم گویی مثل من زندانی است.

ج

هرکسی که به فکر مردم احترام نگذارد، خردمندان نیز او را شایسته احترام نمی‌دانند.

چ

کشوری که مردمان متفکر و صاحب اندیشه نداشته باشد، در گذر زمان نابود می‌شود.

۵۴ - عصر مشروطه

۵۵ -

الف

پس افکنده، میراث

ب

سرپوش، روسری

پ

خشمگین و قهرآلود

ت

مرهم، دارو که به جراحت نهند

۵۶ -

۱) غلط املایی وجود ندارد.

۲) شبه = شیخ

۳) جسّه = جئه

۴) رمغ = رمق

۵۷ - مردم نحس، قلبِ فسرده، سپید معجر (وصفی مقلوب: معجر سپید)، شیر ارغند، بی‌خردانِ سفله (بی‌خردان: صفت جانشین اسم و هسته است).

۵۸ -

مَث آب خوردن ۲۰ بگیر



**الف**

سریر

**ب**

سمن

۵۹ - الف) مشت روزگار، گردش قرن‌ها (ب) داد دل، دل مردم

- ۶۰

**الف**

واژه «روی»، مفعول است و با واژه «چهر» در مصراع دوم نقش دستوری یکسان دارد.

**ب**

ضمیر «ت» نقش مضاف‌الیه دارد و با واژه «بشر» نقش دستوری یکسان دارد.

- ۶۱

**الف**

دل: مفعول

**ب**

ایمن: مسند

**پ**

ت: مضاف‌الیه (روی تو)

- ۶۲

**الف**

«کلاه‌خود سیمین»: استعاره از برف / «کمر بند آهنین»: استعاره از سنگ‌های میانه کوه

**ب**

«تو قلب فسرده زمینی»: تشبیه («تو»: مشبه؛ «قلب فسرده»: مشبه‌به)

۶۳ - الف، شاعر ارتفاع قله دماوند را برای این می‌داند که می‌خواهد مردم صورتش را نبینند.

۶۴ - بیت‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲

دلیل: زیرا برای هریک از موضوعات، دلیل هنری و غیرواقعی آورده است.

۶۵ - ۱ - مردم نحس دیو مانند: تشبیه مردم (مشبه) به دیو (مشبه‌به)

۲ - گرز، شرز: جناس دارد.

۳ - مشت زمین، ضربه نواختن دماوند: تشخیص (زمین را مانند انسانی فرض کرده که مشت دارد.) (دماوند مانند انسانی ضربه می‌نوازد.)

۶۶ - آتش درون: خشم و اعتراض

سوخته‌جان: شاعر

۶۷ - مادر سرسپید: دماوند سیاه‌بخت فرزند: شاعر (بهار)

۶۸ - فضای داستان گیرا، دوست‌داشتنی و شاداب است. صداقت و طنزآمیز بودن لحن موجب ارتباط نزدیک مخاطب با داستان شده است.

۶۹ - چونکه زمین به سبب ظلم و ستم آسمان، سرد و سیاه و بی‌سروصدا و آویزان شد، مشت محکم به سوی آسمان پرتاب کرد؛ ای دماوند، آن مشت تو هستی. (در اثر آن مشت، تو به وجود آمدی.)

- ۷۰

**الف**

بر روی قله ات برف نشسته است مانند شخصی که کلاه رزمی نقره ای بر سر خود گذاشته است. و صخره های میانی تو مثل کمربندی آهنین است که به کمر بسته ای.

- ۷۱

**الف**

چون دماوند پوشیده از برف است.

**ب**

«دماوند»: آزادی‌خواهان / «سوخته جان»: خود شاعر

۷۲ - الف) حریف ← دوست - هم‌نشین و همدم

ب) پرده ← نغمه و آهنگ

ج) هوش ← عشق

۷۳ - چهار فعل موجود است:

۱ - ماند ۲ - بازجوید ۳ - نیست ۴ - نیست

\* واژه «دید» در مصراع چهارم، مصدر است؛ یعنی در حقیقت، «دیدن» بوده است که «ن» پایانی آن افتاده است و به صورت «دید» به کار رفته است. از آنجا که مصدر نوعی اسم است، بنابراین، واژه «دید» نیز در اینجا «اسم» است و نقش‌های اسم را می‌پذیرد.

۷۴ - هفت جمله دارد.

۱ - روزها گر رفت ۲ - گو ۳ - رو ۴ - باک نیست ۵ - تو بمان ۶ - ای آن‌که ۷ - جز تو پاک نیست

۷۵ - پاسخ درست گزینه «ب» است.

\* کسی زهری و تریاقی ( را ) همچو نی ندید.

نهاد مفعول (معطوف‌علیه) معطوف فعل



\* «او» در گزینه «الف»، از نوع ربط یا پیوند است؛ زیرا بین دو جمله آمده است و آنها را به هم پیوند داده است.

۷۶ - سینه ← مفعول

شرح‌شرحه: قید

شرح ← مفعول اشتیاق ← مضاف‌الیه آتش ← مسند

این بانگ نای ← نهاد باد ← مسند آتش ← مفعول

۷۷ -

**الف**

بیت اول ← نیست باد (باد و نفس نیست) / نیست باد (نابود شود)

**ب**

آتش اول ← مسند / آتش دوم ← مفعول

**پ**

هر کس عاشق نیست نابود شود.

**ت**

بدحالان ← کم‌بهره از عشق / خوش‌حالان ← واصلان و کسانی که در سیر و سلوک به مقام قرب و نزدیکی خدا می‌رسند.

**ث**

هم‌نوایی و همراهی و مدارا با اقشار مردم

۷۸ -

**الف**

اندر: حرف اضافه، صورت قدیمی از واژه «در».

**ب**

(ب) نی: متمم است. / جوشش: مسند است.

**پ**

۴ جمله دارد.

آنچه در نی افتاده است ، آتش عشق است .  
فعل فعل

آنچه در می افتاده است ، جوشش عشق است .  
فعل فعل

۷۹ - الف) مصراع اول: نیست: فعل استنادی / مصراع دوم: نیست: اسم (نابود)

بین هر دو واژه «نیست» جناس تام (همسان) برقرار است.

مصراع اول: باد: اسم (باد هوا) / مصراع دوم: باد: فعل دعایی

بین واژه‌های «باد» در هر دو مصراع نیز جناس تام (همسان) برقرار است؛ زیرا واژه‌ها در لفظ، یکسان و در معنا، متفاوت‌اند.

(ب) پرده اول: آهنگ، موسیقی و نوا، نغمه / پرده دوم: حجاب، پوشش، مانع

۸۰ - پاسخ درست گزینه (الف) است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

در بیت «ب»، «دور و نور» قافیه هستند.

در بیت «پ»، باد = باد هوا با باد = فعل دعایی و نیست = فعل استنادی منفی با نیست = نابود جناس تام دارند.

این بیت دو قافیه دارد؛ اما قافیه اصلی واژه‌های «باد» است.

۸۱ - گزینه «ب»

۸۲ - الف و ج با هم اشتراک مفهومی دارند.

بیت الف) اگر روزگار عمرم را تباه کند برایم مهم نیست.

بیت ج) گذر روزگار و عمر برایم مهم نیست و عشق مهم است.

۸۳ - هیچ‌کسی نتوانسته است راز عشق را به‌طور کامل دریابد و هر کسی حدس و گمان خود را در مورد آن بیان می‌کند.

۸۴ - گزینه «الف» پاسخ درست است. (نی: هم درد است و هم درمان)

۸۵ - بیت‌های (ب و ج) اشاره دارند به بازگشت فرع به سوی اصل.

اما در گزینه الف، اصل به دنبال فرع می‌رود و مناسبت ندارد.

۸۶ - مورد «ب»

۸۷ - عالم معنا / حقیقی، درگاه حق

۸۸ -

**الف**

راز من را از ناله‌های عارفانه من می‌توان دریافت؛ اما چشم و گوش ظاهری توان درک آن را ندارد.

**ب**

همه پرندهگان عاشق (دیدار سیمرغ) شدند و بهانه‌جویی را کنار گذاشتند.

**پ**

عاشق واقعی همیشه زیبایی‌های عشق اول و قدیم را، موضوع کتاب یا دیوان شعر خود قرار می‌دهد.

۸۹ - «نی»: انسان آگاه و کامل یا خود مولوی / نیستان: عالم معنا و حقیقت، پیشگاه الهی (معادل واژه نیستان در شعر شاعران فارسی این موارد است: کبریا، دریا، بحر، باغ ملکوت، فردوس برین و...)



۹۰ - الف) انعطاف‌پذیری نی و مدارا با اقشار مردم.  
 ب) نقش ظرفیت وجودی افراد در تاثیرپذیری از عشق.  
 ج) ظهور عشق در همه موجودات.  
 د) درد را همدرد می‌فهمد.

۹۱ - جواب ← مقام فنا و تجلی جمال حق

۹۲ - الف) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است روزش دیر شد: «اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق»  
 پ) روزها گر رفت، گو رو باک نیست / تو بمان ای آن که جز تو پاک نیست: «مهم‌تر بودن عشق از همه چیز حتی عمر»  
 ۹۳ - نی، داستان راه پرخطر و خونین عشق را بیان می‌کند که در آن، عاشق کشته و قربانی معشوق می‌شود.

۹۴ -

**الف** عشق وقتی وارد دل شد عقل و هوش را کنار می‌زند؛ همچنان‌که وقتی دزد زیرک و باهوش وارد خانه می‌شود، اول چراغ را خاموش می‌کند.

**ب** نی همنشین و همدم کسانی است که از معشوق جدا افتاده‌اند و پرده‌ها و نغمه‌های نی راز عشق ما را فاش می‌کند.

**پ** مکر و حيلة او برعکس شد و او شرمنده شد، کار او از رونق افتاد و زندگی‌اش بیهوده شد.

**ت** دیر شد و فرصت تمام شد و خورشید غروب کرد و با آمدن شب عاشقان با خدا به خلوت و عبادت پرداختند.

**ث** عشق همه را در یک رتبه قرار می‌دهد و هم‌ردیف می‌کند.

۹۵ -

**الف** دلی می‌خواهم که از درد جدایی پاره پاره باشد و همدرد من باشد تا درد اشتیاق و عاشقی‌ام را به او شرح دهم.

**ب** من (نی / مولوی) در بین همه مردم ناله کرده‌ام و همراه و همدم همه انسان‌ها شده‌ام.

**پ** راز من از ناله‌های من دور نیست؛ ولی چشم و گوش ظاهر بین از درک آن حقیقت عاجز است.

**ت** هر کسی از روی حدس و گمان خود با من همراه شد از راز درونی من آگاه نشد.

**ث** در غم عشق ما روزهای زیادی سپری شد و روزها همراه با سوز و گداز شد.

۹۶ -

**الف** اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق

**ب** ناپایداری قدرت

۹۷ -

**الف** لیاقت و قابلیت درک عشق

**ب** زندگی عاشق با اندوه عشق توأم است (عاشق همیشه غمگین است).

**پ** راه عشق، راهی پرخطر است.

**ت** اثرگذاری عشق - عشق در همه چیز جاری و ساری است.

**ث** راز درون نادیدنی است.

**ج** فراگیری ناله نی

**چ** ناله آدمی به خاطر دوری از حق است.

۹۸ - همدم، همراه / صدای نی اسرار عاشقی را برملا می‌کند.

۹۹ - الف) نوا، ترانه، سرود

ب) دوستدار، یار، عاشق

ج) بی‌هوشی، حالت از خودرستگی و به معشوق پیوستن

۱۰۰ -

**الف** ماوا: جایگاه، منزل

**ب**

نابذ: ناچار، ناگزیر / فرض: ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش جواب کرده است.

**پ**

مُحِب: دوستدار، یار، عاشق / حبیب: یار، محبوب

- ۱۰۱

**الف**

«شیدایی» و «سودا»

**ب**

«ناگزیر» و «لابد»

- ۱۰۲

**الف**

شیدایی: دیوانگی

**ب**

بزم: محفل، ضیافت

۱۰۳ - عاشق: مسند - بنده: متمم

۱۰۴ - ۲) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

- ۱۰۵

عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.  
نهاد مفعول مسند فعل

۱۰۶ - من شما را عاقل می‌پنداشتم. (شما: مفعول / عاقل: مسند)

۱۰۷ - الف) «عشق» تشخیص دارد، زیرا؛ «راه نمی‌دهد»، «مأوا نکند» و «به هر دیده روی ننماید» به آن نسبت داده شده است که رفتارهای انسانی هستند.

ب) «آتش عشق» تشبیه (اضافه تشبیهی)

ج) رخت نهادن: کنایه از اقامت کردن

۱۰۸ - قدم نهادن کنایه از وارد شدن (در اینجا؛ عاشق شدن) / با خود نبودن کنایه از وابسته نبودن به خواهش نفس، مغرور نبودن / ترک خود کردن کنایه از کنار گذاشتن غرور

/ آتش بودن کنایه از تأثیرگذاری (تشبیه کنایی) / رخت نهادن کنایه از ساکن شدن و ماندن / به رنگ خود گرداندن کنایه از یکی شدن (یکپارگی)

۱۰۹ - واژه‌های جمال و کمال در عبارت (یکی جمال است و یکی کمال).

۱۱۰ - بیت ۵: زیرا شاعر این بیت سعدی را تضمین کرده است: سعدی به روزگاران مهری نشسته بردل / بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران

۱۱۱ - کسی که وارد راه عشق می‌شود که بتواند جان خود را در این راه فدا کند.

- ۱۱۲

**الف**

ساختن دو نردبان از معرفت و محبت

**ب**

عشق

۱۱۳ - لحن «نی‌نامه» عارفانه است و آهنگی آرام و سنگین دارد. اما شعر «صبح ستاره باران» لحنی غنایی و آهنگی طرب‌انگیز و شاد دارد.

- ۱۱۴

**الف**

آتش با آن گرمایی که دارد، از کلام من گرما گدایی کند. (مفهوم: طلب سوزناک بودن کلام و شعر از خداوند)

**ب**

عشق اجازه نمی‌دهد کس دیگری به جز خودش وارد شود. (مفهوم: نابودگری عشق)

**پ**

خنده از لب‌های او (رستم) افتاد. (مفهوم: ناراحتی و غمگینی رستم از جفای نابردارش، شغاد)

- ۱۱۵

**الف**

می‌گفتی که عشق به مرور زمان در دلم نشسته است. آری، عشق را حتی با گذر زمان نیز نمی‌توان از دل بیرون کرد.

**ب**

بسیاری پیش از ما هم بوده‌اند که زندگی را مانند دیواری با این‌گونه یادگاری‌ها از عشق آراستند.

**پ**

ای معشوقی که در مهربانی از برگی که باران بوسه بر او می‌زند، برتری و عشق تو، چشمان عاشقان را اشکبار کرده است. (اشک‌ها مانند ستارگان بیداری هستند که از

چشم همچون جویبار عاشقانه پدیدار شده است.)

**ت**

نگاهت مانند آینه‌ای روشن است که یادآور زیبایی ساحل دریا هنگام صبح است و خنده‌گه‌گاه تو به زیبایی صبحی پرستاره است.

- ۱۱۶

**الف**

ستاره‌های زیبای خوشه پروین پیدا شدند.

**ب**

شیدایی عشق، با ارزش‌تر از هوشیاری جهان است.

**پ**

وقتی که من به آن درگاه برسم و فروغ خورشید آن زیبایی بر من بتابد، خودم را هم فراموش می‌کنم، چگونه تو را در یاد داشته باشم؟

۱۱۷ - الف) بدون عشق زندگی معنی ندارد / زندگی بدون عشق مساوی با مرگ است. ۷۵

ب) شرط لازم و کافی برای عاشق شدن، از خود گذشتن و ترک تعلقات دنیایی است.



۱۱۸ -

**الف**

پابلو نرودا

**ب**

سید مهدی شجاعی

**پ**

شهاب‌الدین سهروردی

**ت**

علی شریعتی

۱۱۹ - گزینه «۲»: (وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند)

۱۲۰ - بیداری ستاره در چشم جویباران

۱۲۱ -

**الف**

لبخند گاه‌گامت صبح ستاره‌باران

**ب**

فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

۱۲۲ - لبخند گاه‌گامت، صبح ستاره‌باران

۱۲۳ - الف) تَضَمَّنَ / ب) تَنَاسَبَ / پ) تَرَادَفَ

۱۲۴ - گزینه «۱»: در این گزینه واژه «غریب» نادرست و به صورت «قریب» صحیح است.

۱۲۵ - فراق ← فراغ      تاق ← طاق      متبوع ← مطبوع

۱۲۶ -

**الف**

گشت‌وگذار

**ب**

نظاره

**پ**

صخره

**ت**

غربت

**ث**

حوزه

۱۲۷ - الف) صفت مضاف الیه      ب) ممیز

۱۲۸ -

**الف**

مسنند

**ب**

خون ضعیفان

**پ**

که

۱۲۹ -

**الف**

دسته‌گلی: مفعول (دسته گلی را در کنار بنایی نهاده بودند).

**ب**

همان: صفت اشاره

**پ**

خضر: نهاد (خضر، آیین طریق از نفس پیر مغان یافت).

**ت**

رنگین: مسند

۱۳۰ - گزینه «۱»: واژه «متر» ممیز است.

۱۳۱ - رنگین شدن از خون کنایه از مرگ آدم‌های بسیار

۱۳۲ -

**الف**

«نفس» مجاز از سخن

**ب**

«دنیا» مجاز از مردم دنیا / «روز» مجاز از دوره (زمان)

**پ**

«قلم» مجاز از نوشته و اثر

مَثَابُ آب خوردن ۲۰ بگیر

۱۳۳ - امید / توجه داشتن. رونق بخشیدن.

**الف**

بن

**ب**

کمانه

**پ**

مدرس

**ت**

گرمسیر

**ث**

ایل

۱۳۵ - بسیار: قید صفت

سطر: ممیز

۱۳۶ - الف) صفت مضاف الیه (ب) قید صفت

۱۳۷ - معطوف: دامن گسترمان

بدل: کویر

۱۳۸ - دست فروشان و دوره گردان شهر: نهاد

بساط شیرینی و حلوا: مفعول

راه ایل: متمم

- ۱۳۹

**الف**

«بزرگ»: صفت مضاف الیه؛ «اسلام»: مضاف الیه مضاف الیه

**ب**

«ادیب»: مضاف الیه مضاف الیه؛ «بزرگ»: صفت مضاف الیه

**پ**

«بلند»: صفت مضاف الیه؛ «آسمان»: مضاف الیه مضاف الیه؛ ضمیر «ش»: مضاف الیه مضاف الیه

**ت**

«آن»: صفت مضاف الیه؛ «دردمند»: صفت مضاف الیه

**ث**

«آن»: صفت مضاف الیه؛ «بی فریاد»: صفت مضاف الیه

**ج**

«آسفالت نشین»: صفت مضاف الیه؛ «شهر»: مضاف الیه مضاف الیه

۱۴۰ - الف) بر همان مَهر و نشان است: هیچ تغییری نکرده است.

ب) مزه اش را زیر دندان دارم: هنوز هم مزه اش را به یاد دارم.

ج) قند در دلم آب می شد: شدیداً مشتاق و علاقه مند می شدم.

د) اسم و رسم داشتند: مشهور بودند.

ه) حلقه به درها کوفتم: همه جا را جستجو کردم.

و) آب خوش از گلویش پائین نمی رود: لحظه ای شاد و بانشاط نیست، مدام غمه می خورد.

۱۴۱ - سرد با سوزان: تضاد

سرمای عمق کوه به یخچال تشبیه شده

سینه کویر: تشخیص

دل ارگ: تشخیص

سینه، دل، سر: تناسب

۱۴۲ - بازگشت مشتاقانه به وطن.

۱۴۳ - چون زیباییها را نمی توان با عقل دریافت (یا نگاه عقل گر ایانه به زیبایی، را از بین می برد)

۱۴۴ - اشاره به گریستن حضرت علی (ع) در حالی که سر درون چاه می برد.

۱۴۵ - از توانایی و قدرت و استقلال به ضعف و ناتوانی و وابستگی رسیدن

۱۴۶ - مبارز سیاسی، مهمان نواز، ثروتمند (ذکر دو مورد کافی است).

۱۴۷ - انتخاب تنهایی، گوشه گیری و انزوا برای زندگی.

- ۱۴۸

**الف**

تا برای خود زمین زراعتی کوچک حلالی بخرند و بتوانند بهتر و راحت تر زندگی کنند.

۱۴۹ - منظورش این است که رضاخان قبل از رسیدن به حکومت فرد شاخصی نبود بعد از تبعید هم از اعتبار افتاد و به فردی عادی تبدیل شد.

- ۱۵۰

**الف**

آسمان و ستارگان

**ب**

کهکشان



۱۵۱ -

الف

اهل علم و ادب، باایمان و خدایپرست

ب

در گذشته علم‌آموزی به‌سادگی در دسترس همگان بود اما امروزه کاری رسمی و پر از موانع و مشکلات است.

۱۵۲ -

الف

آن را درست شبیه عشق‌آباد ساخته‌اند.

ب

شاگرد بود که جست‌وجو و مقایسه می‌کرد و نهایتاً پیدا می‌کرد و مطیع استاد می‌شد.

پ

مشغول تماشا و محو این آسمانی بودم که ستارگان درخشان یک‌به‌یک از غیب پیدا می‌شدند و می‌درخشیدند.

ت

مزه آن شیرینی‌های باد و باران‌خورده را هنوز به یاد دارم.

ث

از شنیدن اسم شهر، بسیار خوشحال می‌شدم.

ج

مانند شاهین تیزپرواز در کرانه‌های آسمان پرواز می‌کردم. مثل زنبوری وابسته شدم و به گوشه‌ای خزیدم.

چ

آماده سفر شدم و به سوی قبیله [که زندگی واقعی من در آنجا بود] به راه افتادم و با اشتیاق به سوی بخارا حرکت کردم.

۱۵۳ -

الف

رضاشاه که به وسیله انگلیسی‌ها از یک خان به شاه تبدیل شده بود، تبعید شد و به همان مقام خانی خود برگشت. (قدرت عاریتی و دست نشانده بودن)

ب

دریای سبز معلق: آسمان کویر / مرغان الماس‌پَر: ستارگان

۱۵۴ - الف) زیرا همان‌طور که شعر و چنگ رودکی موجب حرکت امیر سامانی از هرات به بخارا شد، نامه برادرم باعث شد که نویسنده از شهر به روستا بازگردد.

ب) همراهی شعر با موسیقی در گذشته

۱۵۵ - الف) برزخ

ب) چشم‌داشت

۱۵۶ - پالیز: باغ، بوستان

۱۵۷ - کلمات هم‌آوا:

غربت: هم‌آوا ← قربت

۱۵۸ - «واو» ربط ← بی‌تابم و بی‌قرارم.

«واو» عطف ← من و تو

۱۵۹ - جمله، ۳ جزئی با مفعول است.

چشم‌ها چه را می‌دید؟

نهاد مفعول فعل

توضیح ← «دیدن» از افعال گذرا به مفعول است.

آنجا / در آن برزخ سرد / در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب ← همگی متمم قیدی هستند و جزء اصلی جمله به حساب نمی‌آیند.

۱۶۰ -

الف

۱) ... ابر گوهر (افشانی می‌کند) حذف فعل (افشانی می‌کند) به قرینه لفظی

۲) ... نوازشگری درمان‌بخش دردها (باشی) ← حذف فعل (باشی) به قرینه لفظی

۱۶۱ -

الف

نهاد

ب

قید

پ

متمم

ت

کل: مفعول - «ت» در دستت: مضاف‌الیه دست / «ت» در می‌کارمت: مضاف‌الیه چشم‌ها / «ت» در می‌بارمت: مضاف‌الیه دیده‌ها / دیده‌ها: متمم

۱۶۲ -

الف

دیروز اگر سوخت غم برگ و بار من و تو (در صورتی‌که «مصراع اول» یا «دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو» ذکر شود، نمره تعلق می‌گیرد.)

ب

ربط



الف

سوزاندن برگ و بار به وسیلهٔ غم: استعاره / برگ و بار استعاره از دلخوشی‌ها / باغ استعاره از کشور / بهار استعاره از آزادی

ب

مانند کردن «خود شاعر» به «رود»: تشبیه / دریا استعاره از رهایی و آزادی / امیدواری، بی‌تابی و بی‌قراری رود: استعاره

پ

با گل خواندن: استعاره (تشخیص)

ت

نسیم استعاره از حرکت جریان انقلابی / گل استعاره از علاقه و عشق به میهن / باغ استعاره از کشور / سحرخیز بودن نسیم: استعاره

ث

مانند کردن تو (تیرانا) به درختان بارور: تشبیه / کریم بودن دست‌ها: استعاره / سپاسگزاری از خورشید: استعاره

۱۶۵ - الف ← با بیت ۶ درس ارتباط دارد؛ مفهوم مشترک: آنچه از انسان باقی می‌ماند، نام و یاد و اعمال نیک است.

ب ← با بیت ۴ درس ارتباط دارد؛ مفهوم مشترک: با وجود سختی‌ها، آینده‌ای روشن در انتظار ماست.

۱۶۶ - شرح سؤال ← عبارت ۱- مفهوم عبارت‌های ۲ و ۳ نادرست است.

گزینهٔ ۲ ← توصیه به درویش‌نوازی و کمک به تهی‌دستان و درماندگان

گزینهٔ ۳ ← در مقابل بدی، نیکی کن - گذشت و عفو و انفاق

۱۶۷ - نیکنامی ← گزینه «د» ← در مصراع دوم به مانند نام نیک در دنیا اشاره دارد.

درویش‌نوازی ← گزینه «ج» ← بخشیدن به خستگان و گرفتاران

بخشندگی و ایثار ← گزینه «ب» ← اشاره به بخشش خورشید و ابر دارد.

بخشش بی‌مزد ← گزینه الف ← اشاره به بخشندگی زیاد مثل درختان بدون اینکه خواهسته‌ای داشته باشد.

۱۶۸ - گزینهٔ «ب» صحیح است.

عبارت صورت سؤال، ما را به درویش‌نوازی و فقیرنوازی توصیه می‌کند که همین مضمون در مصراع دوم بیت دیده می‌شود.

بررسی گزینه‌ها:

بیت اول ← کم کسانی هم هستند که در زمان بخشیدن به فکر سود مردم باشند و ضرر خود را بخواهند.

بیت سوم ← حرف از بخشایش و عفو است نه بخشندگی و ایثار.

→ خداوند نسبت به کسانی که مردم از دست آنها آسایش دارند، عفو و بخشش دارد.

۱۶۹ - ۱ ← در برابر بذر فتاری‌ها هم لطف و محبت کردن (نیکی در مقابل بدی)

۲ ← زخمهٔ سنگی ← استعاره از بذر فتاری‌ها و ناملیمات روزگار / میوه ← نماد و نشانهٔ نیکی و خوبی

۳ ← پاداش هر زخمهٔ سنگی ← «هر» وابستهٔ وابسته است ← صفت مضاف‌الیه

۴ ← در مقابل بدی‌ها هم نیکی کن.

۱۷۰ - منظور از پای‌فروندگان، گرفتاران و تهیدستان جامعه است که نیاز به دستگیری مردم دارند.

هدف کلی نویسنده ← کمک به درماندگان و تهیدستان جامعه را می‌ستاید و مخاطب را به درویش‌نوازی توصیه می‌کند.

۱۷۱ - منظور از «غربت باغ» ← دوران استبداد و خفقان است.

منظور از یک چمن داغ ← اندوه و غم مردم رنج‌کشیده و ستمدیده را بیان می‌کند.

۱۷۲ - جاودانگی نیکی، پاکی و زیبایی

۱۷۳ - الف) انقلاب و آزادی

ب) پیوستن به جریان انقلاب

۱۷۴ - بیت اول:

جان سپردن ← شهادت و مرگ (از مفاهیم محوری شعر و ادبیات انقلاب اسلامی)

باغ ← استعاره از جهان مادی (روزگار)

گل ← استعاره از خوبی‌ها

بیت دوم:

فصل شکوفایی ← دوران انقلاب و تجدید حیات و آغاز

بهار ← پیروزی و آزادی (استعاره)

۱۷۵ - شاعر در ابتدای بیت، جامعه را غرق در غبار غم و اندوه حاصل خفقان جامعه می‌بیند و برای زدودن این غم‌ها مردم را به سوی باران آزادی دعوت می‌کند تا از این غم‌ها

رهایی یابند.

قسمت دوم سؤال ← باران، نماد آزادی است.

الف

من از طبیعت یاد گرفتم که مثل درختان میوه‌دار - بدون اینکه کمترین خواهسته‌ای را به زبان بیاورم - با تمام وجود، سخاوت و بخشندگی داشته باشم.

ب

در هر تابستان با میوه‌های شیرین و سایهٔ آرام‌بخش برای خستگان، میزبانی بخشنده باشی و بتوانی برای مسافران آفتاب‌خورده، نوازشگری باشی که درد آنها را تسکین





۱۷۷ -

الف

«دیروز»: دوران پیش از انقلاب؛ «امروز»: دوران پس از انقلاب

ب

پر از اندوه هستیم.

پ

فضای پاک‌بخش انقلاب

۱۷۸ -

الف

بخشندگی بدون انتظار قدردانی

ب

نیکی کردن در برابر بدی دیگران

پ

سپاسگزاری از خداوند و آرامرد بودن و فریب نخوردن از دیگران

۱۷۹ - این دوره انقلاب متعلق به نسل ماست که در آن به شکوفایی و پیشرفت خواهیم رسید. برخیز تا با شهیدان که گل‌های سرخ انقلاب هستند، سرود بهار آزادی را بخوانیم.

۱۸۰ - شکوه و شکایت از اوضاع نابسامان جامعه قبل از انقلاب اسلامی (یا هر پاسخ درست دیگر)

۱۸۱ -

الف

تشبیه، زخم بدن جانباز را به نشان (مدال) تشبیه کرده است.

ب

تترسیدن از مرگ

پ

حیثیت مرگ (اضافه استعاری)

۱۸۲ - الف) تضاد      ب) تضمّن      پ) تناسب

۱۸۳ -

الف

شامه: حس بویایی / غریب: عجیب، شگفت‌آور

ب

حزین: غم‌انگیز

پ

انهدام: ویران شدن، فرو ریختن

۱۸۴ - الف) غریب = عجیب      ب) ذّله = خسته

پ) چفیه = سربند      ت) حفاظ = پناهگاه

ث) دنج = جای خلوت

۱۸۵ -

الف

نخاسته ← نخواسته

ب

حزم ← هضم

پ

نادرستی املائی ندارد.

ت

سراق ← سراغ

ث

روزه ← روضه

۱۸۶ - در گروه کلمات «خبر قابل ارض»، «عجیب و قریب» و «شبه و سایه» نادرستی املائی وجود دارد و شکل صحیح آنها به صورت «خبر قابل عرض»، «عجیب و غریب» و «شَبَح و سایه» است.

۱۸۷ - الف) پرسیدند، بودند: ماضی ساده / نخواهید بودند، باریده بود، برداشته بود: ماضی بعید

ب) گفتید: نتوانستید، پیچیدید: ماضی ساده / بمانید، بگیرم: مضارع التزامی / افتاده بودید: ماضی بعید.

۱۸۸ - بیت الف) جمله غیر ساده ندارد، چون حرف ربط وابسته‌ساز ندارد.

بیت ب) جمله غیر ساده دارد، به خاطر حرف ربط «که»

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

هسته      جمله وابسته

بیت ج) از اشتیاق کیست که چشم کشیده راه؟

هسته      وابسته

نکته: حرف ربط «که» وابسته‌ساز است.

۱۸۹ - شیرین ← صفت مضاف‌الیه

نا ← ممیز

آن ← صفت مضاف‌الیه



کربلا ← ممیز

عکس ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

+ در ترکیب‌های «شامه قوی شما - صدای مهیب آن - صدای کودکانه کلاش - آن شب عزیز» وابسته وابسته وجود ندارد.

۱۹۰ - شرح سؤال:

الف) تشخیص بوی حمله ← جمله ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه  
هسته مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ب) بالای تل خاکی ← خاکی ← صفت مضاف‌الیه  
هسته مضاف‌الیه صفت مضاف‌الیه

ج) رد صدای شما ← شما ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

نکته: «شامه قوی شما» در گزینه الف «وابسته وابسته» ندارد. چون پس از صفت وابسته وابسته نداریم.

۱۹۱ - م ← افتخارم ← مضاف‌الیه  
نقل

م ← خودم ← خود من ← مضاف‌الیه

ام ← دل خوشی‌ام ← دل خوشی من ← مضاف‌الیه

تان ← عکستان ← عکس شما ← مضاف‌الیه

تان ← سنگتان ← سنگ شما ← مضاف‌الیه

تان ← گلداتان ← گلدان شما ← مضاف‌الیه

م ← خاطراتم ← خاطرات من ← مضاف‌الیه

۱۹۲ -

**الف**

← دعای کمیل می‌خواندید از حفظ هم [می‌خواندید] ← حذف به قرینه لفظی

**ب**

← به زیر قلبتان [خورده بود] ← حذف به قرینه لفظی

**پ**

← این بار جگر خراش‌تر [گفتید] ← حذف به قرینه لفظی

۱۹۳ -

**الف**

که حرفتان را بشنوم.

**ب**

مفعول.

۱۹۴ - آخرین رمق‌هایشان را در آخرین فشنگ‌هایشان می‌ریختند. شان: ضمیر، مرجع ضمیر: رزمندگان

یک تیر هم به زانوی من خورد. من: ضمیر، مرجع ضمیر: نویسنده

۱۹۵ -

**الف**

رد صدا ← حس‌آمیزی

**ب**

بوی حمله ← حس‌آمیزی

**پ**

بوی التماس ← حس‌آمیزی

۱۹۶ -

**الف**

«دم»: مجاز از لحظه

**ب**

زمزمه لطیف: حس‌آمیزی

**پ**

«خورشید»: استعاره از سر شهید

**ت**

«دادگاه عشق»: تشبیه («عشق»: مشبه؛ «دادگاه»: مشبه‌به)

۱۹۷ -

**الف**

ماه

**ب**

زمزمه لطیف

ج) «۱»: ابهام

ب) «۴»: جناس تام

۱۹۸ - الف) «۲»: استعاره

۱۹۹ - گزینه «۴»: هر دو به یادآوری دوست و دلخوش بودن به خاطرات اشاره دارد.

۲۰۰ -

**الف**

**ب**

مضمون مشترک متن درس و این ابیات توصیف دلاوری‌های رزمندگان جنگ است.

۲۰۱ - برای یادآوری خاطرات شیرین مردم جهان.

۲۰۲ - با توجه به بیان عواطف شاعر نسبت به شهید، بهتر است که از لحن نرم و غنایی استفاده شود.

- ۲۰۳

**الف**

نور خورشید چشم‌هایتان را اذیت می‌کرد.

**ب**

به من امید بخشید، به سرعت برخاستم و به طرف شما دویدم.

**پ**

خبری که ارزش گفتن داشته باشد، نداشتم.

**ت**

گودالی که از برخورد گلولهٔ توپ در خاک ایجاد شده بود.

۲۰۴ - در بند نخست درس، نویسنده با بیان عباراتی چون «قلبم می‌لرزید، عرق کرده بودم...» مخاطب را برای ذکر رویدادی ناگوار و تلخ در ادامهٔ داستان آماده می‌کند.

۲۰۵ - سید مهدی شجاعی.

- ۲۰۶

**الف**

شکسپیر

**ب**

سید مهدی شجاعی

۲۰۷ - شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

- ۲۰۸

**الف**

تنیده یاد تو در تار و پودم میهن ای میهن

**ب**

از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه

۲۰۹ - یوسف بگو که هیچ نباید برون ز چاه

- ۲۱۰

**الف**

یا نه! سر بریدهٔ خورشیدِ شامگاه؟

**ب**

یا ماه بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟

**پ**

خورشید رفته است، سر شب، سراغ ماه

**ت**

یوسف، بگو که هیچ نباید برون ز چاه

**ث**

دارد اسارت تو به زینب اشارتی

**ج**

از دوردست می‌رسد آیا کدام پیک؟

**چ**

یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است

- ۲۱۱

**الف**

آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه

**ب**

خورشید، بی‌حفاظ نشسته به روی خاک؟

**پ**

ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد

- ۲۱۲

از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟

دارد استارت تو به زینب اشارتی

۲۱۳ - مرد و پدر: تضمن / ماه و خورشید: تناسب / گل و بلبل: تناسب

باد و مباد: تضمن / وصال و فراق: تضاد / اقرار و انکار: تضاد

کرم و بخشش: تضاد / هزارهز و غریب: تضاد / عظمت و شکوه: تضاد

سیر و پیاز: تناسب

۲۱۴ - معانی واژهٔ «اندیشه»

الف) اندیشه= ترس و هراس

معنی بیت ← هنگام شب تاریک به دشمن ناگهانی حمله می‌کنیم و از دل ترس و هراس پا پیرون می‌کنیم. (توجه به روابط معنایی واژگان: مترادف ترس و هراس)

ب) غلام عشق شو اندیشه این است

مَثَبُورْدَن ۲۰



اندیشه = تدبیر و چاره (فکر)

معنی بیت ← عاشق باش که این راه چاره است و این کار انسان‌های آگاه و صاحب‌دل است. (قرار دادن واژه در جمله: عاشق بودن راه چاره است.)  
(پ) چو بشیند خسرو ... روانش ز اندیشه آزاد گشت

اندیشه ← نگرانی و اضطراب

معنی بیت ← وقتی که خسرو (شاه) شنید شاد شد، روح و روانش از نگرانی آزاد شد. (توجه به روابط معنایی واژگان: تضاد شاد و اندوه)

۲۱۵ - الف) کازیه (ب) غربت (ج) خوار

۲۱۶ - تناول (نادرست): تناول (درست)

غربت (نادرست): غربت (درست)

۲۱۷ - مضاف‌الیه

۲۱۸ -

**الف**

رسم پهلوانی

**ب**

اضافی: فرزند کاووس یا رسم پهلوانی

وصفی: شاه کیانی

**پ**

بدل

۲۱۹ - ترکیب‌های وصفی: یزدان نیکی‌دهش - این کوه - همه دشت - آن چهر - چهر خندان

ترکیب‌های اضافی: نیروی یزدان - کوه آتش - خندانش (خندان او)

۲۲۰ - الف) نیکی‌دهش: صفت/ تپش: مفعول

(ب) حلقه به گوش (۱): صفت/ لطف: مفعول

بیگانه: نهاد/ حلقه به گوش (۲): مسند

۲۲۱ - الف) گناه (گناهکار): مسند // م (من را نگاه ندارد): مفعول

(ب) قبا: معطوف به نهاد // کنار: متمم

(ج) گفت‌وگو: مفعول // سنگ: مفعول

۲۲۲ -

**الف**

«شهریار»، مسند است.

**ب**

فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنوی حذف شده (همان به است).

۲۲۳ - رخ شاه کاووس ← مفعول / پر شرم ← مسند / دید ← فعل

سخن گفتنش ← مفعول / نرم ← مسند / دید ← فعل

نهاد در هر دو جمله محذوف است.

۲۲۴ -

**الف**

پارا دوکس

**ب**

اسلوب معادله

**پ**

حسن تعلیل

**ت**

مجاز

۲۲۵ -

**الف**

«آمدن شب به روز»: کنایه از تاریک شدن

**ب**

«پرخون بودن دیده»: کنایه از گریه بسیار

۲۲۶ -

**الف**

«چرخ»: استعاره از آسمان

**ب**

«کوه آتش»: تشبیه («آتش»: مشبّه؛ «کوه»: مشبّه‌به)

**پ**

«ساروان» و «کاروان»: جناس ناهمسان (ناقص)

۲۲۷ -

**الف**

«ایمن نگشتن دل» و «روشن نگشتن روان» کنایه از بدگمان شدن و اطمینان نداشتن



ب

دل شستن کنایه از صرف نظر کردن، رها کردن

پ

بریان شدن کنایه از ناراحت و غمگین شدن / گریان شدن کنایه از غمگین و ناراحت شدن

۲۲۸ - ۱) اغراق (۲) تلمیح (۳) حسن تعلیل

۲۲۹ - الف و ب صحیح است.

در هر دو مورد به توجه شاه به مردم و وابستگی حکومت به مردم اشاره شده است. در گزینه (ج) به ظلم بر مردم اشاره دارد که باعث نابودی حکومت است.

۲۳۰ - با ابیات الف و ج ارتباط دارد.

در بیت سؤال سیاوش از تهمت رسوایی و بدنامی می‌خواهد از آتش عبور کند تا پاکی خود را ثابت کند. در گزینه‌های الف و ج هم به پاک بودن و پاکدامنی در دنیا اشاره دارد.

۲۳۱ - اگر یکی از این دو نفر (سیاوش و سودابه) گناهکار باشد، دیگر کسی او را پادشاه نمی‌داند.

۲۳۲ - گزینه ۱

۲۳۳ - لطف و عنایت حق، انسان را از آسیب‌ها در امان نگه می‌دارد. (آتش سوزان مثل آب، سرد می‌شود)

۲۳۴ - معنی ← وقتی مردم دیدند که شاه جوان (سیاوش) از آتش (به‌سلامتی) بیرون آمد، داد و فریاد شادی سر دادند.

مفهوم ← بی‌گناهی سیاوش اثبات شد.

۲۳۵ -

ازین تنگ خوار است اگر بگذرم

قهرمانی ← اگر کوه آتش بود بسپرم

جهانی نظاره شده هم‌گروه

خرق عادت ← نهادند بر دشت هیزم دو کوه

از آن پس که خواند مرا شهریار؟

ملی ← کزین دو یکی گر شود نابه‌کار

۲۳۶ - سیاوش

۲۳۷ - گزینه‌های ب و ج نادرست است.

ب) شادی مردم به خاطر اثبات پاکدامنی سیاوش است.

ج) از اسب پایین آمد و تعظیم کرد.

۲۳۸ - الف - مرگ مردم دریافت نمی‌شود.

۲۳۹ -

الف

به اندازه دو کوه (بسیار زیاد)، هیزم در دشت جمع کردند و جمعیت فراوانی همه با هم به آن خیره شده بودند.

ب

و اگر که در این کار، گناهی مرتکب شده باشم، خداوند مرا حفظ خواهد کرد.

پ

دارایی مردم را به زور و ستم از آنها گرفته بود و ظلم و آزار بر خلق را آغاز کرده بود.

ت

پادشاهی که بنای کار را بر ظلم و ستم قرار داد، پایه سلطنت خود را سست کرده است.

۲۴۰ -

الف

ایمان به یاری خدا / شجاعت

ب

سرعت و شجاعت

پ

بلندی و انبوهی آتش

ت

نگرانی مردم / اعتقاد به بی‌گناهی سیاوش

۲۴۱ - گذر از آتش برای پیدا شدن گناهکار از بی‌گناه

۲۴۲ - زمینه ملی

۲۴۳ - آزر و حیا - خوار و بی ارزش

۲۴۴ - اتراق - چاه غدر - آزر و حیا - عصاره تاک

۲۴۵ - حول - هول / ذال - زال / خرده - خورده / بحر - بهر

۲۴۶ - الف) واژه «غصه» نادرست و شکل صحیح آن «قصه» است.

ب) واژه «ایار» نادرست و شکل صحیح آن «عیار» است.

پ) واژه «حول» نادرست و شکل صحیح آن «هول» است.

ت) واژه «قدر» نادرست و شکل صحیح آن «غدر» است.

۲۴۷ - گروه‌های «صورت و تندی» و «حیله و تزویر» و «طاق و بی‌همتا» است.

۲۴۸ -

الف

یادبود

**ب**

صفت

- ۲۴۹

**الف**

بدل

**ب**

عطف

**پ**

جمع

۲۵۰ - هفت خوان / زادسرو مرو / آن گرمی مرد  
صفت شمارشی هسته هسته مضاف‌الیه صفت اشارصفت بیانی هسته

آن هریوه خوب و پاک‌آیین / خوان هشتم  
صفت اشاره هسته صفت بیانی صفت بیانی هسته صفت شمارشی

۲۵۱ - مروارید ← مضاف‌الیه لبخند ← نهاد  
بی‌شرمانه ← مستند پست ← بدل از مستند  
هیچ ← مفعول این تزویر ← نهاد

۲۵۲ - کمند ← کمند را بگشاید  
مفعول

خویش ← مضاف‌الیه

گیره ← متمم به حرف اضافه محذوف

فراز ← قید

- ۲۵۳

**الف**

هر: صفت مبهم

**ب**

ش: مضاف‌الیه

۲۵۴ - الف) ک تک تصغیر (ب) ک تحبیب

- ۲۵۵

**الف**

حس‌آمیزی

**ب**

مجاز

۲۵۶ - ترکیب‌های اضافی:

«چاهسار گوش - چاه غدر - گلیم تیره‌بختی - کتاب عشق - صدف عنایت - بنات نبات - مهد زمین»

- ۲۵۷

**الف**

خداوند در اینجا به معنی صاحب و دارنده.

**ب**

کلید گنج مروارید ← لبخند

**پ**

مروارید ← دندان

- ۲۵۸

**الف**

مانند کردن «زهر شمشیر و نیزه» به «آب چاه»: تشبیه

**ب**

مانند کردن «همگنان به صدف» و مانند کردن «مرد نقال به مروارید»: تشبیه

**پ**

مانند کردن «دم» به «حدیث آشنا»: تشبیه

**ت**

مانند کردن هیچ به پوچ: تشبیه

**ث**

مانند کردن نگاه به خنجر: تشبیه

- ۲۵۹

**الف**

از پا تا سر گوش بودن کنایه اغراق آمیز از با دقت گوش کردن

**ب**

خوابیدن کنایه از مردن

**پ**

گم شدن کلید گنج مروارید کنایه از نختنیدن

**ت**

«بدوزد» و «دوخت» کنایه از کشتن



**ث**

خون گرم بودن کنایه از مسمی و مهربان بودن

۲۶۰ - ۱) اسلوب معادله (۲) ایهام در واژه نابردار: ۱- برادر ناتنی ۲- ناجوانمرد (۳) حس آمیزی در نرم سخن گفتن (۴) جامعه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن (۵) حسن تعلیل

۲۶۱ - الف) ۵ یا حسن تعلیل ، ب) ۱ یا اسلوب معادله ، ج) ۴ یا اغراق ، د) ۲ یا تلمیح  
۲۶۲ - بیت‌های (ب و ج)

الف) تشبیه ← نگاه مثل خنجر / استعاره ← باریدن سبزه / نگاهش مثل خنجر بود کنایه از ← از تنفر زیاد

ج) تشبیه ← لیخند به کلید گنج مروارید / مروارید ← استعاره از دندان / کنایه ← نخندیدن

۲۶۳ - بیت سؤال اشاره دارد به اینکه دنیا همیشه با درد و رنج همراه است و گاهی پشت یک رهایی و خلاصی از مشکلی، مشکل بزرگتری وجود دارد. (بی‌ارزش بودن و خیانتکاری دنیا و از چاله به چاه افتادن)

متن درس نیز به این نکته اشاره دارد که رستم بعد از رهایی از هفت‌خوان، گرفتار نیرنگ و توطئه برادر شد و در این راه جان باخت. در واقع، نباید دلبسته اتفاقات خوشایند زندگی شد.

۲۶۴ - شعری که فقط به زیبایی ظاهری توجه می‌کند و به محتوا بی‌توجه است. (متعهد نیست)

۲۶۵ - داستان‌های شاهنامه (حماسه ملی ایران)

۲۶۶ - رستم، مرگ یا چاهی که شغاد حفر کرده بود.

- ۲۶۷

**الف**

شعری که فقط زیبایی ظاهری دارد (با شعری که به محتوا توجه ندارد).

**ب**

معیاری برای سنجش مردانگی و نامردی

۲۶۸ - بیت ب: که به سختی خوان هشتم و مرگ رستم اشاره دارد.

و رهایی از خوان هشتم (تزویر و ریا) سخت‌تر از خوان‌های دیگر است.

- ۲۶۹

**الف**

این شعر من داستان دردها و بدبختی‌های جامعه است و سرنوشته دردمند مردی است که به خون سیاوش‌ها و سهراب‌ها و تختی‌ها آغشته شده است.

**ب**

شعر خوان هشتم بدون محتوا نیست که ظاهر ادبی و زیبایی داشته باشد بلکه سرشار از واقعیت‌هاست و بی‌ارزش نیست.

**پ**

رستم همیشه خنده به لب داشت چه روز دوستی و صلح و چه زمان جنگ که برای دشمن و نابودی آن قسم می‌خورد.

**ت**

ای میهن در دل به جز تو به کسی عشق و محبت ندارم، من این دلم را امتحان کردم و مطمئن شدم.

- ۲۷۰

**الف**

ای میهن تو مرا به وجود آوردی و با عشق مرا تربیت کردی، تمام وجودم فدای تو باد.

**ب**

ای میهن در مستی و هوشیاری و در خواب و بیداری (در هر حالتی) فقط به تو توجه دارم و عاشق تو هستم.

**پ**

رخش آن یار یکتای عزیز و آن بی‌همتا و بی‌مانند، رخس درخشنده ... داشت می‌مرد.

**ت**

از صدای مرد نقال ناله و زاری می‌آمد و نگاهش مثل خنجر تیز بود (بیانگر تنفر از حيله).

- ۲۷۱

**الف**

برای زیبایی ادبی نیست بلکه سرشار از حقایق و محتواست.

**ب**

کنایه از درد و رنج مردم ایران.

**پ**

اشاره دارد به ناحق کشته شدن سیاوش و سهراب و در اینجا به مرگ ناحق رستم.

**ت**

ملی بودن و حماسی بودن.

۲۷۲ - الف) خورشید رفته است سر شب سراغ ماه

ب) تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی

۲۷۳ - به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم

- ۲۷۴

**الف**

بُود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن!

**ب**

به هر حالت که بودم یا تو بودم میهن ای میهن!

**پ**

اگر مستم اگر هشیار، اگر خوابم اگر بیدار



۲۷۵ - الف) به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم  
(ب) تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی

۲۷۶ -

**الف**

سرزنش، ملامت، تندی

**ب**

قوی، نیرومند، عجیب، شگفت‌آور، فوق‌العاده

۲۷۷ - هدهد: پوپک، شانه‌به‌سر، نام پرنده‌ای، مرغ سلیمان

افسر: تاج

اکناف: جمع کَنَف، اطراف، کناره‌ها

گیتی: دنیا، جهان

۲۷۸ - تفرید: فرد شمردن و یگانه دانستن خدا، کناره گرفتن از خلق و تنها شدن. دل خود را متوجه حق کردن، دل از علایق بریدن و خواست خود را فدای خواست ازلی کردن. تجرید: تنهایی گزیدن، ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی. خالی شدن قلب سالک از آنچه جز خداست.

۲۷۹ -

**الف**

طلب: اولین قدم در تصوف طلب است و آن، حالتی است که در دل سالک پیدا می‌شود و او را به جست‌وجوی معرفت و حقیقت وا می‌دارد.

**ب**

دعوی: ادعا، ادعای خواستن یا داشتن چیزی / معنا: مقصود، مراد

**پ**

تجرید: تنهایی گزیدن، ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرب به خداوند.

**ت**

مصاحبت: هم‌نشینی، هم‌صحبت داشتن

**ث**

وجه: [در اینجا] مقدار، اندازه / زاد: خوراک اندک، توشه

**ج**

زاد: [در اینجا] سن و سال، عمر / اولی: شایسته

**چ**

مقالات: جمع مقالت؛ گفتارها، سخنان

۲۸۰ -

**الف**

شیدا: عاشق، دلدا

**ب**

افسرده: منجمد، سرمازده

**پ**

طرف بالای مجلس، جایی از اتاق و مانند آن که برای نشستن بزرگان مجلس اختصاص می‌یابد؛ مجازاً ارزش و اعتبار

۲۸۱ - مساحبت ← مصاحبت / مخاسمت ← مخاصمت / آخر الامر / زاد ← خُردن ← خوردن / موطع ← موضع

۲۸۲ - واژه‌های «ذوال»، «استقنا» و «مخاسمت» نادرست و شکل صحیح آنها «زوال»، «استغنا» و «مخاصمت» است.

۲۸۳ - بلندترین کوه روی زمین، بدل

۲۸۴ - گزینه «پ» درست است.

«را» در این گزینه، فک اضافه است.

اما در دیگر گزینه‌ها، «را» حرف اضافه و به معنی «برای» است.

گزینه «الف»: برای این ره، شیرمردی شگرف باید «لازم است»

گزینه «ب»: چون بود که برای اقلیم ما شاه نیست.

گزینه «ت»: آب خوش و گوارا بدون تشنگی، ناگوار است؛ بنابراین، آب گوارا برای کسی که تشنه نیست، ناپسند و ناگوار است.

۲۸۵ - دو فعل: «بود» و «م» در «آگاهم» اسنادی هستند.

«گشتن» در عبارت بالا در معنی اسنادی به‌کار نرفته است.

۲۸۶ - تقدّم فعل بر مسند (فتا) در جمله دوم - تقدّم فعل بر متمم (خود) در جمله سوم

۲۸۷ - پرنده دانا: بدل - یاران، اکناف: معطوف - آگاه: تکرار

۲۸۸ - سخن به میان آوردن کنایه از سخن گفتن، آغاز کردن سخن / باز ایستادن کنایه از صرف نظر کردن / زبان گشودن کنایه از سخن گفتن / زبان به پوزش گشودن کنایه از پوزش و معذرت خواستن / هموار کردن کنایه از تحمل کردن، آسان کردن

۲۸۹ - واژه «صدر» در معنی مجازی به‌کار رفته است:

معنی حقیقی: طرف بالای مجلس، جایی از اتاق که محل نشستن بزرگان مجلس است.

معنی مجازی: ارزش و اعتبار.

۲۹۰ - گزینه (ب)؛ سرد بودن آتش

۲۹۱ - تلمیح به ماجرای رانده شدن طاووس از بهشت





۲۹۲ - گزینه «۱»

۲) در بیت این گزینه، مصراع دوم، مصداقی برای مصراع اول است.

۳) سنگ بر سبزو زدن: کنایه از توبه کردن از شراب خوردن

۴) تشبیه عاشق به آتش

۲۹۳ - ۱) دو تشبیه در بیت دیده می‌شود: «هشت جنت» مثل «مرده» و «هفت دوزخ» مثل «بیخ» است.

۲) در مصراع دوم «پارادوکس» دیده می‌شود.

۳) «هفت و هشت» تناسب دارند.

۴) «جنت و دوزخ» تضاد دارند.

۲۹۴ - الف) وادی حیرت (ب) وادی استغنا

۲۹۵ - ۱ - ب (وادی توحید) ۲ - ج (وادی طلب)

۲۹۶ - الف) انسان‌هایی که عاشق حقیقی نیستند و به عشق‌های دنیوی و ناپایدار دل بسته‌اند.

ب) پیر و مرشد و راهنما

۲۹۷ - انسان‌های بسیاری عاشق و شیفته سیمرغ هستند؛ در حالی که نه او (سیمرغ) دست‌یافتنی است (عاشق امکان وصال ندارد.) و نه ما می‌توانیم دوری او را تحمل کنیم. (توان

صبر نیز نداریم.)

۲۹۸ - (در این مرحله) موجودات (به ظاهر) جاودانی را می‌بینی که در برابر خورشید حقیقت (خداوند) محو و نابود می‌شوند.

۲۹۹ - هر دو بیت به سختی‌های راه عشق و خطرات مسیر آن اشاره دارد.

۳۰۰ - نماد «رنگارنگی، نگارگری و نقاشی» است.

۳۰۱ - وادی فنا: فی‌الله (آخرین وادی)

۳۰۲ - ترک مقام و قدرت و ثروت (ترک تعلقات دنیوی).

۳۰۳ - وادی «حیرت» که بعد از وادی «توحید» است.

۳۰۴ -

**الف**

هم‌قطار: هر یک از دو یا چند نفری که از نظر درجه، رتبه و یا موقعیت اجتماعی در یک ردیف هستند.

**ب**

وعده بگیر: دعوت کن

**پ**

عاریه: آنچه از کسی برای رفع حاجتی بگیرند و پس از رفع نیاز، آن را پس دهند.

**ت**

تک و پوز: دک و پوز به طنز، ظاهر شخص به ویژه سر و صورت

**ث**

وَجَنَات: صورت، چهره

**ج**

غیرمترقبه: غیرمنتظره، ناگهانی

**چ**

امتناع: پرهیز کردن

**ح**

زواید: جمع زانده، هر چیزی که جز اصلی نباشد. / متروک: ترک شده

**خ**

بحبوحه: میان، وسط

**د**

خُمرة: ظرفی به شکل خُم و کوچکتر از آن

**ذ**

میهورت: سرگردان، حیرت زده

۳۰۵ - عمارت

۳۰۶ - بند پنجم: معهود، اعلا، عیال، دیلاق

بند یازدهم: مخیله، نشخوار، احد

۳۰۷ - بقولات - مطاع

۳۰۸ -

**الف**

امروز بیشتر از این به ما بخورانید.

**ب**

درزی ازل به قامت زیبایی جناب ایشان دوخته بود.

۳۰۹ - «رأس»: وابسته و وابسته از نوع ممیز

۳۱۰ - آقا / خان

۳۱۱ -

**الف**

نقشه ما دارد عملی می‌شود.

**ب**

خیلی متعجب شدم.

۳۱۲ - الف) فرصت صحبت را از همه گرفته است (بر همه مسلط شده است).  
ب) دریافته بود، نفهمیده بود.

۳۱۳ - پشت دست داغ کردن: توبه کردن، پشیمان شدن  
سماق مکیدن: منتظر بودن، انتظار بیهوده کشیدن

چند مرده حلاج بودن: چه میزان توانایی داشتن

۳۱۴ - کار مفید و ارزشمند را افراد باتجربه و سَن انجام می‌دهند.

۳۱۵ - ۱ - کباب غاز ← محمدعلی جمال‌زاده

۲ - سندبادنامه ← ظهیری سمرقندی

۳ - ارمیا ← رضا امیرخانی

۴ - منطق الطیر ← عطار نیشابوری

۳۱۶ - الف) درست است.

«چند مرده حلاج بودن» کنایه از «چقدر» توانمند بودن» است.

ب) نادرست است.

۱ - چند مرده حلاج بودن ← (چقدر) توانمند بودن.

۲ - از زیر سنگ هم شده ← انجام کاری را - هرچند سخت و دشوار - خواستن.

۳ - به هر قیمتی ← هر طور که ممکن باشد، انجام کاری را - به هر شیوه‌ای - خواستن

۳۱۷

**الف**

مهمان‌ها به شدت در رودر بایستی گیر کردند.

**ب**

(نمی‌دانم) بحث را به کدام طرف می‌خواهم سوق دهم.

**پ**

با حالت درماندگی پرسیدم: با این بیچارگی چه کار باید بکنم.

**ت**

در خوردن غذا تلاش زیاد و کاملی داشتند (همگی زیاد می‌خوردند)

**ث**

وقتی آن را در ذهنم بررسی کردم.

**ج**

انگار لباسی بود که خداوند متناسب با اندام ایشان دوخته است. (لباس کاملاً اندازه‌اش بود)

**چ**

در اواخر عمر خود [ایشان] با بنده انس و دوستی پیدا کرده بودند و هم‌خانه و صمیمی شده بودیم.

۳۱۸

**الف**

آلفونس دوده

**ب**

رضا امیرخانی

۳۱۹ - ۱ - گذارم ۲ - غایی (به معنای نهایی و آخرین) ۳ - حوزه ۴ - بغض

۳۲۰ - الف) مکان (مکان زندگی مردم دیلم) ب) سازندهٔ صفت فاعلی

۳۲۱ - الف) شباهت (مانند کوه) ب) نسبت (متسوب به کاهه)

۳۲۲

**الف**

وصفی

**ب**

مسنند

**پ**

دستان من یا پاییز یا کنارهٔ دریا

**ت**

مضارع التزامی

۳۲۳

۱ - بهار + ان ← پسوند زمان

۲ - خاور + ان ← پسوند مکان

۳ - بابک + ان ← پسوند نسبت

۴ - خند + ان ← پسوند حالت

نکته: راه تشخیص «ان» در مفهوم پسوند از حروف اصلی کلمه این است که «ان» را حذف کنیم. اگر کلمه بدون «ان» باز هم دارای معنا بود، پس «ان» بیانگر پسوند است.

(می‌تواند پسوند حالت، زمان، مکان، شباهت و... باشد) در غیر این صورت جز حروف اصلی کلمه به شمار می‌رود.



۳۲۴ - بی «سراجام گفت ایمن از هر دوان / نگردد مرا دل، نه روشن روان» (دوان)

۳۲۵ - اگر: وابسته‌ساز      اما: هم‌پایه‌ساز

- ۳۲۶

**الف**

خنده به گلی تشبیه شده که از ویژگی‌های آن شکفتن است.

**ب**

تشبیه (خنده به شمشیر)

- ۳۲۷

**الف**

«نان»: مجاز از خوراک؛ «هوا»: مجاز از نفس کشیدن

**ب**

«تاریک‌ترین لحظه‌ها»: حس‌آمیزی

**پ**

«گشتی تندرو خیال»: تشبیه («خیال»: مشبّه: «گشتی تندرو»: مشبّه‌به)

۳۲۸ - شادی معشوق (وطن) به شاعر امید زندگی و قدرت مبارزه می‌بخشد.

۳۲۹ - شمشیر برکشیده یا آماده / خنده

۳۳۰ - شاعر (پابلو نرودا) در این شعر از ارزش و قدرت خنده و روحیه صحبت می‌کند که در سختی‌ها و حتی جنگ‌ها همچون سلاحی مستحکم و کارآمد به کمک انسان‌ها می‌آید.

- ۳۳۱

**الف**

معشوق من، خنده تو در غم‌انگیزترین لحظه‌ها آشکار می‌شود.

**ب**

ستارگان را می‌بینم که راه هزاران ساله را درون آسمان‌ها طی می‌کنند تا به مقصد نهایی سفر خود برسند.

**پ**

می‌خواهم به آنجایی بروم که خداوند آن را مرز دنیای آفرینش قرار داده است و دیگر در آن، هیچ جاننداری وجود ندارد.

**ت**

ای خیال بلندی‌خواه من، مانع پرواز بال‌های عقاب‌مانند خود شو. (بلندپروازی را رها کن.)

۳۳۲ - الف) درست      ب) نادرست

دری به خانه خورشید: سلمان هراتی

۳۳۳ - در حیاط کوچک پاییز در زندان: اخوان ثالث

- ۳۳۴

**الف**

کافی، بستنده

**ب**

ویژگی خطی که درشت و واضح باشد و از دور دیده شود.

۳۳۵ - مایه

۳۳۶ - وابسته‌ساز: که؛ هم‌پایه‌ساز: اما

۳۳۷ - آگاه: مستند

۳۳۸ - در هر دو مورد فعل حذف شده است.

۱- حذف فعل به قرینه لفظی است. تو از آن منی و من از آن تو (هسته)

۲- حذف فعل به قرینه معنوی است. امروز خورشید در دشت آیین‌دار من و تو (است)

- ۳۳۹

**الف**

سرود / زبان

**ب**

خاک / وداع

**پ**

اثنا

**ت**

دل

**ث**

راه

- ۳۴۰

۱- دست زمان ← شاعر زمانه را به انسانی تشبیه کرده است که دست دارد؛ اما چون انسان ذکر نشده است این ترکیب اضافی را اضافه استعاره می‌دانیم. چون شاعر ویژگی انسانی برای زمانه قائل شده است، پس آرایه تشخیص هم موجود است.

۲- عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند ← شاعر دیدن را برای عشق ذکر کرده است.

۳۴۱ - صدای گرم: حس‌آمیزی

۳۴۲ - «با لطف و نرمی گفت» آرایه حس‌آمیزی دارد.



۳۴۳ - «ده»: مجاز از مردم ده؛ «خوابی برای کسی دیدن»: کنایه از نقشه کشیدن برای او؛ «با نرمی گفتن»: حس آمیزی

۳۴۴ - معشوق را همواره جوان می‌بیند، پیری برای عشق جاودانی مهم نیست.

۳۴۵ - هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو»، درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

۳۴۶ - توصیف‌ناپذیری عشق و ویژگی‌های معشوق

۳۴۷ - ظاهر بین نبودن عاشق (یا هر پاسخ درست دیگر)

۳۴۸ - پاسداری از زبان ملی یا زبان ملی

- ۳۴۹

هر کس که سوز عشق نداشته باشد، از انسانیت به دور است. انسان بی‌خبر از عشق، تنها از جسم مادی برخوردار است و از روح انسانیت بی‌بهره است.

سخن را با برخورداری از عشق آنچنان تأثیرگذار کن که حتی آتش با آن همه سوزناکی از آن، گرما را گدایی کند.

نشانی از عشق را بر پیشانی دلم بگذار و دلم را عاشق کن و به زبان من قدرت بیان آتشین و تأثیرگذار ببخش.

فکر و اندیشه من مانند راهی تاریک است که هیچ روشنایی در آن نیست. خدایا از تو می‌خواهم تا با لطف خود نوری به اندیشه من ببخشی.

اگر لطف تو به اندیشه من نور و بصیرتی بخشد، هیچ بهره‌ای از فکر و گنجینه معرفت نخواهم داشت.

در این راه بسیار سخت عشق و امیدواری، جز لطف و عنایت تو چیز دیگری نمی‌خواهم.

(ب) رضا امیرخانی

۳۵۰ - الف) آلفونس دوده

الف

ب

پ

ت

ث

ج





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌هایی از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی رشت

محمد امین پور نصیری  
پزشکی رشت



آرین بهادری  
پزشکی رشت



مهرانه احمد نژاد  
پزشکی رشت



کیمیاهرسیج  
پزشکی رشت



آرتین ظفری  
پزشکی رشت



امیر رضا بخشی  
پزشکی رشت



علی جلوه  
پزشکی رشت



مهدیه آقایی کزاده  
پزشکی رشت



علی چوکار  
دندانپزشکی رشت



امیر محمد دشتیان  
پزشکی رشت



امیر حسام حیدری  
پزشکی رشت



علی محسرهیزلاده  
پزشکی رشت



سید ارحام مهدی زاده  
دندانپزشکی رشت



مهدیه طالسی پریخانی  
دندانپزشکی رشت



سروین شریفیان  
دندانپزشکی رشت



آرمین لاریجانی  
دندانپزشکی رشت



فاطمه خاصه خوان  
پزشکی رشت



محمد مهدی رمضانپور  
پزشکی رشت



یاس واسع خاوری  
داروسازی رشت



آرین احمدی کلاهی  
دندانپزشکی رشت



تینا حسینی  
پزشکی رشت



امیر علی محمدی  
پزشکی رشت



مهدیه رضایی  
پزشکی رشت



علیرضا مرادجو  
پزشکی رشت



ماند هزارعی  
پزشکی رشت



عادلّه علیزاده  
پزشکی رشت



فاطمه اسدزاده  
پزشکی رشت



زینب داوری  
پزشکی رشت



محمد صادق رضایی  
پزشکی رشت



معصومه شفاعت  
پزشکی رشت



ریحانه شعبان زاده  
پزشکی رشت



کیارش قنوعی رستگار  
پزشکی رشت



یگانه اسمعیلی  
دندان پزشکی رشت



آیدا عباس آبادی  
دندان پزشکی رشت



حنانه گنجی  
دندان پزشکی رشت



راضیه سیدزاده  
پزشکی رشت



ارغوان مقربوی  
فیزیوتراپی رشت



فاطمه تقفی  
فیزیوتراپی رشت



یونس پیران  
داروسازی رشت



مهشید پورحاجی  
داروسازی رشت





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی قزوین

ستایش داریوش

پزشکی قزوین



ساغر عالی‌نژادیان

پزشکی قزوین



مژده نظامی

پزشکی قزوین



آی‌دا صالحی

پزشکی قزوین



علی شهبازی

پزشکی قزوین



سپهر پورسلیمی

پزشکی قزوین



عرفان نیک‌بخش

پزشکی قزوین



احمد رضا خسروی

پزشکی قزوین



رویسا هرابی

پزشکی قزوین



محمد جواد نقی‌لو

پزشکی قزوین



کیاناخنجری

دندانپزشکی قزوین



محمد مهدی یونسی

دندانپزشکی قزوین



علیرضا علیجانی

دندانپزشکی قزوین



امیر حسین نژاد

دندانپزشکی قزوین



فاطمه شاهی

پزشکی قزوین



صهبا بخشعلی‌زاده

دندانپزشکی قزوین



علی دوست‌محمدی

پزشکی قزوین



فاطمه حسنقلی

پزشکی قزوین



مجتبی‌محبی

پزشکی قزوین



ابوالفضل عرب‌سلمانی

پزشکی قزوین



محمد مهدی اشرفی

پزشکی قزوین



امیرعباس چگینی

پزشکی قزوین



مانیا کریم‌پور

پزشکی قزوین



شیدارحمانی

پزشکی قزوین



مصطفی حسامی

پزشکی قزوین



آتنا روحی

دندانپزشکی قزوین





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌هایی از افتخارات و رتبه‌برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی همدان

امیرمحمدجعفری  
پزشکی همدان



سروش قلندری  
پزشکی همدان



ابوالفضل جوانمرد  
پزشکی همدان



سیده رقیه فضیلت  
پزشکی همدان



زینب فاطمی  
پزشکی همدان



نگین جمعه‌گی  
پزشکی همدان



نگین نیازی  
پزشکی همدان



امیدسامی  
پزشکی همدان



محمد مهدی عنایت‌نید  
پزشکی همدان



زهرالعبدی  
پزشکی همدان



رامتین رسولی  
پزشکی همدان



رضاکوشکی  
پزشکی همدان



سیده کژین شریعتی  
پزشکی همدان



ثنا ابراهیم‌خانی  
پزشکی همدان



آرش گودرزی  
پزشکی همدان



محمد امین قمبری  
پزشکی همدان



طیبه شریفی  
پزشکی همدان



آصف‌اسماعیلی  
پزشکی همدان



محمد امین محمودوند  
پزشکی همدان



علی محمودی  
پزشکی همدان



ریحانه سلیمانی‌نیا  
دندانپزشکی همدان



زهراسادقی  
پزشکی همدان



مجتبی اعتباری  
پزشکی همدان



مهديه امیدی‌نژاد  
پزشکی همدان



نرگس جعفری  
دندانپزشکی همدان



امیرحسین گودرزی  
دندانپزشکی همدان



رضاشاوردی  
دندانپزشکی همدان



محمیادرویشی  
دندانپزشکی همدان



محمد بهمنی  
دندانپزشکی همدان



امیرحسین کریمی  
دندانپزشکی همدان



لاراپاک‌سرشت  
دندانپزشکی همدان



سحر صالحی  
دندانپزشکی همدان



مریم حاجی‌حسینلو  
فیزیوتراپی همدان



درسا حسین‌زاده  
فیزیوتراپی همدان



ریحانه ادیبی‌سده  
داروسازی همدان



زهرا افشار  
داروسازی همدان



پردیس گراوند  
پزشکی همدان



محمد مهدی نوروزی  
پزشکی همدان



سید مبین سبحانی  
پزشکی همدان



محمد حسین سلیمانی  
پزشکی همدان



نرگس خوشبوئی  
پزشکی همدان



زهرا سهرابی  
پزشکی همدان



فائزه مسلمی  
پزشکی همدان



رضوان گرمیانی  
پزشکی همدان



دایان کر  
پزشکی همدان



پریا آذری  
پزشکی همدان



زهرا قیاسی  
پزشکی همدان



آریان فتحی  
پزشکی همدان



نرگس سلکی  
پزشکی همدان



محمد ماهان نصرتی  
پزشکی همدان



علیرضا مختار دخت  
پزشکی همدان



صبا گوهرنیا  
پزشکی همدان





سیب‌ترش

بزرگترین مرکز مشاوره ای و آموزشی کشور

# برگ‌های از افتخارات و رتبه برترهای مرکز مشاوره ای - آموزشی سیب‌ترش

## علوم پزشکی همدان

علیرضاشیدی  
پزشکی همدان



اسمانوروزی  
پزشکی همدان



امیرپارصالح  
پزشکی همدان



سیاوش عبدالرحمانی  
پزشکی همدان



ابوالفضل عابدی  
پزشکی همدان



سمیه باقری  
پزشکی همدان



غزل شمس  
پزشکی همدان



شایان مهرابی  
پزشکی همدان



امیرفرحناک  
دندان پزشکی همدان



عسل نوری  
دندان پزشکی همدان



شهریار ولیزاده  
دندان پزشکی همدان



پوریابهاذر  
دندان پزشکی همدان



ساریناصیدی  
دندان پزشکی همدان



سارا الماسی  
دندان پزشکی همدان



ملیکا عابدی فرد  
دندان پزشکی همدان



پیام شمشیری  
دندان پزشکی همدان



نگارمحمد حسینی  
دندان پزشکی همدان



امیرحسین جالوندو  
دندان پزشکی همدان



محمد امین فرهمند  
دندان پزشکی همدان



محمداسماعیلی  
دندان پزشکی همدان



علی رحیمی  
داروسازی همدان



زهرا خمیس آبادی  
داروسازی همدان



مهران بغداد  
داروسازی همدان



مریم شایسته  
داروسازی همدان



ابوالفضل صادقی  
داروسازی همدان



فاطمه سلطانی  
داروسازی همدان



محمدآشنا  
داروسازی همدان



روژینا وصالی ناصح  
داروسازی همدان



محیا صبورفر  
فیزیوتراپی همدان



فائزهر  
فیزیوتراپی همدان



زهرا جلیلیان  
فیزیوتراپی همدان



حسین رضاقزوینه  
فیزیوتراپی همدان



شبنم حاتمی  
پزشکی همدان



راضیه گودرزی  
پزشکی همدان



فاطمه باهری مقدم  
فیزیوتراپی همدان



زهرا ابراهیمزاده  
فیزیوتراپی همدان



سام سلیمی فر  
پزشکی همدان



اله گنجی  
دندان پزشکی همدان



امین ملکی  
پزشکی همدان



محمدعبدلی  
پزشکی همدان



کیهان حسینی  
پزشکی همدان



محیا صادقی  
پزشکی همدان



زهرا صمدی  
پزشکی همدان



پارساقاسمی  
پزشکی همدان



امیرحسین رحمت آبادی  
دندان پزشکی همدان



سحر فیهمی  
پزشکی همدان



برهان خضری  
پزشکی همدان



امیررضانجیر  
دندان پزشکی همدان

